

دودمان‌های پس از اسلام

ورود اسلام به ایران

خلفای راشدین (خلفاء اربعه)

خلفای اموی

خلفای عباسی

طاهریان (۸۲۰ - ۸۷۳ م. / ۲۰۵ - ۲۵۹ ه. ق. / ۱۹۹ - ۲۵۲ خ.) بنیان‌گذار طاهر ذوالیمینین

صفاریان (۸۷۵ - ۹۰۰ م. / ۲۶۱ - ۲۸۷ ه. ق. / ۲۵۴ - ۲۷۹ خ.) بنیان‌گذار یعقوب لیث

سامانیان (۸۷۵ - ۹۹۹ م. / ۲۶۱ - ۳۸۹ ه. ق. / ۲۵۴ - ۳۷۸ خ.) بنیان‌گذار نصر یکم

زباریان (۹۲۸ - ۱۰۷۰ م. / ۳۱۵ - ۴۶۲ ه. ق. / ۳۰۶ - ۴۴۹ خ.) بنیان‌گذار قابوس بن وشمگیر

بوییان (ال بویه ۹۳۲ - ۱۰۴۹ م. / ۳۲۰ - ۴۴۰ ه. ق. / ۳۱۱ - ۴۲۸ خ.) بنیان‌گذار شهریار عضدالدوله

غزنویان (۹۹۸ - ۱۱۶۰ م. / ۳۸۸ - ۵۵۵ ه. ق. / ۳۷۷ - ۵۳۹ خ.) بنیان‌گذار سلطان محمود غزنوی

سلجوقیان (۱۰۳۸ - ۱۱۹۴ م. / ۴۲۹ - ۵۹۰ ه. ق. / ۴۱۷ - ۵۷۳ خ.) بنیان‌گذار ملکشاه و سلطان سنجر

خوارزمشاهیان (۱۰۷۸ - ۱۲۲۰ م. / ۴۷۰ - ۶۱۷ ه. ق. / ۴۵۶ - ۵۹۹ خ.) بنیان‌گذار محمد خوارزمشاه

ایلخانیان (۱۲۵۶ - ۱۳۳۶ م. / ۶۵۴ - ۷۳۶ ه. ق. / ۶۳۵ - ۷۱۴ خ.) بنیان‌گذار هولاکوخان

تیموریان (۱۳۷۰ - ۱۴۹۸ م. / ۷۷۱ - ۹۰۳ ه. ق. / ۷۴۸ - ۸۷۷ خ.) بنیان‌گذار تیمور گورکانی

آق قویون و قره قویونلوها (۱۳۷۸ تا ۱۵۰۸ میلادی) بنیان‌گذار اوزون حسن

صفویان (۱۵۰۱ - ۱۷۲۳ م. / ۹۰۶ - ۱۱۳۵ ه. ق. / ۸۷۹ - ۱۱۰۲ خ.) بنیان‌گذار شاه اسماعیل یکم

افشاریان (۱۷۳۵ - ۱۷۴۸ م. / ۱۱۴۸ - ۱۱۶۱ ه. ق. / ۱۱۱۴ - ۱۱۲۷ خ.): بنیان‌گذار نادرشاه

زندیان (۱۷۵۰ - ۱۷۹۵ م. / ۱۱۶۳ - ۱۲۰۹ ه. ق. / ۱۱۲۹ - ۱۱۷۳ خ.) بنیان‌گذار کریم‌خان زند

قاجار و پهلوی و جمهوری اسلامی ایران

پس از استقرار دین اسلام در سرزمین ایران که در نتیجه پیروزی اعراب مسلمان بر ساسانیان و فتح ایران توسط آنها روی داد، تحولات بسیاری در عرصه‌های اجتماعی، مذهبی و سیاسی ایران به وجود آمد. ایرانیان که از تبعیض طبقاتی موجود در کشورشان ناراضی بودند اسلام را پذیرفتند و در اشاعه آن کوشیدند.

با این حال هرگز مخالفت خویش را با سلطه امویان و عباسیان بر خاک ایران پنهان نکردند و جنبش‌های استقلال‌طلبانه‌ای را به پا ساختند که تشکیل حکومت‌هایی چون طاهریان (۸۱۱-۸۲۶ م) و صفاریان (۹۰۳-۸۶۶ م) را میتوان از نتایج آنها برشمرد.

طاهریان برای اولین بار پس از ظهور اسلام نواحی شرقی ایران همچون خراسان را به استقلال رسانیدند و صفاریان نیز برای اولین بار از زبان خارجی به جای زبان عربی استفاده کردند. از دوره سامانیان (۹۹۹-۸۱۹ م) نیز خط فارسی نوین پدید آمد و الفبای عربی با زبان فارسی رواج یافت. حکام آل بویه (۱۰۵۵-۹۴۵ م) پس از فتح شیراز و تأسیس حکومت خویش راهی بغداد شده آن را تصرف نمودند و مقام خلافت را به آلت دست خویش تبدیل نمودند و قدرت واقعی را در دستان خویش گرفتند.

غزنویان (۱۱۸۶-۹۷۷ م) خود را به عنوان غازیان یا جنگجویان مسلمان مطرح ساختند و سرزمین‌هایی همچون هندوستان را مورد تهاجم خویش قرار دادند.

سلجوقیان (۱۱۹۴-۱۰۳۸ م) با پیروزی بر غزنویان حکومت خویش را تأسیس نمودند و سراسر ایران تحت سیطره خویش درآوردند و به یاری وزرای بزرگ و دانشمند ایرانی قدرت خود را تثبیت نمودند ولی در نهایت توسط خوارزمشاهیان از میان رفتند.

در دوره حکومت خوارزمشاهیان (۱۲۳۱-۱۰۷۷ م) تهاجم مغول‌ها به خاک ایران آغاز گردید.

نتیجه این تهاجم انقراض حکومت خوارزمشاهیان و غارت شهرها و قتل عام مردم ایران بود که با نابودی اقتصاد و کشاورزی ایران همراه گردید.

مغول‌ها بسرعت خاک ایران را تصرف نمودند و ضمن لشکرکشی به بغداد و به قتل رساندن خلیفه عباسی خلافت اسلامی را از میان بردند (۱۲۲۸ م)

پس از مغول‌ها، تیموریان (۱۵۰۶-۱۳۷۰ م) به خاک ایران هجوم آوردند و بار دیگر سرزمین ایران را عرصه تاخت و تاز و غارت قرار دادند.

از دوره صفوی (۱۷۳۲-۱۵۰۱ م) مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی ایران معرفی گردید. مذهب تشیع با ویژگی‌های سیاسی و اجتماعی خویش باعث اتحاد و استقلال ایران گردید و هویت ملی آن را در برابر تهاجمات و ضربات مهلک امپراتوری عثمانی حفظ نمود و ایران توانست بار دیگر به عنوان یک قدرت بزرگ سیاسی و مذهبی قد علم کند.

در دوره شاه عباس کبیر شهر اصفهان به عنوان پایتخت ایران انتخاب گردید و به اوج عظمت شکوه دست یافت به طوری که یادگارهای بسیاری از آن دوران تا عصر حاضر نیز بر جای مانده‌اند. صفویان در نتیجه تهاجم افغان‌ها و تصرف اصفهان توسط آنها از میان رفتند.

نادرشاه افشار افغان‌ها را شکست داد و ضمن تسلط بر تمامی خاک ایران، سلسله افشاریان را تأسیس نمود (۱۷۳۴ م). پس از افشاریان، زندیان (۱۷۹۶-۱۷۵۰ م) بر اریکه قدرت تکیه زدند در دوره حکومت آنها شهر شیراز به پایتختی انتخاب گردید و به شهری باشکوه و بزرگ تبدیل شد.

حکومت امویان در ایران:



خلافت اموی پس از شهادت حضرت علی (ع) چهارمین خلیفه مسلمانان توسط معاویه بن ابوسفیان تشکیل شد. نسبت خاندان بنی امیه به امیه بن عبد شمس می رسید و آنان از سال ۴۱ ه. ق تا ۱۳۲ ه. ق امپراطوری بزرگی را در سرتاسر متصرفات اسلامی از اندلس تا ماوراءالنهر تشکیل دادند که در نوع خود بی نظیر بود. ویژگی خاص خلافت امویان تشریفات و تجملات درباری خلفا بود، به گونه ای که آنها بر خلاف زندگی ساده و بی تکلف خلفای راشدین و بویژه امام علی (ع) دمشق را به شهری شاهانه تبدیل کردند و با موروثی کردن مقام خلیفه، خلافت اموی را به نوعی سلطنت و پادشاهی مبدل ساختند.

خلفای اموی در طول ۹۰ سال حکومت خود به هیچ عنوان وقعی به تعالیم و دستورات اسلامی ننهادند و از هر گونه ظلم و ستمی به مردم کشورهای

تحت حاکمیت خود فروگذار نکردند. آنان از ابتدا رویه خصمانه‌ای را نسبت به ایرانیان نیز در پیش گرفتند و از آنجا که گروه زیادی از مردم ایران به تشیع گرویده بودند به آنان به چشم دشمنان جدی خود می‌نگریستند. یزید دومین خلیفه اموی با به شهادت رساندن امام حسین (ع) ننگ جاودانی برای خود و کارگزارانش بر جای نهاد و کینه و نفرت وصف ناپذیری بین او و مردم ایران که امام سوم شیعیان را سخت گرامی می‌داشتند بوجود آمد. این دشمنی و خصومت در دوره خلفای بعدی اموی ادامه پیدا کرد و آنان با موالی و بنده خواندن غیر اعراب و بویژه ایرانیان همواره مردم ایران را مورد اهانت و تحقیر خود قرار می‌دادند. اوج فشار و ظلم خلفای اموی بر مردم ایران در دوره حکومت عبدالملک بن مروان بود و با وجود تلاش فراوان وی برای بیرون راندن ایرانیان از امور دیوانی دستگاه خلافت، در این امر توفیقی نیافت. در دوره خلافت امویان بر ایران، مردم سختی‌های فراوانی را متحمل شدند و عمال بنی‌امیه علاوه بر اخذ مالیات‌های گوناگون به چپاول و غارت اموال و مردم نیز می‌پرداختند. آنان در دوره حاکمیت خود قبایلی از اعراب مناطق شمالی و جنوبی عربستان را به ایالات مختلف ایران کوچ دادند تا از این طریق کنترل بیشتری مردم ایران داشته باشند ولی پس از چندی همین امر موجب تشدید درگیری مناطق مختلف ایران شد چرا که این قبایل که ریشه در عصیبت جاهلی خود داشتند درگیر اختلافات طایفه‌ای و قبیله‌ای شده به تشنج در این مناطق دامن

ز دند. دوره امویان سب و لعن حضرت علی (ع) و خاندان او در سرتاسر خلافت اجباری شمرده می شد و ایرانیان که به خاندان اهل بیت عشق می ورزیدند با چشمی پر خون شاهد این توهین ها بودند هر از چند گاهی با قیام هایی خونین خشم خود را به خلفای اموی نشان می دادند. بهترین و عادل ترین خلیفه اموی عمر بن عبدالعزیز بود که سب و لعن علی و آل علی (ع) را متوقف کرد و از بار فشارهای تحمیلی بر مسلمانان غیر عرب بنحو محسوسی کاست ولی مخالفان خلیفه طی توطئه ای پس از دو سال او را بقتل رساندند. ایرانیان در دوران خلافت اموی جدای از جنگ ها و شورش های گوناگون سیاسی، در گیر جنگ فرهنگی با امویان بودند و با براه انداختن نهضت ادبی شعوبیه در تلاش برآمدند تا گذشته پرافتخار خود را به رخ اعراب کشیده و برتری خود را بر آنان ثابت کنند. آنان همچنین در امور دیوانی نیز نقش مهمی به خود اختصاص دادند و علیرغم نفرت خلفا و کارگزاران آنان، ایرانیان در ساختار و شالوده اصلی حکومت بنی امیه به سختی نفوذ کردند. امویان در دوران خلافت خود به قدری به ایرانیان محتاج بودند که سلیمان خلیفه اموی در این باره گفته بود: (عجبا ایرانیان هزار سال حکمفرمایی کردند و ساعتی بما احتیاج پیدا نمودند و ما صد سال خلافت کردیم و یکساعت بی مساعدت آنها نتوانستیم زندگانی کنیم). ایرانیان در نهایت کینه خود را بر امویان کارگر ساختند و ابو مسلم خراسانی سردار بزرگ ایرانی سرانجام به حکومت آنها پایان داد.

نحوه دفینه گذاری در دوره امویان:

شیوه اول دفینه گذاری: این نوع دفینه که در دوره سلطنت **یزید بن محلب** می باشد بدین گونه است که اغلب

در بالای کوه یا قلعه می ساختند و گوشه قبله قلعه **چاهی** تعبیه می کردند که دقیقاً در چاه سمت قبله **دو عدد سنگ کبود**

شکل سنگ آبیاب ساخته و بعد از کاویدن مقداری به نشانه کله حیوانی رسیده می شود که بعد از آن یک دیک

بوده و دقیقاً زیر دیک نیز یک راه مخفی نمودار می شد که به دو سمت راه داشت یکی به سمت قبله که خالی بوده و

دیگری سر مشرق که به یک اتاقی ختم می شود که دفینه داخل آن می باشد. شامل ادوات و سلاح جنگی می باشد

شیوه ۲: این نوع دفینه اغلب در **شاه نشسته یا شاه تپه** پدید می شود. در روی شته سنگی را قرار داده و روی آن را

می نوشتند " **عمر رضوان الله** " و دفینه را که شامل یک خمره سکه عمر خطاب است زیر سنگ دفن می کردند.

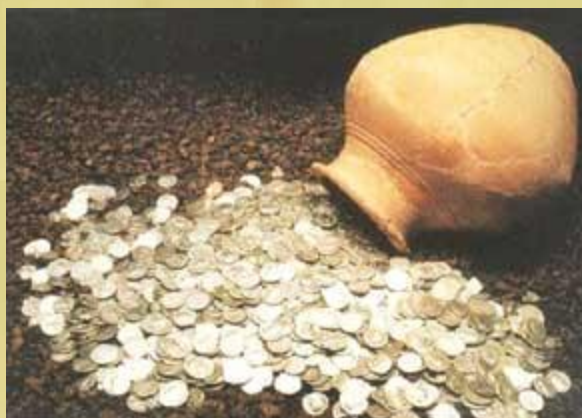
شیوه ۳: **کافر قلعه یا قلعه کبری** در نظری گرفتند و میان قلعه سنگ سیاهی را که روی آن **شکل شمشیر** بصورت

حکاک می کشیدند در نظر گرفته دفینه که شامل ۲ خمره سکه بود زیر سنگ پنهان می کردند سکه هم بوط به عمر خطاب می باشد.

شیوه ۴: نشانه مار مولک و بزجه در ایران نشانه بار نیست و فقط توسط اعراب ایجاد شده است. چون اعراب

وحشی علاقه زیادی به بزجه بزرگ دارند.

دفینه های امام حسنی (ع):



شیوه دفینه گذاری اول: این نوع دفینه ها اغلب در کنار **بهارخانه های قدیم** که کنار رودخانه قرار داشت ۲ سنگ

سرخ و سفید را نشانه می گذاشتند و بعنوان شاخص، روی سنگ سفید نشانه شانه و روی سنگ سرخ علامت انگشتر می گذاشتند. دفینه زیر سنگ سفید رنگ بوده و یک یا یک خمره سکه امام حسن (ع) بود.

شیوه ۲: قلعه های کافر دارای اهمیت بودند، در وسط قلعه سنگ بزرگی را بعنوان شاخص در نظر گرفته و نشانه

می گذاشتند نشانه علامت آن مثل شمشیر بود دفینه دقیقا زیر سنگ پنهان می شد و شامل سکه امام حسن (ع) بود.

شیوه ۳: در زیر دست قلعه های کافر **درخت مازو** بعنوان شاخص در نظر می گرفتند، سمت قبله پشت درخت با فاصله ۵

ارش از درخت سمت قبله در نظر گرفته و دفینه را در آنجا قرار می دادند. اغلب خمره سکه امام حسن بود و روی آن را با

سنگ محکم پلپ می کردند.

شیوه ۴: در مکانهایی که به سیریا سر مشهور است اغلب تلی درست می‌کردند و بالای تل نیز قلعه می‌ساختند

زیر دست قلعه سنگی را بعنوان شاخص در نظر گرفته و دوفینه رازیر آن پنهان می‌کردند. دوفینه شامل دیگ بود.

شیوه ۵: اغلب در راه‌های مالرو یا شاهراه‌های اصلی چشمه‌ای را در نظری گرفتند. سر چشمه یک چاه و بالای

چاه طرف مشرق چشمه بود. دقیقا پشت چشمه یک پشته‌ای بصورت ریخته شده ساخته و دوفینه را دقیقا وسط پشته قرار

می‌دادند. دوفینه شامل خمره سکه امام حسنی (ع) بود.

شیوه ۶: همانطور که در شیوه‌های قبلی اشاره شد درخت مازو بعنوان شاخص در نظر گرفته میشد که اغلب با فاصله‌های

مختلف به سمت‌های مختلف پنهان می‌شد. اغلب در زیر خود درخت نیز که روبه قبله بود یک خمره دفن می‌کردند

البته این بر تمامی درختان مازو شامل نمی‌شود. بهتر است قبل از تخریب درخت با دستگاه فلزیاب مطمئن شوید.

شیوه ۷: اغلب در بالای تپه‌ها و سنگ‌سیاه و سفید در نظری گرفتند و علامت حلقه را روی آن صورت حکاکی

یا بر حبه گل می‌کردند دوفینه زیر سنگ دفن می‌کردند عمق بار اغلب یک زرع بود دوفینه هم شامل یک خمره بود.

حکومت بنی عباس (عباسیان):

خلافت عباسی توسط نوادگان عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر، که از بنی هاشم بود در سال ۷۵۰ میلادی در حران تاسیس شد. مرکز این خلافت بعدها از حران به بغداد منتقل شد، حکومت عباسی در بغداد سال ۱۲۵۸ میلادی پس از یورش مغولان به پایان رسید. سپس توسط بازماندگان این دودمان حکومت مذکور قاهره منتقل شد؛ در سال ۱۵۱۹ میلادی پس از فتح شام و مصر توسط ارتش عثمانی سلسله عباسیان منقرض شد. بنی عباس سیاست داخلی اداره کشور مانند امویان همان سیستم اداری روش ایرانیان پسندیدند و پیش گرفتند خلافت بنی عباس در سال ۱۳۲ هجری قمری توسط شخصی به نام سفاح تشکیل شد. مردی که در به قدرت رساندن خلافت بنی عباس نقش مهمی داشت ابو مسلم خراسانی بود که بعد ها توسط منصور جانشین برادرزاده سفاح به قتل رسید. منصور حکومتی را که عمویش پایه گذاری کرده بود قدرتمند کرد و پایتخت حکومت بنی عباس را به شهر بغداد منتقل کرد و تمامی دشمنان خود را به شدت سرکوب کرد. قدرتمندترین فرمانروای خاندان بنی عباس هارون الرشید است که در زمان او قلمرو خلافت بنی عباس در اوج وسعت قرار داشت. با این همه بسیاری که از قدرتی که به هارون الرشید نسبت می دهند به خاطر وزیر بزرگ او یحیی برمکی بود. یحیی برمکی با هارون الرشید بزرگ شده بود با این حال بعد ها دلیل قدرت بسیاری

که به دست آورده بود کشته شد. بعد از مرگ هارون الرشید میان دو پسر او امین و مامون بر سر قدرت درگیری اتفاق افتاد. امین بعد پنج سال حکومت توسط برادر خود کشته شد. چون مامون به یاری ایرانیان به قدرت رسید پایتخت بنی عباس از بغداد به شهر مرو در خراسان انتقال داد. این کار مامون مخالفت بزرگان خاندان بنی عباس قرار گرفت. مامون برای اینکه بزرگ شیعیان علی بن موسی الرضا را زیر نظر مستقیم خود بگیرد، او را به مرو آورد مقام ولیعهدی ایشان پیشنهاد کرد. علی بن موسی الرضا به شرط آنکه در کارهای سیاسی دخالتی نکند هیچ کسی را عزل یا نصب نکند قبول کرد با این وجود یک سال بعد ایشان توسط خلیفه ی بنی عباس مسموم و کشته شد و مامون دوباره پایتخت بنی عباس را به بغداد انتقال داد. بعد مرگ مامون قدرت خاندان بنی عباس رو به انحطاط نهاد و قسمت های قلمرو این حکومت سر به طغیان برداشتند حکومت هایی برای خود تشکیل دادند. شاید بعد از مامون بتوان به دو نفر از خلفای بنی عباس اشاره ی کوتاه کرد. یکی معتمد که در زمان او یکی از شاهان ایران به نام یعقوب لیث برای سرنگونی حکومت بنی عباس به بغداد حمله کرد ولی شکست خورد کمی بعد بر اثر بیماری مرد. دیگری منصور که تلاش بسیاری کرد تا حکومت ایرانی خوارزمشاهیان را در خراسان سرنگون کند به همین جهت مغولان را تحریک کرد که به ایران حمله کنند. آخرین خلیفه ی بنی عباس معتصم مغولان شکست خورد و تسلیم شد و حکومت بنی عباس سرنگون گردید

شیوه و طریقه دفینه گذاری در دوره بنی عباس (عباسیان):



شیوه اول: این نوع دفینه اغلب در **قراول خانه** که در کنار راه های قدیم دست می کردند بود. در کنار قراول

خانه با برج هایی برای دیده بانی شهر و کاروانیان و مسافران می ساختند. اغلب دفینه ها در وسط برج پنهان می کردند و

با ساوج پلمپ می کردند. این نوع دفینه ها برای خرج سپاهیان یا تعمیر مورد استفاده قرار می گرفت.

قراول خانه: مکانی بلند قریب یک فرسنگ بیرون شهر که شب و روز سربازان در آن مراقب بودند و چون سپاه

دشمن را از دور می دیدند برای اطلاع مردم شهر آتش روشن می کردند یا به وسیله ای آنان را آگاه می ساختند.

۲- اطاعتی که قراولان یک واحد نظامی در آن مستقرند، پاسدارخانه



شبهه ۲: درپل های بسیار بزرگ تاریخی بعضی شهرها که بر مسیر رودخانه باقرامی گرفت بالای پل سمت شمال

۳ قبروارونه قرار داده و داخل قبر وسطی یک دفینه قرار می دادند که شامل طاس بود.

شبهه ۳: این نوع دفینه ها اغلب در کنار **دختان کردو** دفینه گذاری می شد بدین صورت که با فاصله یک گام

بلند از دخت یک سنگ جگری رنگ می گذاشتند و دقیقاً زیر آن سنگ دفینه را پنهان می کردند و اغلب

دفینه شامل مشربه مارون الرشیدی بود.

طریقه ۴: این نوع شبهه که مربوط به یک منطقه خاص در شمال کشور است فقط محض یادگیری و جنبه آموزشی یاد

می‌دسیم. در سرودخانه پشت برج زار زیر سنگ یک دیک سکه از زبیده خاتون زوجه هارون الرشید دفن می‌کردند.

شبهه ۵: زندان خانه های قدیمی سنگ شتر در مناطقی به اسم شکر می‌خوانند بود، جلوی شتر ۵ قبر که از کچ و سنگ

ساخته شده است می‌باشد، در قبر میانی یک خمره سکه دوره اسلامی هارون الرشید می‌باشد.

شبهه ۶: برج های قدیم که برای دیده بانی کاربرد داشتند اغلب آنها خراج سپاسیان در وسط برج که یک خمره سکه

مقتضی بود دفن می‌کردند.

شبهه ۷: اغلب در کنار درخت چنار و مقابل شاخه او یک قبر وارونه وجود داشت که داخل قبر یک خمره سکه

هارون الرشیدی بود.

شبهه ۸: در اطراف امامزاده چشمه ای وجود داشت و بعضی از این چشمه ها لوگر و نیز داشتند بالای آن چند درخت

قدیمی بود و مقابل درخت سنگ مربعی شکل جاری شده بود و دینۀ زیر سنگ مربع دفن می کردند.

شيوه ۹: حوالی بعضی قبرها سمت جنوب دره زانۀ هائی می ساختند و درب زانۀ را با سنگین پلپ می کردند و دینۀ دقیقا

وسط زانۀ پنهان می کردند که به لایه های کچ و ذغال رسیده بعد به یک خمره هارون الرشیدی رسیده می شد.

شيوه ۱۰: اغلب عارت های باستانی که خراب شده و به تپه مبدل گشته اند از طرف مشرق باید به سمت مرکز تپه رفته به

خمره دوره عباسی رسیده می شود.

شيوه ۱۱: در تخت های قدیم (مکانهای تخت نشین و جای صاف) که در زمانهای قدیم نقاره خانه بود طرف

شمال سگی که نشانه هارون داشت می ساختند زیرا آن سکه عباسی پنهان و دفن می کردند.



ابو مسلم خراسانی

گنج تدمر:

اماعیل بن محمد بن خالد القسری نقل کند که بامروان حار بودم وقتی که شهر تدمر را خراب میکرد، سوراخی ظاهر شد خدای پیدا کردید در زیر زمین، و تختی گذاشته شده بود و زنی بالای آن تخت بود با کیسوان دراز و قدم آن زن، سوامی انگشتان به قدر یک ذراع بود، و حلی و زیور بسیار بر او پوشانیده بودند و لوحی از طلا در کیسوان او بود، در او نوشته شده بود که نام من تدمر، دختر حسان، هستم، خدا ذلیل کند آن را که داخل در این خانه شود. پس، مروان امر کرد که در آن سردابه را بستند و چیزی از زیور آن زن برنداشتند. اماعیل گوید که چندی نگشید که عبدالله علی با لشکر بسیار آمده بامروان حرب نمود ملک از او بستند.

در تدمر، صورتهای بسیار از سنگ تراشیده اند و صورت دو جاریه در پهلوئی هم تراشیده شده در غایت حسن و جمال جاری را در غایت غربت در آن دو صورت معمول داشتهاند؛ چنانکه اوس بن ثعلبه در وصف آن دو صورت گفته است:

وتاتی اهل تدمر خبرنا لما تسلمنا طول المقام..... قیامک علی غیر اعمشیا علی حمل اصم من الرحام

فلم قدم من عدد اللیالی لعصر کما وعام بعد عام

گنج اردشیر :



بعد از آن اردشیر چون فارس را مسخر کرد انید لشکر موجب طلبیدند میخواست که قسمتی کند نمیتوانست که

به لشکری نهد، عظیم مستکر و غمگین شد و لشکر را وعده داد.

روزی در صنفه ای تکیه زده بود، ماری سیاه دید که بر بالای سقف صنفه در سوراخی رفت قوم را گفت که این

مار را بیرون آورند و بکشند و دیوار بشکافند و فینه ای عالی یافتند و به لشکر قسمت کرد. و هم در آن روز خیاطی

که خیاط بزرگان آن ولایت بود گفت که چندین صندوق جواهر و جامه های قیمتی پیش من نهاده [است].

بنی عباس و گنج اسکندر:



در میان شام و جاز شهری است که آن را تیما میخوانند و حسنی بغایت محکم دارد از سنگهای ملون و عریان آن را

حصن ابلق میخوانند و آن را سلیمان ساخته است و اشعار بسیار به وصف آن گفته اند و مثل شده.

بعد از آن مناره اسکندریه، چیزی بغایت عجیب ساخته اند. و یکی از عجایب دنیا مناره اسکندریه است و اصل

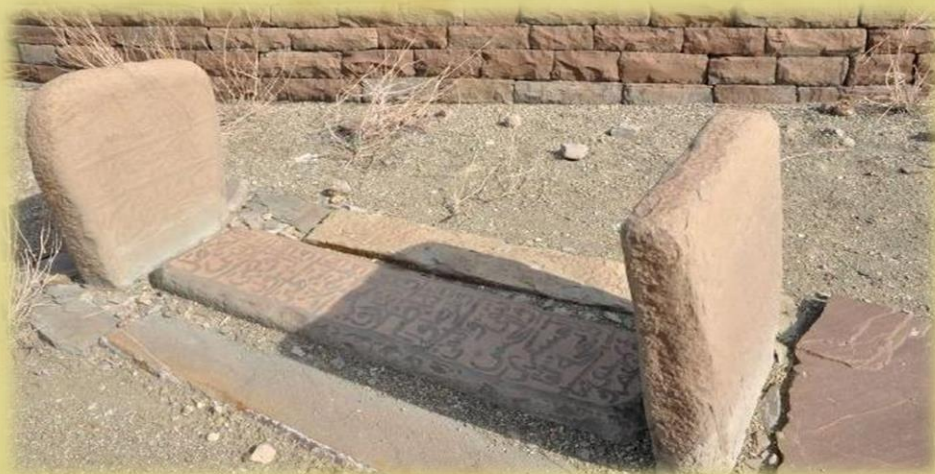
آن از آبگینه بود و شکلی چون خرچنگ ازم ساخته بغایت بزرگ و در میان دریا و آب نهاده اند و پرشت آن

بنیاد مناره از آبگینه کرده اند و از جانب مناره تا کناره زمین قطرها از آبگینه ساخته اند و چهار صد و پنجاه کز بلندی

آن منار است غلیظ و قوی کرده بودند چنانچه سیصد و شصت و پنج قطره از جوانب مناره از زیر تابا بساخته اند و بر بالای مناره آینه‌های بزرگ روشن بوده که هر کس در آنجا بودی تالون جامه و عدد ایشان همه را می‌نمود و در آن آینه می‌دیدند. قریب سیصد و بیست فرسنگ است تا به قطنیه و چون از روم و فرنگ لشکری عزیمت محاربه می‌کردند تا با مسلمانان جنگ کنند چون در حرکت می‌آمدند اهل اسکندریه را معلوم بوده به کارسازی و دفع و جواب لشکر مشغول می‌شدند. فرنگیان می‌خواستند آنکه حمله کنند و آن آینه را خراب سازند. یکی از خلفا که به اسکندریه رفته بود می‌گفت که خلیفهای از آل عباس بود.

جاسوسی، فرنگیان فرستادند بر سبیل درویشی تا در آن خانه‌های منار اسکندریه مجاور شد و به خلیفه گفت در زیر این مناره گنج اسکندر است، بفرمود تا آن را خراب کردند تا قعر دریا و آب، شکل سرطانی یافتند مس و بیج گنج نبود و چون آن شخص را طلب کردند گریخته بود. دانستند که آن جاسوس از فرنگ بوده و حمله کرده. پس خلیفه بفرمود تا استادان بنا را بیایند تا باز مناره بر آورند و آخر از کج و آجر ساختند و دانک آنچه اول بود.

آیین تدفین و ساختار قبرها در دوره اسلامی :



پس از ورود دین اسلام به ایران دیگر آیین هایی که مربوط به زندگی پس از مرگ می شد از بین رفت و دیگر همراه مرده نه خمره ای دفن میشد و نه اشیاء فلزی مگر جنگ های بین عرب ها و ایرانیان بعد از مرگ به دلایل شرایط بد جنگی جنازه را در همان قسمت با تجهیزات خود دفن میکردند و بعد پیروزی اسلام رواج پیدا کردن دین اسلام میان ایرانیان بعد از مرگ همراه مرده فقط تسبیح و مهر یک یا چند انگشتر نگین دار دفن میشد و مرده را به سمت قبله دفن میکردند البته یک سری از این قبرها جهتش با قبله امروزی متفاوت است و همه آنها را با قبر زردتشتی همان گبری اشتباه میگیرند و بعد از کاوش داخل آن چیزی پیدا نمیکند قبرها همان قبرهای مسلمانی است ولی به دلیل نبود مکه آن زمان جسد به سمت قبله قدیم بیت المقدس دفن میکردند.

قبرهای پادشاهان:



ساختار قبر پادشاهی به دو شیوه بود: قبل از اسلام و بعد از اسلام در قبل از اسلام بصورت دخمه بوده مانند آرامگاههای صخرهای پادشاهان هخامنشی نمونه های دیگر قبرهای پادشاهی به صورت تل های خاکی است که هم قبل از اسلام کاربرد داشت هم بعد از اسلام در قبل از اسلام این تل ها برای قبر ملکه ها و خاندان سلطنتی استفاده میشد ولی بعد از اسلام برای پادشاهان و سرداران بزرگ استفاده می شد و ساختارشان به این صورت بود در قسمت طلوع یا غروب درب را تعبیه میکردند که به دخمه درون تپه راه داشت . در زمان اسلامی نوع قبرهای پادشاهان کم کم از حالت دخمه ای درآمد و به بنا تبدیل شد نمونه آنها همان بقعه ها هستند .

دَفینه بقعه ها (قبرهای سلطانی):



این قبرها متعلق به قبر پادشاهان در زمان اسلامی بوده مثال:

- ۱- شاه عباس اول: بقعه او در سمت جنوب غربی حرم مطهر و وصل به ان بود.
- ۲- شاه صفی: قبر او در رواق جنوبی حرم واقع بود و صندوقی روی قبرش بود که امروزه در موزه قرار دارد.
- ۳- شاه سلیمان شاه سلطان حسین: بقعه این دو در وسط بنای جدید مسجد بالا سر



۴- فتحعلی شاه: در شمال غربی صحن کهنه (طلا) پشت مدرسه فیضیه می باشد

که سنگ روی قبر این پادشاه تصویرش می باشد که بسیار زیباست.

۵- محمد شاه قاجار: بقعه او در همین صحن در سمت جنوب غربی و در حد

فاصل میان صحن مسجد اعظم واقع است که سنگ قبر نیز بسیار دیدنی است.

در کنارش بقعه همسرش مهد علیا قرار دارد دیده می شد.

دیفنه یا خمس آنها را در کنار جنازه و ۷۰ سانت زیر سر جنازه و سربار آن را در

زیر محراب در زیر کفش کن جلوی درب ورود بین تک درخت و درب قرار

میدادند سری دیگر را لای درختان زیر درختان و وسط دو درخت قرار میدادند



قلعه های دوره اسلامی در ایران:



معماری و شهرسازی اوایل اسلام که متأثر از معماری قبل اسلام بویژه دوره ساسانیان است تفکرات دفاعی مورد توجه بوده است به طوری که معمولا هر شهر اسلامی از سه بخش تحت عنوان کهندژ، شارستان و ربض تشکیل می گردید، مهم ترین بخش ها کهندژ یا ارگ بود که عبارت بود از قلعه های که در وسط یا گوشه شهر قرار داشته و معمولا از یک سو به باروی شهر پیوسته بود تا همواره برای دفاع و مقابله با تهاجمات دشمن آماده باشد، از جمله کهن دژهای معروف می توان کهن دژهای شهرهای ایران سمرقند، بخارا، بلخ و نیشابور را نام برد. رباط ها از بناهای دفاعی و نظامی صدر اسلام است و قلعه های نظامی مرزی را در دوران معینی رباط می گفتند، مانند رباط نصیبین که در سرحد میان ایران و روم شرقی بنا شده بود و نگهبانان آن از دیلمان می آمدند، رباط ها را می توان از نخستین استحکامات سازه ای محسوب نمود که در نقاط بی



حفاظ مرزی پناهگاه گروهی جهادگر بودند. پس از تثبیت اسلام در مناطق اسلامی برطرف شدن تهدید سوی غیر مسلمانان در مرزها، معنی واژه رباط با مسجد یکی شد. قلعه های ایران، به دو نوع جلگه ای و کوهستانی، مصالح ساختمانی آنها نیز متفاوت است، طرح اصلی قلعه های جلگه ای مربع و یا مربع مستطیل است که چهار گوشه آن برج های مدور برای دفاع ساخته شده اند، مصالح این قلعه ها خشت و گل است و به ندرت از آجر و گچ استفاده شده استبارو (دیوار ضخیم) این قلعه ها چینه (دیوارهای گلی که آن را بند بند می سازند) است یا با خشت های قطور ساخته شده است، برای استحکام آن قطر و ضخامت بعضی از بارو ها به چهار متر هم می رسید. اطراف بعضی از این قلعه ها خندق حفر می کردن و برای رسیدن به قلعه از پل های متحرک بهره می گرفتند. بعضی از این قلعه ها به دلیل امنیت آن ها محل سکونت کشاورزان و روستاییان شد که با گذراندن خیابانی معمولاً شمالی و جنوبی تامین آب آشامیدنی خانه های روستایی در دو طرف خیابان ساخته می شد. از این قلعه ها می توان به قلعه بیاضه بیابانک و هنجن در سر راه نطنز به ایبانه است اشاره کرد که تا این اواخر محل سکونت بوده است، این قلعه دارای برج و باروی ضخیم بسیار بزرگ بوده است. داخل قلعه کوچه های پر پیچ و خمی داشته است که همه آن ها به گذر اصلی قلعه که به در قلعه منتهی می شود راه دارند، خانه ها دو طبقه هستند و از طبقه زیرین برای نگهداری دام و یا انبار مواد غذایی و آشپزخانه استفاده می کردند و اتاق های نشیمن در طبقه دوم قرار داشته اند.

تمام دوران اسلامی، در ایران قلعه های بسیاری داخل شهرها به وجود آمدند، برای

مثال می توانیم از ارگ کرمان و قلعه فلک الافلاک در خرم آباد و ارگ نام برد. قلعه های اوایل و اواسط دوره اسلامی سرتاسر ایران پراکنده هستند و به طور کلی در کنار شاهراه های ارتباطی ساخته شده اند، نمونه این قلعه ها شبکه وسیع قلعه های اسماعیلیه است که در نقاط مختلف بنا شده اند یا قلاعی که فقط برای محافظت از راهها و ایجاد امنیت در مسیر های کاروان رو ساخته شده اند یا قلاعی که در نزدیک پلها و رودخانه ها ایجاد شده اند، مانند قلعه ای که در شمال رودبار در بستر سفید رود احداث شده است. یکی از بزرگترین و قدیمی ترین قلاع ایران، قلعه گلی است در جاده کاروان رو ورامین به قم نزدیک محلی به نام کاج ساخته شده و شامل تعداد بسیاری برج مستحکم مستطیل شکل است که به خوبی قادرند از قسمت حیاتی جان و مال ساکنان قلعه محافظت کنند. بنای قلعه را می توان به دوره شاهنشاهی ساسانیان نسبت داد و اگر هم در آن زمان ساخته نشده باشد قطعاً در قرون اولیه اسلامی در زمان سلجوقیان ساخته شده است، زیرا دیوار های آن شباهت بسیاری به دیوار های رباط سنگی دارد که متعلق به دوران سلجوقی است. هنر قلعه سازی در ایران از آغاز ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی تا زمان حاضر به تدریج تکامل یافته، پیشرفت هایی که لحاظ جنگی برای مهاجمان و نیز مدافعان به وجود آمده و استفاده از فنون جدید در جنگها موجب شده که برجهای مدور بزرگتر و نزدیک به هم و دیوارهای مستحکم تر بنا شوند.

حکومت صفاریان در ایران:



صفاریان یا ماهکیان از دودمان‌های ایرانی فرمانروای بخش‌هایی از ایران بودند. پایتخت ایشان شهر زرنگ بود و آنان را نوادگان ساسانیان می‌دانستند که پس از حمله اعراب به سیستان مهاجرت کرده بودند.

یعقوب لیث صفاری مردی عیار جوانمرد اهل سیستان بود و به دلیل محبوبیتی که میان مردم آنجا به خاطر جنگ خوارج به دست آورده بود، توانست قدرت را به دست گیرد و به حکومت برسد. یعقوب لیث بعد از تشکیل حکومت خود، ابتدا به کرمان و شیراز حمله کرد و آن صفحات را تسخیر نمود، سپس به خراسان رفت و آنجا را فتح کرد و

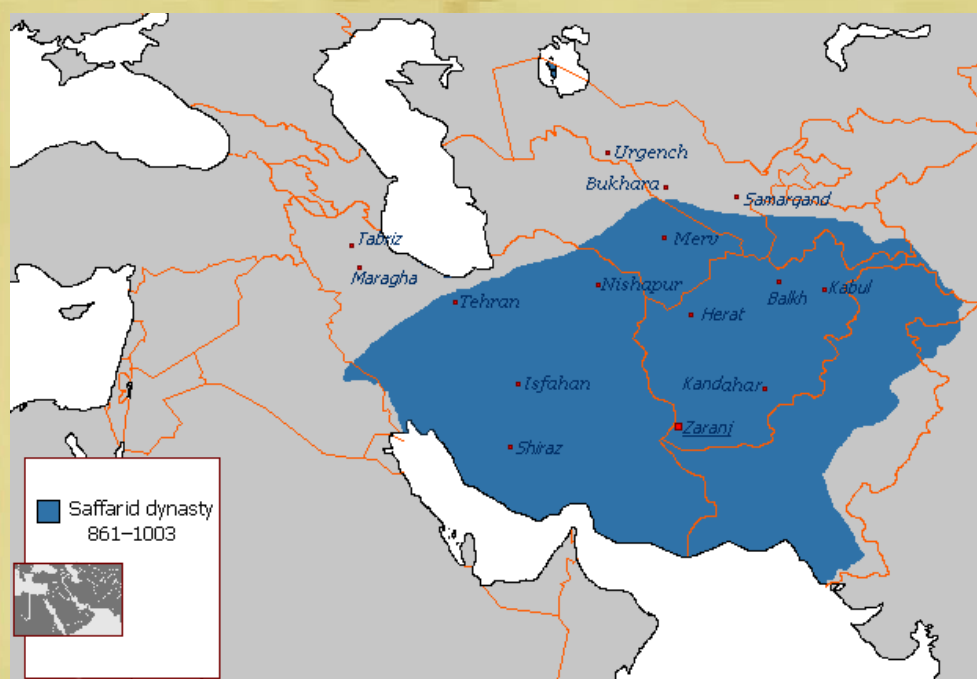
حکومت طاهریان را نابود ساخت. وی سپس به طبرستان رفت، ولی در جنگ با علویان طبرستان شکست خورد و عقب نشینی کرد. یعقوب لیث صفاری همیشه آرزو داشت روزی حکومت بنی عباس را سرنگون کند، به همین جهت با لشکری فراوان خوزستان را تسخیر کرد و به سوی بغداد حرکت نمود، اما در جنگ با خلیفه شکست خورد و به شدت زخمی شد. در اواخر عمر، دوباره با لشکر خود خوزستان را تسخیر کرد و قصد داشت دوباره با خلیفه جنگ کند، اما در همین زمان به طور ناگهانی بیمار شد و کمی بعد از دنیا رفت.



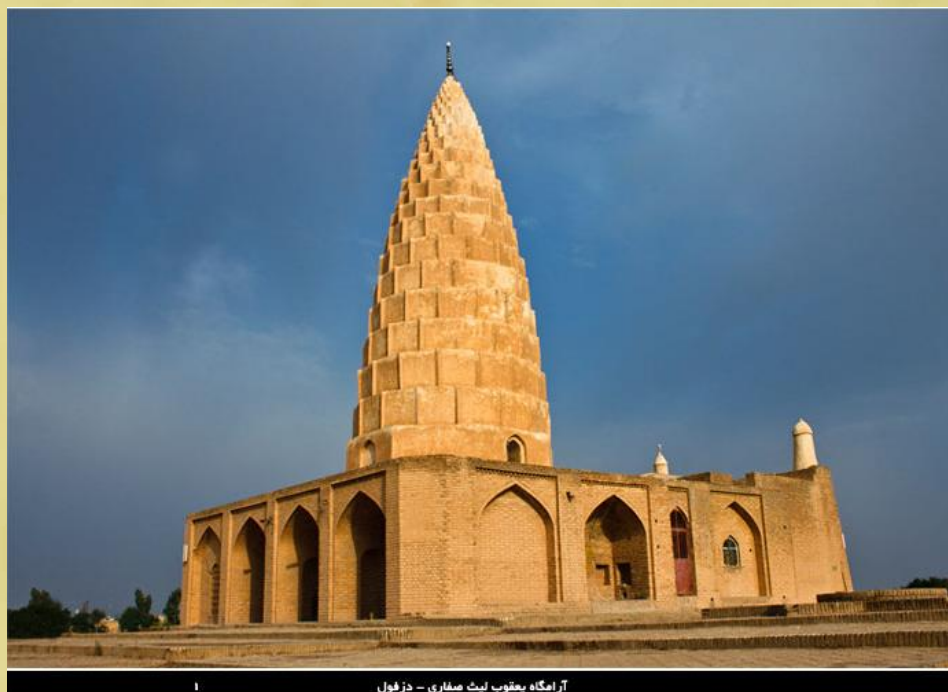
سکه های نقره یعقوب و عمر و لیث صفاری ضرب شده در ۲۶۰ و ۲۶۹ هجری

تمامی مورخان در این که یعقوب لیث مردی بسیار شجاع و دلاور باهوش و سیاستمدار است، اتفاق نظر دارند. بعد از مرگ او برادرش عمرو لیث فرمانروای سیستان و کرمان شد. عمرو لیث هم چون برادر مردی بسیار شجاع بود، با این حال در ابتدای حکومت با خلیفه بیعت کرد. پس از چند سال عمرو لیث حکومت خراسان را از خلیفه بنی عباس

طلب کرد. خلیفه گفت که اگر عمرو در جنگ با امیر اسماعیل سامانی حاکم خراسان پیروز شود، حکومت خراسان دست او خواهد بود. عمرو لیث در جنگ امیر اسماعیل سامانی شکست خورد اسیر شد نزد آن خلیفه بغداد به قتل رسید.



آیین تدفین در دوره صفاریان:

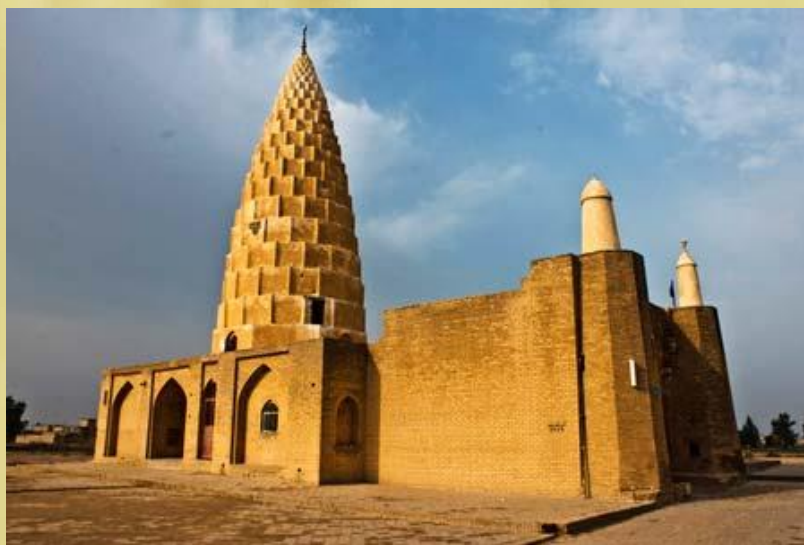


آرامگاه یعقوب لیث صفاری - دزفول

در این قسمت قصد داریم معماری مقبره یعقوب لیث که موسس حکومت صفاریان بوده را مورد جستجو و تحقیق علمی قرار بدهیم.

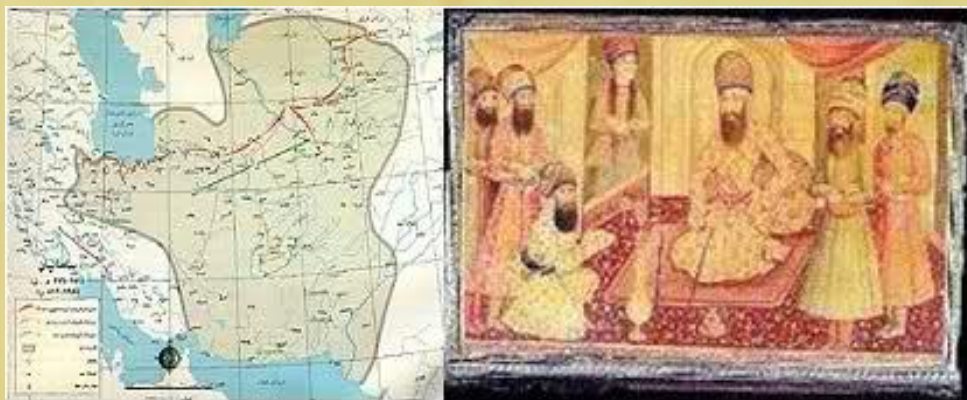
آرامگاه یعقوب گنبدی دنداندار که به شکل مخروطی است که معماری تلفیقی از معماری ایرانی و رومی است. سازه اصلی بنا خشت خام است و نقوش برجسته و ملات گچ و خاک دارد و خاکی رنگ که با دو قلعه کوچک و سبک آجرکاری سنتی ایرانی این بنا را دیدنی تر کرده است. بنای آرامگاه از یک ورودی برخوردار و سطح داخلی آرامگاه را از سطح بیرونی آن جدا می کند. در اطراف بقعه، قبرستان وسیعی است در آن وجود سنگ قبرهای قدیمی، نشانگر تاریخ کهن این بنا می باشد.

بنا به اظهار مردم محلی حدود ۲۰ الی ۲۵ سال قبل کتیبه‌ای بر روی دیوار گنبد به خط عربی قدیم وجود داشته و در آن اسم یعقوب لیث سردار بزرگ نخستین شهریار ایرانی (پس از اسلام) به روشنی نوشته شده بود. آرامگاه لیث صفاری وضعیت مناسبی ندارد و در ضریح آهنی مقبره آن از چوب صندوق میوه برای اتصال بخشهای مختلف استفاده شده و روی آجرها و دیوار قدیمی آرامگاه میخهایی زنگ زده و تار عنکبوت جلب توجه می‌کند.



بنای آرامگاه یک ورودی برخوردار است سطح داخلی آرامگاه را از سطح بیرونی آن جدا می‌کند. سازه اصلی بنا خشت خام است نقوش برجسته و ملات گچ و خاک دارد. اما امروز بنا به دلایلی و نبودن آن کتیبه این بقعه شابوالقاسم یا پیر شابوالقاسم می‌نامند. این در حالی است که محققان و شرق‌شناسان جهان، همگی بر این عقیده‌اند آرامگاه از آن یعقوب لیث صفاری است.

حکومت سامانیان در ایران :

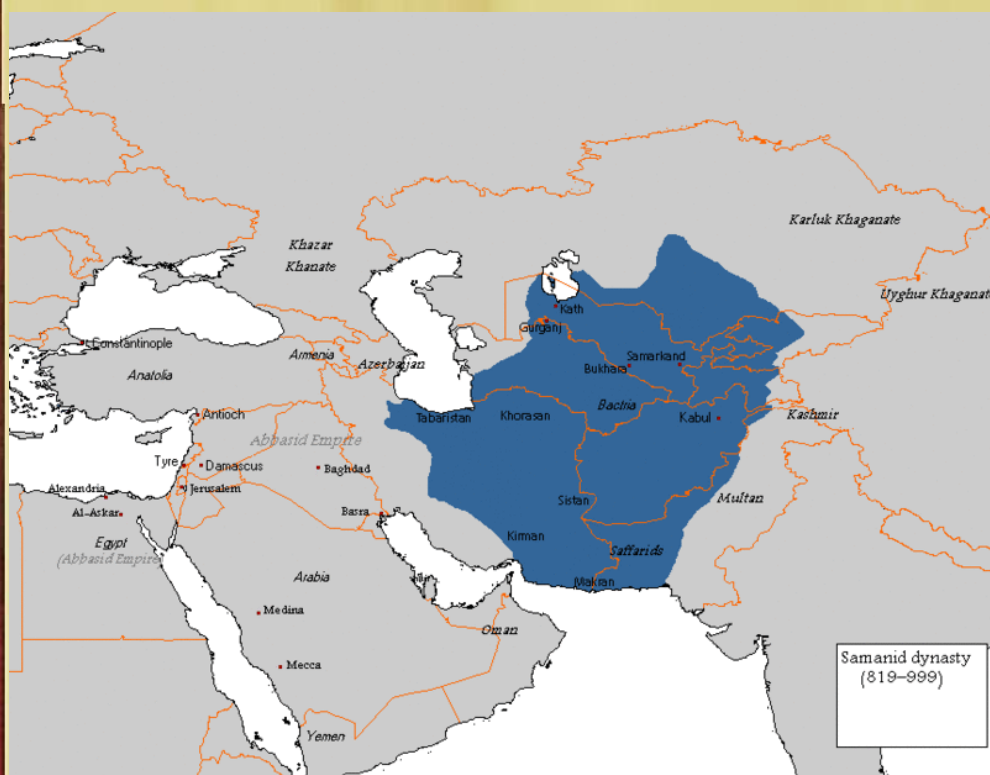


سامانیان (۲۶۱ - ۳۹۵ ق / ۸۷۴ - ۱۰۰۴ م) یکی از دودمان‌های ایران کهن بودند که کم‌بیش بر همگی سرزمین‌های خراسان، هیرکان، مکران، سیستان، خوارزم و کرمان فرمان‌روایی کردند و باعث رشد و شکوفایی زبان فارسی دری شدند. سامانیان به زبان فارسی علاقه زیادی نشان می‌دادند

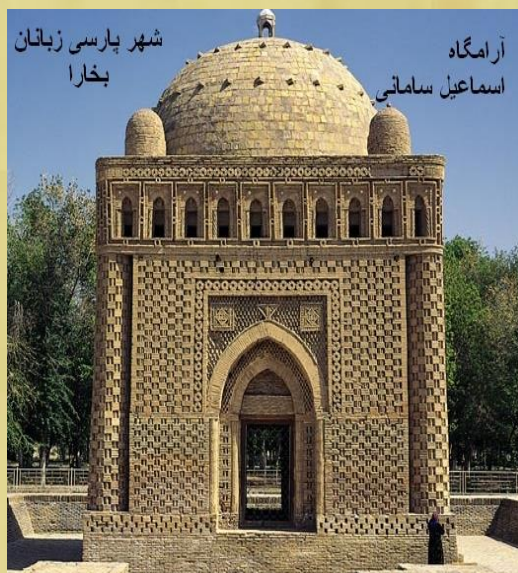
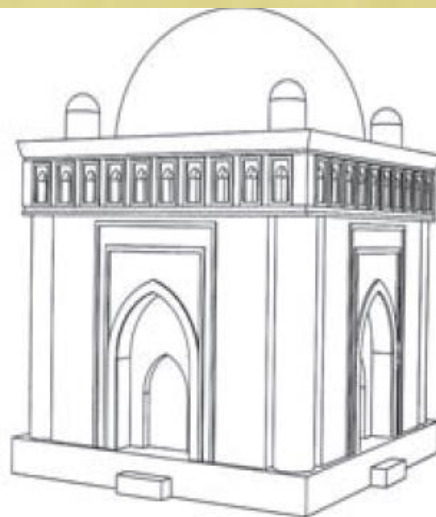
خاندان سامانی مردم بلخ و از نوادگان بهرام چوبین ساسانی بوده آیین زردشتی داشتند، سامان خدا بنیان‌گذار اعلیٰ خانواده از روشناسان محل و فرمانروای بلخ بود. اسد والی عربی خراسان در نیمه قرن هشتم با سامان دوست شد. سامان دین اسلام برگزید و نام پسر خود را اسد گذاشت. پسران اسد اشخاص با کفایتی بودند و قرن نهم عهد مامون عباسی به حکمرانی محلی فرارود هرات برگزیده شدند. مانند: علی در سمرقند، احمد در فرغانه و الیاس در هرات. ابراهیم پسر الیاس بود که بعدها سپهسالاری دولت طاهری ایران رسید. احمد حاکم فرغانه در ۸۷۴ فوت و نصر پسرش در سمرقند جانشین گردید. اسمعیل برادر نصر حاکم بخارا شد همین شخص است که بعدها دولت حسابی سامانی

را در سال ۸۹۲ بعد از مرگ نصر گرفت و در سمرقند پایه گذاشت.

مشهورترین حکیم و عالم و فیلسوف دوره سامانیان ابو علی سینا (رحمه الله) بود.



آیین تدفین در دوره سامانیان:

شهر پارسی زبانان
بخاراآرامگاه
اسماعیل سامانی

نمونه شماره ۴۲-۳-ب- بر سبکیوی از مقبره امیر اسماعیل سامانی

چند دهه اخیر بیشتر آرامگاه امیر سامانی در زیر خاک قرار داشت، ازین گذشت زمان آسیب چندانی بخود ندیده است. امروزه تمام آن از زیر خاک در آورده شده است. این آرامگاه کهن ترین آرامگاه ایرانی تاریخ دار است. ساخت این آرامگاه از معماری شیوه رازی (که در قسمت بعدی توضیح خواهیم داد) الگوبرداری شده است. آجرکاری آن پیچیدگی بسیار زیبایی دارد. بنا یک چهار گوش ۱۰ در ۱۰ متر است و دارای گنبد نیم کره ای که در چهار بخش آن چهار بنای کوچک ساخته شده است. گنبد بر فراز اتاق چهار گوشي کمک کنج استوار شده که قابل مقایسه با شیوه گنبدسازی در دوره پارتی و ساسانی است و سبک آن شباهت به آتشکده های ساسانی دارد.

شیوه معماری رازی در دوره تدفین و هنر اسلامی:



شیوه رازی، شیوه‌ای در معماری ایرانی است که مربوط به سده پنجم تا آغاز سده هفتم (سامانیان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان) می‌باشد.

معماری این دوره را می‌توان مجموعه‌ای از تمام معماری‌های گذشته ایران دانست در این زمان بود که ادبیات ایران نیز زنده گشت و فردوسی شاهنامه را برای ایرانیان به جا گذاشت که یکی از پر افتخارترین آثار ادبی ایران است. معماری نیز در این دوره با نغز کاری پارسی، شکوه و عظمت پارتی و ریزه کاری خراسانی همراه بود.



آغاز کار این شیوه هر چند از شمال ایران بوده، اما در شهر ری پا گرفته است و بهترین
 ساختمانها در آن شهر ساخته شده اند گرچه در پی غارت شهر بدست محمود غزنوی از
 میان رفته اند. این شیوه از زمان آل زیار شروع و در زمانهای (ال بویه، سلجوقیان، اتابکان،
 خوارزمشاهیان) ادامه پیدا میکند. توضیح این نکته لازم است که در اواخر شیوه خراسانی
 بناهایی داریم که بیشتر به شیوه رازی میخورد. (بنای مقبره امیر اسماعیل سامانی، مزار
 ارسلان جاذب، مناره ایاز) با وجود اشتراک زمانی با شیوه خراسانیان بناهای اولیه شیوه
 رازی میباشند.

می توان دستاوردهای معماری این دوره را به صورت زیر دانست:

- پدید آمدن ساختمان با کارکردهای متفاوت همچون مدارس، آرمگاهها و...
- استفاده از طرح چها ایوانی در بناها
- استفاده از تاقهای چهار بخش، کاربندی، تاق کلنبو و تاق چهار ترک
- ساخت گنبد روش مختلف همچون گنبد رک گسسته ناری ابداع گنبد ۲ پوسته
- استفاده دوباره از مصالح مرغوب در بناها
- به کاربردن آجر پیشبر به دو صورت لعاب دار و بی لعاب
- ابداع شیوه معقلی که گره سازی با آجر و کاشی است
- به کار بردن نگاره های آجری با خطوط شکسته و مستقیم
- به کار بردن انواع گچ بری ها در بناها

۱. گچ بری شیر شکری بابر جستگی کم

۲. گچ بری برجسته با برجستگی بیشتر

۳. گچ بری زبره با برجستگی بیشتر بدون ساییدگی گوشه‌ها

۴. گچ بری برهشته با برجستگی زیاد

آنچه مسلم است دوره رازی را می‌توان رنسانسی برای ایران قدیم دانست که متاسفانه

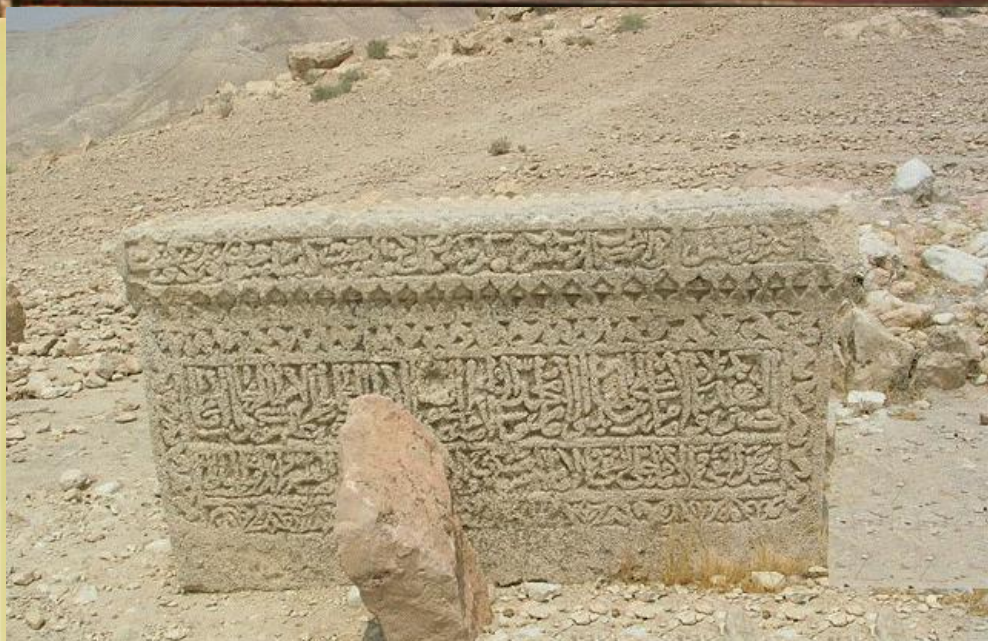
با حمله مغول به این کشور اکثر آثار این دوره نابود شد



نحوه دفینه گذاری در دوره سامانیان و صفاریان:



شیوه اول: این نوع دفینه اغلب در چشمه های بنام لیث دفینه گذاری می شد. بدین طریق که در کنار چشمه ها سنگ صندوقی تعبیه می کردند و زیر سنگ یک خمره دفن می کردند. اغلب عمق دفینه بیش از ۲ متر نبود.



نکته: دقت شود که سنگ اغلب سنگ های صندوق مربوط به دوره اسلامی بوده و باید کامل و چهار تراش باشد و روی آن یا خط نوشته یا تصعین شده باشد در این صورت است که میتوان به آن سنگ صندوق گفت نوشته های به خط کوفی یا عربی در سرتاسر دور سنگ وجود دارد. این نماد مفهوم قبری مهم را میدهد دارای اموال همان شخص فوت شده است و در زیر خود صندوق قرار دارد اول به قبر برمیخورید و باید دید به چه دوره ای بر میگردد چون قبرها با هم از نظر تاریخ و جای گذاری اموال متفاوت هستند

شبهه ۲: اغلب در چشمه های که به نام لیس هستند سنگ قرمز رنگ که نشانه هم داشت دغینه را در زیر سنگ یک

خمره سکه بود دفن می کردند.

کلمه: توجه داشته باشید که منظورمان از کنار چشمه هاین است که سنگ های نشانه در کنار چشمه ها اغلب در سر چشمه ها

یاد قسمت وسط چشمه های اتمامی چشمه ها بر عایت فواصل مختلف که اغلب باشیوه اعداد فرد بود که زارده دفن

می شد سمت پایین برای دک بهتر توضیحات اضافی را در مورد دفینه موجود در چشمه ها در قسمت ذیل آورده ایم.

شیوه ۳: اغلب سلطان زادگان سامانی بدین گونه دفن گشته اند که **سنگ بالای** هم کار گذاشته شده اند سنگ وسط

کو چکتر بوده و دو نشانه دارد زیر آن از سمت مشرق به سمت پایین ۵ اثرش کاویده شده و به دخمه ای رسیده است

و در آن دخمه سلطان زاده های سامانی بودند که دفینه آنها اغلب بازو بند، شمیر و جواهرات بوده است.

کلمه: پس نوع آیین تدفین مربوط به این دوره می توان نتیجه گرفت که اغلب قبر بزرگان در دخمه های زانده ها بوده

و متأثر از فرسنگ قبل از اسلام ایرانیان می باشد. البته تقعه ها در دوره اسلامی جانشین دخمه ها شده است. البته

برای کشف چنین قبرهایی باید به اسامی مکان ها و تاریخ شهرها مراجعه کنید. قسمت ذیل نوع دفن دفینه در چشمه های

دوره اسلامی را یادآوری می کنیم.

دفینه یابی در رودخانه ها و چشمه های آب :



در این قسمت دفینه هایی که در چشمه ها (برای درک بیشتر و بهتر مخاطبین) دفن شده است توسط اساتید علوم باستان و دفینه یابی ارائه می شود.

از چشمه ها جزء قدیمی ترین آثارها و پرکاربردترین محل برای مخفی کردن دفینه ها در باستان یاد شده . مردم از آب به عنوان آشامیدن , حمام کردن خاصیت های درمانی که اکثر چشمه ها داشتند استفاده میکردند و همین باعث میشد که اهمیت زیادی در گذشته داشته باشد و باعث معروفیت آن چشمه میشد هر چقدر چشمه معروف تر مورد استفاده بیشتری میان قبایل قرار می گرفت پس جای خوبی برای مخفی کردن دفینه ها

در کنار آن بود چون کاملا شناخته شده بود و شخصی که اموال خود را در اطراف آن مخفی میکرد خیالش راحت بود که مکان را از یاد نمیبرد و در قدیم هم مکانی را نداشتند که اموال خود را از گزند دشمنان و راهزنان و... در امان نگه دارند پس شروع به دفن ثروت خود در این مکانهای معروف میشدند. همه چشمه ها طبیعی نیستند و تعدادی از آنها به صورت دست ساز طراحی میشدند. ما چشمه ها را به دو دسته تقسیم میکنیم طبیعی و غیر طبیعی و یا همان دست ساز.

چشمه های طبیعی که خود جوش و به صورت طبیعی از دل زمین بیرون می آمدند و هیچگونه دستکاری در آن نشده بوده پس قضیه آن در علم فنون دفن دینه کاملا متفاوت با دست ساز بوده است و برای مخفی کردن دینه از اطراف آن استفاده میشده

- ۱- به صورت سنگی بالا و پایین سر چشمه که رنگ آن کاملا متفاوت با رنگ سنگ های دیگر بود. معمولا به رنگ اوخرایی و یا کبود بود که دینه زیر آن قرار میگرفت.
- ۲- به صورت تپه ای کوچک یا بزرگ که دینه داخل این تپه جاساز میشد.
- ۳- به صورت تک درختی در کنار چشمه که باز دینه زیر درخت قرار میگرفت.
- ۴- به صورت چند درخت که دینه بین نزدیکترین درخت به چشمه قرار میگرفت.
- ۵- به صورت تنور به شکل سه ضلع و یا ستاره داوود که دینه در نوک مثلث و یا تنور سوم قرار میگرفت.

اینها در کنار چشمه های طبیعی بود حال میردازیم به چشمه های دست ساز



_ چشمه های دست ساز به چشمه هایی گفته میشود که تفاوت بسیاری با چشمه های

طبیعی دارند و با حفاری کردن در چشمه آب آن خشک میشود و یا به صورت

قل قلی و یا تایی آب آن کم و زیاد میشود. این نوع چشمه ها دست ساز هستند که

طراحی خاصی در آن بکار رفته از بعضی از این چشمه های دست ساز به عنوان محل

نگهداری غذا استفاده میشود و از بعضی هم محل نگهداری دفینه ساختار آنها به این

صورت بود که چاهی عمیق را حفر میکردند و قبل از اینکه به آب برسند در وسط آن

اتاقکی رطراحی میکردند و اتاق را به صورت پلمپ درست میکردند و فقط یک

سوراخ در اتاقک ایجاد میکردند و از سوراخ لوله های سفالی به هم متصل میکردند

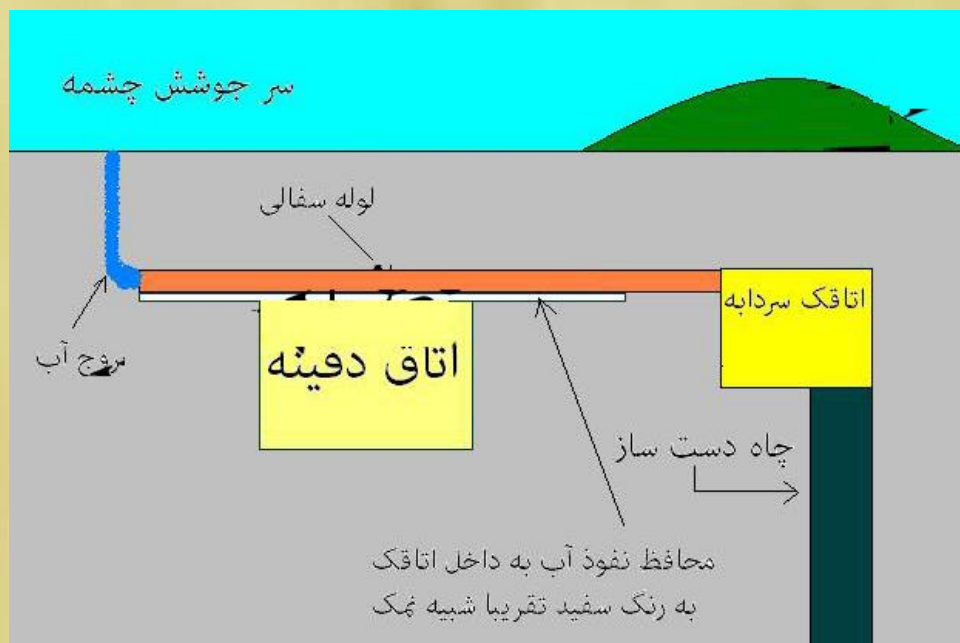
آب را جهت میدادند حال در پایین بنده عکسی را که بهتر بتوانید متوجه شوید .

حال که آب را مسیر میدادند کف چاه را باز میکردند و آب که از زمین جوش میزد به

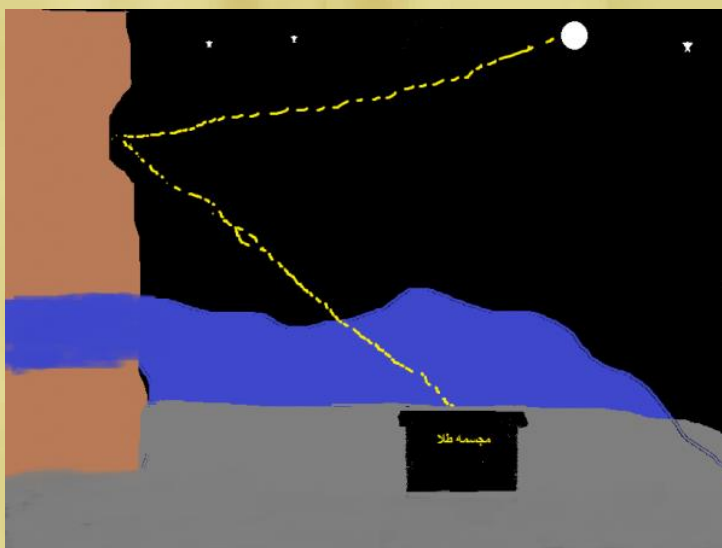
داخل چاه دست ساخت با فشار به بالا می آمد و چون در مسیر چاه اتاقک دست ساز

وجود داشت به صورت سردابه عمل میکرد و در آن جمع میشد و با فشار از داخل لوله های سفالی به هر مسیری که خواستند آن را انتقال میدادند و برای همین است که وقتی این چشمه ها را دست میزنید خشک میشوند چون یک بار این اتاق که چشمه برای اولین بار جوش زده هواگیری شده و وقتی سر چشمه دست میخورد داخل دالان هوا نفوذ میکند و چشمه کاملا غیر فعال میشود تقریبا شبیه کار روبین و یا موتور آب کشاورزی میباشد که وقتی هوا میگرد آب را بالا نمیکشد .

حالا محل دفن دینه را در عکس به شما نشان میدهیم . در ضمن شما در اکثر چشمه ها میبینید که از داخل چشمه سفال شکسته و یا حتی هسته های میوه ها بالا میزند این برای همان چیزی که بنده در بالا گفتم است .



مورد اول موردی است که در گلینه چشمه بار نیست .. پس از کجا بفهمیم در این موارد تابش نور ماه مکان هدف را نشان میدهد دقیقا در نیمه ی شب چهاردهم ماه که قرص ماه کامله نوری به طاقچه اینه ای درون کوه میتابد و به درون اب جلوی چشمه انعکاس داده میشود که مکان این انعکاس مکان بار می باشد که در محفظه ای سنگی با درپوش جاسازی شده فقط ماه شب چهاردهم مکان رو به ما نشون میده گر نه همیشه فهمید تنها راه در آوردنش این است که باید به مسیری دیگر هدایت کنیم.



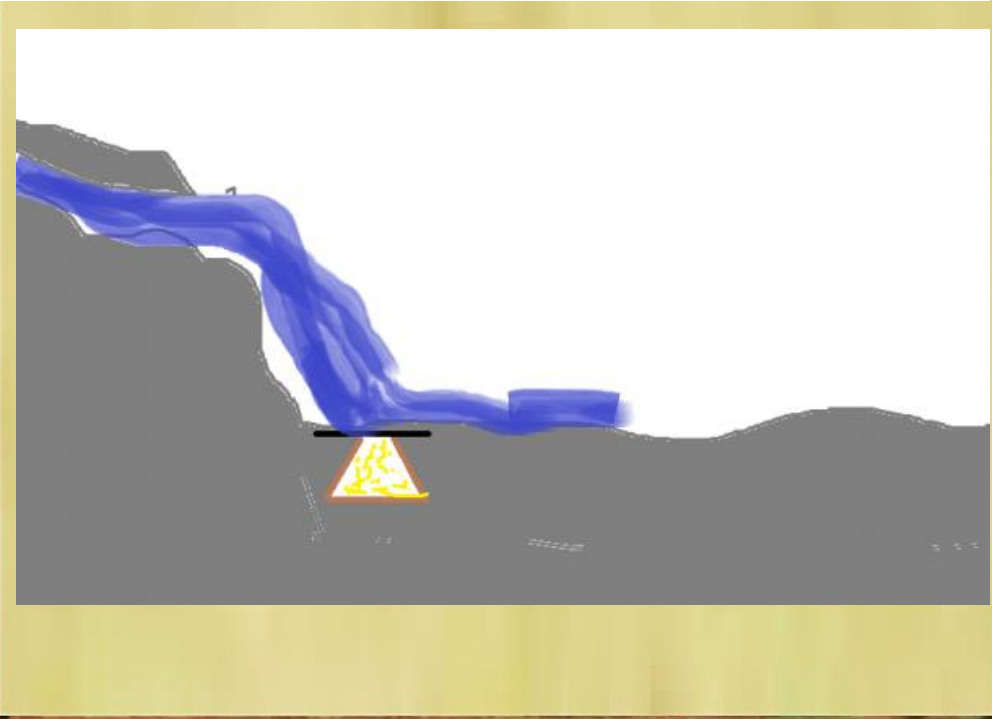
این دو مورد هم دقیقا در زیر شر شر اب چشمه قرار دارند یکی که بیشتر در مجاورت قلعه ها هست موردی است که سنگ یشمی دقیقا در زیر شر شر اب تعبیه شده به طوری که نصفش داخل زمین و نصفش بیرون زمین است و از بالای چشمه قابل رویت است و در زیر سنگ یشم هم که سرباری محسوب می شود محفظه ای هست که درون مجسمه یا دیگ سکه است و بعدی دیگ پر از سکه که کمی در زیر خاک قرار دارد

و سنگی رویش هست.

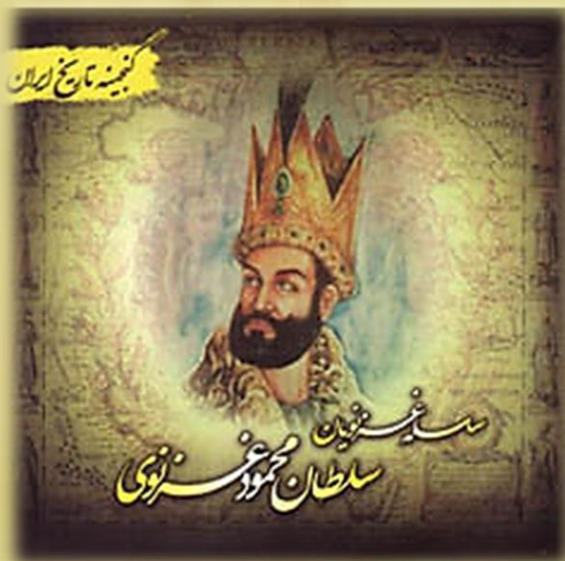
این مورد بیشتر در کنار قلعه ها
میباشد

دیگ یا مجسمه

این مورد بیشتر در کنار قلعه ها
میباشد



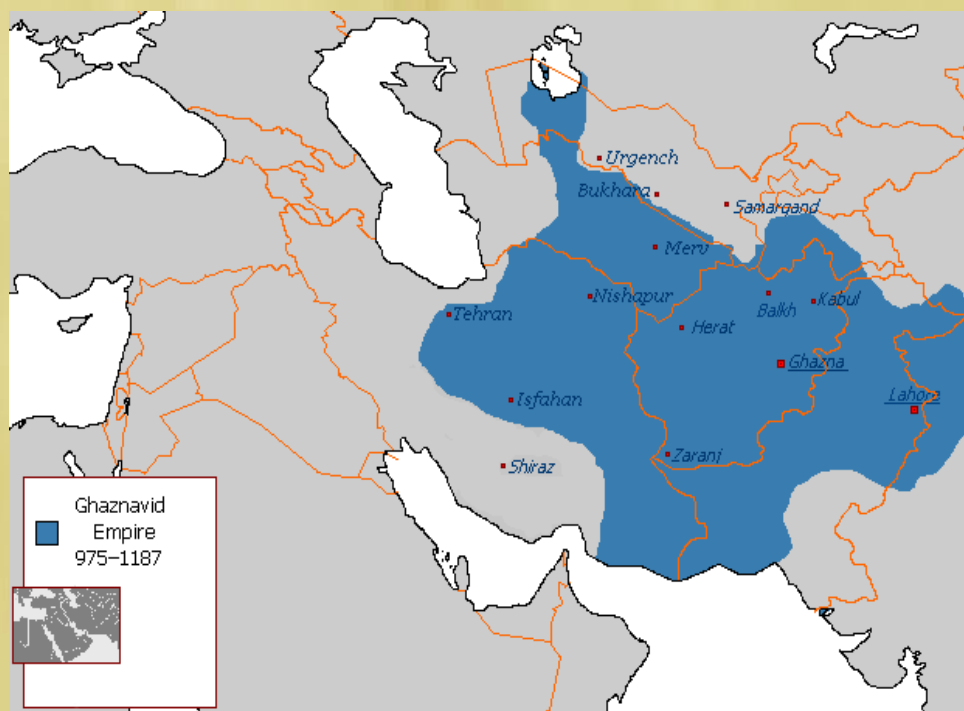
حکومت غزنویان در ایران:



دولت غزنوی یا غزنویان (۹۷۵-۱۱۸۷ م.) (۳۴۴ ه.ق. - ۵۸۳ ه.ق.) یک حکومت ترک تبار و مسلمان در بخشی از شرق خاورمیانه و جنوب آسیای میانه بود. اما به عنوان مروج و ناشر اسلام مورد توجه و تایید خلافت عباسی بود. شهرت این حکومت در جهان، بیشتر به خاطر فتوحاتی است در هندوستان انجام داده است. از آنجا که غزنویان نخستین پایه‌های شهریاری را در شهر غزنین آغاز نمودند به غزنویان نامدار شدند. بنیانگذار این دودمان سلطان محمود غزنوی بود. پدران او از خانات ترک بودند در خراسان می زیستند نام آورترین شهریاران این دودمان سلطان محمود و پسرش سلطان مسعود بودند.



پس از سلطان مسعود این دودمان رو به ناتوانی گذارد و چندی بستر حوزه فرمانروایی به بخش‌هایی از هندوستان و افغانستان کنونی محدود شد. حکومت غزنویان هند از نظر همدوستی و توجه به شاعران فارسی سرا از اهمیت بالایی برخوردار است.

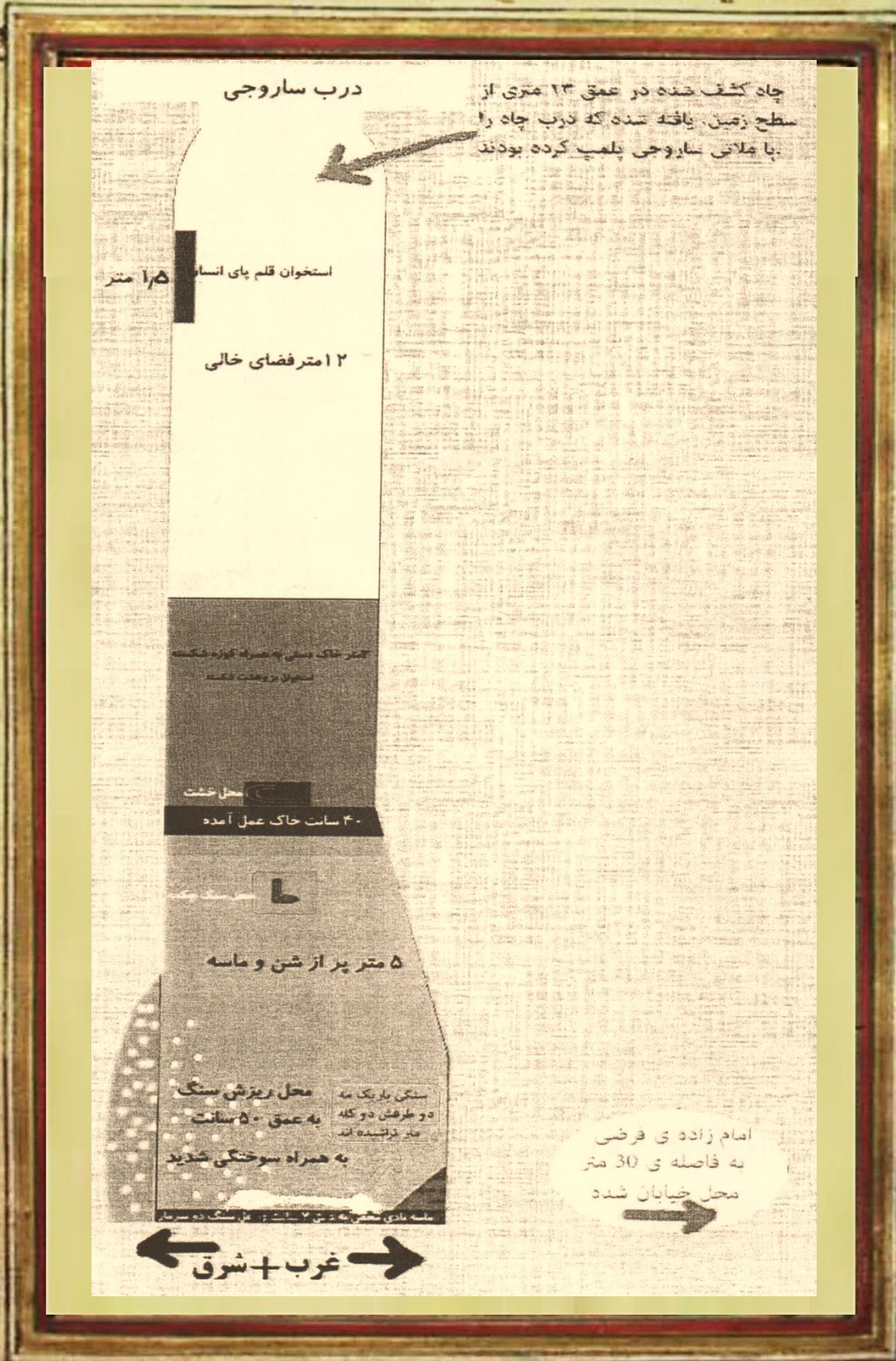


نحوه دفینه گذاری گنج در دوره غزنویان:

قبل از توضیحاتی در مورد نحوه پنهان کردن گنج و دفینه گذاری عرض کنیم که باید در نشانه هایی که مربوط به دوره اسلامی است توجه داشته باشید که نشانها و طلسمات و تله ها در اولویت دوره قبل از اسلام مثل دوره بیزانسی و رومی هستند و بعد نباید از اینگونه خطرات دوره اسلامی غافل بود.

باید توجه داشت اکثر نشانه هایی که در کنار نشانه دیگری قرار گرفته اند، اخطار اولیه محسوب گشته و به ما می گوید ادامه کاوش منجر به مرگ خواهد شد این قبیل تله ها بیشتر توسط یهودیان مورد استفاده قرار گرفته است ولی نباید از این موضوع غافل شد که این تله ها توسط مسلمانان نیز مورد استفاده قرار گرفته که مشهورترین آنها مربوط به دوره غزنویان می باشد. شایان ذکر است که دزدان و راهزنان قدرتمند نیز از تله ها استفاده زیادی نموده اند.

مثال: در شکل زیر ورودی دفینه ای، متعلق به دوره غزنویان را می بیند که دارای تله و طلسم می باشد.





شیوه دینه گذاری اول: این نوع دینه ها اغلب در بالای کوه ها که بصورت سنگ چین بود و یک طرفش بصورت پرگناه بود ساخته می شد و دینه که اغلب شامل جواهرات دوره سلطان محمود غزنوی بود پنهان می کردند.

توجه: دقت کنید اغلب طلسمات و تله ها بیشتر تله های دینه های دوره اسلامی مربوط به دوره غزنویان بر می گردد.

شما در این مرحله باید توسط یک استاد اهل فن تله را تشخیص و سپس خنثی کنید. در غیر این صورت خدای ناکرده ضررهای جانی و مالی در پی خواهد داشت.

طریقه دوم: این نوع دفینه گذاری اغلب در تپه های که روبروی امازاده بابو بدین گونه دفینه گذاری می شد که ۲

قبر و یک سنگ سیاه روی تپه در نظر گرفته می شد و دفینه که شامل خمره سکه بود در زیر سنگ پنهان می کردید.

نکته مهم: بهترین گزینه برای یافتن همچنین دفینه های کنترل چشمه ها و درختان قدیمی در اولویت و در روی تپه ها

سمت مغرب و مشرق در اولویت هستند.

شیوه سوم: اغلب در حمله چکنیر خان سلطان محمود غزنوی تمامی دارایی و خزانه خود را در زیر زمین حرم خانه دفن کرده

و این مکان را از طرف عمارت خانه که بصورت تپه است مشهود است. اگر وسط تپه کاویده شود به ازای ۳

زرع به سنگین رسیده شود که خزانه خانه آنجاست. در آن تپه شیر سنگی بود که به سمت قبله نگاه میکرد.

توجه: این نوع دفینه چون سنگین بوده بهتر است خزانه کویم و به احتمال بالای ۸۰ درصد این نوع خزانه ها

توسط حکومت یا افراد دولتی یا نظامی یا حتی دزدان و... تخلیه گردیده باشد. این مورد فقط جهت کسب اطلاع

بیشتر عرض گردید.

شیوه ۴: در اغلب قلعه خرابه کبری (منظور که احتمال یقین تخریب گردیده است) سمت مشرق قلعه تپه

می ساختند و وسط تپه کچ و آجر پیدا شده پس بیک خمره سلطان محمود سیده می شود.

توجه: منظور ما قلعه های کبری و قلعه کبریاں همان قلعه های قبل از اسلام بوده و برای درک و شناخت بیشتر این

قلعه با نقشه امپراطوری غزنویان مراجعه کنید که در قسمت های مذکور شرح حالش گذشت و در مرحله حفاری ملات

کچ و آجر که خمره را با آن پلپ کرده اند خواهید رسید.



گنج بت خانه ها و سلطان محمود غزنوی:



روایت است که چون سلطان محمود غزنوی به غزو مشغول شد سعی بسیار در گرفتن ولایت سومات نمود و در سه
 چهار صد و شانزده دیار دهم شهر و قلعه احرام به آن ولایت رسید؛ چنانچه پنجاه هزار نفر از لشکر هندیان مقتول شد و
 فتح از برای سلطان میسر نشد. هندوان به درون سومات شده، گریه و زاری مینمودند و از آنجا بیرون آمده
 میجنگیدند تا بجایی کشته شدند و شمار کشتگان از پنجاه هزار فراتر شد. چون سلطان آن بت بیدار سگفت ماند و دستور
 داد آن بتخانه را غارت کردند و کعبه های آن را ربودند. و در آن بهتایی زرین و سیمین پرده های کوهرا آویز یافتند
 که هر یک را بزرگانی از هند فرستاده بودند.



بهای آنچه از تخته هب دست آوردیش از ۲۰۰۰۰ دینار بود که چهل کرو باشد. پس از آن، سلطان در باب آن بت، با امنای دولت خود مشورت نمود و از سبب آنکه این بت در هوا بدون اتصال به جمتی ایستاده، سوال فرمود. بعضی گفتند که این بت به زنجیرهایی بسته شده و زنجیرها به سحر و چشمبندی، از نظر پنهان است. پس، سلطان فرمود که نیزه از اطراف و جوانب او گردانیدند. چیزی مانع آن نیزه نشد. معلوم شد که آن بت به چیزی بسته نشده است. بعضی دیگر از حاضران به سلطان عرض نمودند که گمان ما آن است که این گنبد را از سنگ آهن با ساخته اند و پیکر این بت، از آهن است و چنان تعبیه شده که جمیع اطراف از سنگ مغناطیس است در قوه واحد میباشند و این پیکر در وسط، به این جهت معلق مانده

حکومت آل بویه در ایران:



آل بویه یا بوییان یا بویگان، (۳۲۰-۴۴۷ ق / ۹۳۲-۱۰۵۵ م) از دودمان‌های دیلمی زیدی مذهب ایرانی پس از اسلام است که در بخش مرکزی و غربی و جنوبی ایران و عراق فرمانروایی می‌کردند و از دیلم در لاهیجان گیلان برخاسته بودند.



دفینه گذاری در دوران آل بویه :

طریقه اول دفینه گذاری: نشانه شمسی در راه های قدیمی آل بویه گذارده می شد، در این حالت دفینه دقیقاً زیر سنگ

بوده و شاید سنگ را بر گردانید و تا ۳۰ ارش زیر سنگ را بکاویید، دفینه که شامل خمره سکه است خواهید رسید.



طریقه دوم: اغلب در پله مسجد های قدیمی که مربوط به این دوره است می توانیم دفینه ای یافت کنیم که آن هم

برای خرج و تعمیر مسجد مورد استفاده قرار می گرفت. اغلب زیر پله باید ۴ ارش کاویده شود.

نکته: توجه کنید که یاروی یا کناره های پله علامت یا نشانه های خاصی گذاشته می شد یا رنگ سنگ فرق می کرد.

حکومت سلجوقیان در ایران:

سلجوقیان (سلاجقه، آل سلجوق)، نام دودمانی ترک تبار بود که در سده‌های (۵ و ۶ هجری؛ یازدهم و دوازدهم میلادی)، بخش‌های بزرگی از آسیای غربی و ایران فرمانروایی داشتند.



سلطان طغرل سلجوقی

سلجوقیان در اصل غزهای ترکمان بودند که در دوران سامانی اطراف دریاچه خوارزم (آرال)، سیردریا و آمودریا می‌زیستند.

سلجوقیان که به اسلام رو آورده بودند، پس از ریاست سلجوق بن دقاق، نام سلاجقه را به خود گرفتند و به سامانیان در مبارزه با دشمنانشان بسیار یاری کردند. پسر سلجوق به نام میکائیل که بعد از مرگ او ریاست این طایفه را در دست داشت، چندین حکم جهاد برای مبارزه با (به قول مورخان) کافران صادر کرد.

میکائیل سه پسر داشت به نام‌های ییغو، چغری و طغرل. این قبیله که یک بار در زمان سلجوق بن دقاق به دره سیحون کوچیده بودند، بار دیگر بعد از مرگ سلجوق به سرکردگی سه پسر زاده‌اش به نزدیکی پایتخت سامانیان کوچیدند. اما سامانیان از نزدیکی این طایفه به پایتخت احساس خطر کردند؛ بنابراین سلاجقه بار دیگر از روی

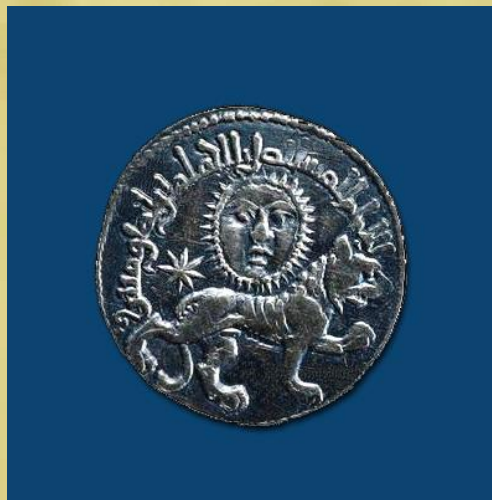
اجبار بار سفر بسته و به بغرا خان افراسیابی پناه بردند. این حاکم از سر احتیاط، طغرل پسر بزرگ را زندانی کرد. ولی طغرل به کمک برادر خود چغری از زندان رهایی پیدا کرد و با طایفه خود به اطراف بخارا کوچیدند.

در سال ۴۱۶ هجری ترکان سلجوقی به ریاست اسرائیل بن سلجوق برادر میکایل دست به شورش زدند. اما سلطان محمود او را گرفت و در هند زندانی کرد. از طرف دیگر گروهی از یارانش دست به شورش زدند.

دورهٔ سلاجقه شامل تمام مدتی است که بشکست سلطان مسعود غزنوی تا کشته شدن طغرل سوم (۵۹۰) قرار دارد. دمدت که بیش از یک قرن و نیم طول کشید، سلاجقه و اتابکان و امرای آنان بر بخش مهمی از جهان حکومت و امارت کردند خصوصاً در دورهٔ درخشان ملک شاه سلجوقی، دولت آل سلجوق به اوج قدرت و ترقی و تعالی فرهنگی و ادبی خود رسید. سلاجقه با سرعتی تمام توانستند قلمرو حکومت و فتوحات و کشورگشایی خود را تا سواحل مدیترانه و سحدرات امپراتوری روم شرقی در آسیای صغیر و حدود تصرفات خلفای فاطمی گسترش د و بسال ۴۷۰ ه.ق. حکومتی جهانی و امپراتوری زمان را بوجود آورند، این فتوحات گسترش حکومت و فتح پیروزی های آنان تا پایان پادشاهی ملکشاه سلجوقی (۴۵۵-۴۸۵) یافت، بالاخص در زمان پدرش الب ارسلان که قلمرو حکومت وسیع سلجوقی را اداره می کرد و با ایجاد تشکیلات منظم و مرتب بر قدرت این خاندان افزوده گردید و به می توان گفت تنها سلسله ای

که بعد از اسلام در مشرق زمین حکمفرمایی کرد و ممالک اسلامی را یک فرمان و دولت و حکومت واحد در آورد سلسله سلجوقی است مخصوصاً در زمان پادشاه ملکشاه، قلمرو دولت سلجوقی بمنتهای وسعت و عظمت خود رسید چه از حد چین تا مدیترانه و از شمال تا حد خوارزم و دشت قبیچاق و ماوراء یمن به نام او می خواندند و امپراتور روم شرقی و امرای عیسوی گرجستان و ابخاز باو خراج می دادند. در عصر این پادشاه بسیاری از شهرهای بالاحص شهر مرو و اصفهان، از مهمترین باشکوهترین شهرهای دنیا و یکی از آبادترین آنها بشمار می رفت، و از همین سلسله، آثار مهم تاریخی در این شهرها بجای مانده است. پس از فوت ملکشاه بین فرزندان و اخلاف وی اختلافی ظاهر گشت و کار اداری حکومت این خاندان مختل گردید و کار عمده آنان به تفرقه و افتراق کشانیده شد و بر ضعف حکومت سلاجقه و جانشینان ملکشاه افزوده گردید و هر یک از اخلاف و بازماندگان خاندان سلجوق در نقطه-یی، رایت استقلال و حکومت خود مختاری بر افراشت خصوصاً اسارت و شکست سنجر موجب گردید که مدعیان حکومت سلاجقه، قدرتی بدست آوردند از آن جمله اتسز خوارزمشاه اساس و پایه حکومت خود را در خوارزم و جورجانیه پایتخت دیار استوار کرد. بطور کلی با حکومت اتابکان، در عراق و فارس و بازماندگان سلسله غزنوی و ادامه حکومت خود در لاهور و سند تسلط آل خاقان یا آل افراسیاب (ایلک خان) بر قلمرو دولت سامانی و بالاخره قتل طغرل سوم و طغیان محمد خوارزمشاه و جنگ او

با خلیفه بغداد و عدم موفقیت وی، سرانجام حکومت این خاندان و بازماندگان آنان بدست تاتار از میان رفت ولی پایگاه و جایگاه اصلی حکومت این خاندان (آل سلجوق) و با توجه به تمام حوادث و پیش آمدها که مدت دو قرن بطول انجامید و سگه و خطبه به نام این خاندان و بازماندگان این سلسله رواج داشت. سلجوقیان، بعد از دیلمیان، غزنویان سنی مذهب قدرت را در دست گرفته و همچون دیلمیان، خلیفه را تحت نفوذ و اختیار خود قرار دادند. ترکان سلجوقی جریان اشعری گری را تقویت نمودند. خلیفه (القائم بامرالله) به طغرل سلجوقی لقب سلطان المشرق والمغرب و رکن الدوله و یمین امیرالمؤمنین اعطا کرد. طغرل بک در سال ۴۵۰ق. وارد بغداد شد و آخرین بازماندگان آل بویه را برانداخت.



بدین ترتیب به بیش از یک قرن حکومت آل بویه پایان داد. وزیران مشهور سلجوقیان، خواجه نظام الملک طوسی (عمید الملک کندی)، در تثبیت قدرت این خاندان نقش

ویژه ای داشت دولت سلجوقی پس از مرگ ملکشاه گرفتار تجزیه شد. نزاع بین برکیارق و محمود، فرزندان ملکشاه، با پیروزی برکیارق خاتمه یافت اما مدتی بعد، بین او و برادر دیگرش، محمد، نزاع در گرفت که جنگ های طولانی در برداشت و در نهایت، به تجزیه حکومت سلجوقیان انجامید.

پس از برکیارق، سلطان سنجر در طی ۶۲ سال امارت و سلطنت، توانست عظمت سابق را به سلجوقیان باز گرداند. وی در اواخر عمر به دست غزان اسیر شد و با مرگ وی قدرت سلاجقه رو به افول رفت. شعبه های مختلف سلجوقیان طول حیات این سلسله، موفق شدند حدود صد سال بر ماوراءالنهر و توران، ۱۲۸ سال در خراسان و ۱۶۱ سال در عراق حکومت کنند.



دیفینه گذاری در دوره سلجوقیان:

شیوه اول: در غاسخانه امامزاده بابی که هستند ۴ دربی که اغلب درب سمت شمال قرار داشت با فاصله ۹۰۰۰ قدم

قصری و ارواره می گذاشتند و دقیقاً سمت پای آن قبریک تپه سفید رنگی بصورت ریخته دست می کردند که دفین

و دقیقاً در وسط تپه و به عمق ۱.۵۰ ازرع بوده و دفینه هم شامل سکه سلجوقیان بود.



طریقه دوم: در کنار امامزاده ها اغلب درخت شمشاد را در نظر گرفته که اغلب در پشت امامزاده ها بود و میان ۴

درخت دفینه را دفن می کردند که خمره دفینه آن بوده و مر بوط به ملک شاه بود.



طریقه سوم: در چشمه های خونی اغلب در داخل چشمه مکانی راد نظر گرفته و یک لوح راد آنجا دفن می کردند

و دقیقاً یک دیک زیر آن لوح پنهان می کردند.

نکته مهم: دقت کنید این لوح می تواند از جنس سنگی، فلزی یا از جنس پوست باشد و به مانحوه استفاده از آن مال

یا اشاره به نقاط دیگری از دینه یا محل کنج نیز داشته باشد پس بسیار مهم بوده و باید توسط استاد دفن رمزگشایی شود.





شبهه ۴: در بعض کوه ها که به رنگ سفید است و مثل مرمری باشد، در این صورت ۷ سنگ مثل قطار شتری است راست و عقب آنها یک تخته سنگ بزرگ سیاه رنگ وجود دارد، قبله سنگ را زرع بکاوید، دخمه ای پیدا شود و خزانه آن مربوط به دوره سلجوقیان است.

شيوه ۵: دفينه های مربوط به دوره تیموری و سلجوقی، در کنار دره ماچشمه آبی خواهد بود و دقیقاً جایی که آب دره سر از زیر

میشود چند درخت کهنسال (عمدتاً چنار) وجود خواهد داشت، روبروی چشمه درب ورودی غار خواهد بود که درب

آن را با سنگین مسدود کرده اند و دفينه داخل غار است.



شيوه ۶: اغلب دفينه های با بهتر است بگویم خزانه ها که در حمله اعراب به ایران دفن شدند در دوره سلجوقی و در زمان

طغرل شاه در مکانهای مخصوصی پنهان گردیدند. یکی از این شیوه ها بدین قرار است. بالای بعضی مکانهای غاری

تعییه می کردند و اغلب درخت جنگلی بزرگ دم ورودی غار می گذاشتند تا استار شود و زرع عقب غار پله

می خورد و دفينه داخل غار گذارده می شود و وسط غار نیز چاهی می ساختند و روی چاه را یک زرع خاک می ریختند

و تہ چاہ نیز یک اتاقلی مخفی دست کرده و در نہایت ورودی غار را با سنگهای بزرگ سنگین می کردند.



شودہ ۷: اغلب در حملہ چکنیرخان سلطان محمود غزنوی تمامی دارایی و خزانه خود را در زیر زمین حرم خانہ دفن کرد و این مکان را از طرف عمارت خانہ کہ بصورت تپہ است مشہود است. اگر وسط تپہ کاویدہ شود از ای ۳ زرع

به سنگین رسیده شود که خزانه خانه آنجاست. در آن تپه شیر سنگی بود که به سمت قبله نگاه میکرد و رودی دیگر دهنه از سمت قبله نیزی تواند باشد.



نکته: دقت داشته باشید که این شیوه جزو مخصوص نسخه مربوط به یک منطقه بوده و خزانه می باشد همانطوری که شیر

بعنوان یکی از نشانه ها و علامتهای خزانه و بارهای سنگین عنوان شده است که دارای تله های سنگین و حتی

طلسماتی نیز خواهد بود. پس شیر هم جزو نشانه های نظامی و هم جزو نشانه های نسخه های باشد و باید توسط اساتید فن

رمزگشایی شود.

شيوه ۸: د تپه ټاپي که جلوی کوه سمت قبله بالا سرآبادی سر تپه سنگ سفید نشانه دارد می گذاشتند راست سنگ تپه سفید رنگی کوچکی بود تپه از سمت راست به سمت مرکز تپه کاویده شود به سنگ کبود رنگی رسیده می شود بعد از آن راهی بازمی شد که داخل تپه می شد و خره سکه های طغرل شاه وجود داشت.

شيوه ۹: خزانه سلطان بنجر و طغرل شاه سلجوقی بدین گونه دفن شده است که از چاهی که آب شیرین دارد و خرابه کشته است میله چاه سمت مشرق از سنگ صورت آدم نقشی است که از پشت همان سنگ به خزانه متنی می شود و به زیر کوه می رود. دارای تله ها و طلسمات سنگینی نیز می باشد.



نکته: دقت کنید این جزویکی از نوادین نسخه ها بود که به از طریق چاه به خزانه متنی می کرد و دقیقاً همان مطلبی که در مباحث قبلی و بحث های آموزشی بدان ها اشاره کرده بودیم. اگر به همین موردی نیز در منطقه شام دیده شده یا

دیده شد باید بعد از برداشتن سنگ به یک سیرتول ماندی که به اتافک ختم می شود برسد، در سیرتول باید خیلی

مواظب باشید چون اکثر تله ها در راه سیرکار می گذارند بویژه تله های نیره، مکانیکی و چاه... که بهتر است

کسب اطلاعات بیشتر به مباحث فصول قبل مراجعه نمایید.

شبهه ۱۰: بعضی از کوه ها اول آسنگده داشتند که بعد باه تخته و سپس در زمان طغرل شاه به زانه و دخمه مبدل شدند.

اغلب در زمان سلجوقی مردگان سلطنتی و پادشاهی راد دخمه ها که زیر عمارت بودند دفن می کردند که اکثر با آجر

کنبد پوشی کرده و امانتی راد صندوقی از چوب توت و دغینه جواهرات رازیر همان صندوق نیر دفن می کردند.



شبهه ۱۱: در بعضی از برج های مربوط به دوره سلجوقی بویژه دوره طغرل شاه بعضی قبرهای وزیر می کردند داخل

قبر دغینه پنهان می کردند.



شبهه ۱۲: در بعضی از برج های قدیمی مربوط به دوره سلجوقی اغلب خراج سپاه و خراج تعمیر برجاک دقیقاً در کف برج ۴ پنهان می کردند و از آنجا به راه مخفی زیر زمینی و به یک اتاقکی ختم می شد که اموالی از سکه و غیر سکه وجود داشت.



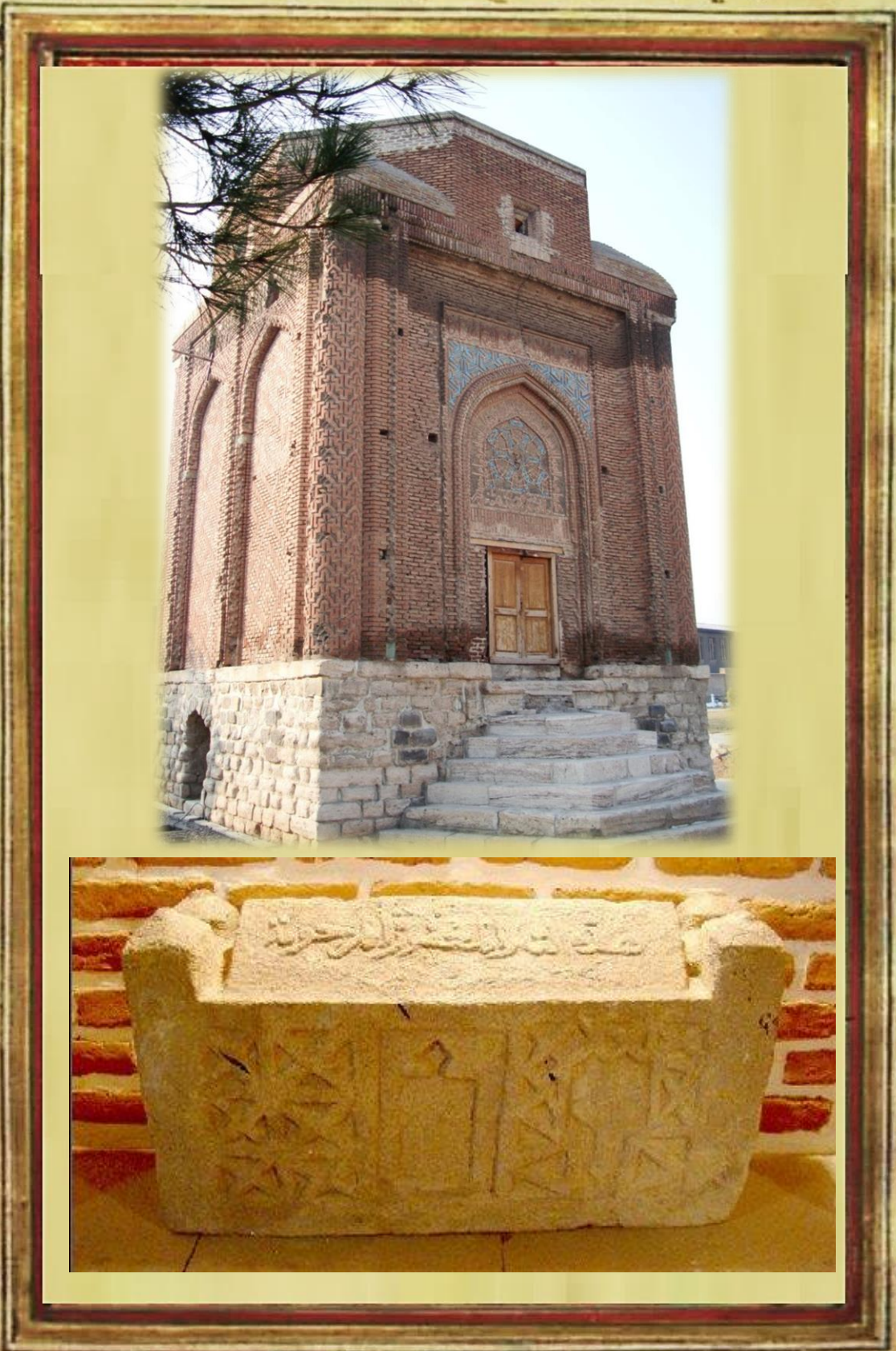
عقاب دو سر نیز جزو یکی از نشانه های سلجوقیان می باشد که در زمانهای قدیم در میادین شهرها بعنوان نماد قدرت بود.

شیوه تدفین مردگان در دوره سلجوقی:



کتیبه منبت کاری شده بخشی از صندوق قبر یکی از بزرگان سلجوقی





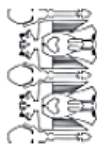











سیر تحول نمادها و نقش های پرندگان در ادوار آل بویه و سلجوقی:

سیر پیشرفت	توضیحات	ترکیب بندی		توضیحات	نقشابه (پرندگان و موجودات افسانه ای باندان)			متنوجات
		سازماندهی	نقشابه		توضیحات	ساختار نقش	نقشابه ها	
تداوم سنت مسالمتی	تداوم ترکیب بندی مسالمتی / متناهی های دارای تقشابه متناظران / علم خطای شکل پرنده حامل / ترکیب فلان با حیوانات دیگر			تداوم نقوش مسالمتی / تداوم سنت تصویری مسالمتی / تداوم دارای ابعاد بزرگی و طریقت / تداوم سنت سادپرورداری			پارچه سبک فرش، باغ شده در ۳-۴ پرتاس، هجری قمری	
تغییر در شیوه ترسیم پرنده ترکیب بندی آزاد و بدون کادر حامل	ترکیب بندی متناظر مسالمتی بدون کادر حامل / ترکیب پرنده شکارگر یا حیوان / تغییر ابعاد نسبت پرنده و درخت زندگی نسبت به سنت مسالمتی			حضور شکل جدید پرنده طاووس / تغییر ابعاد پرنده / تغییر شکل طایان تقشابه / تمسک بالها / شکل تمام / متسوسن / پرنده شکارگر			پارچه طاووس شکارگر و درخت زندگی، دارای کتیبه یا نام سید بن ابرخیم خارش ۳۳ هجری قمری	
تغییر در شیوه ترسیم اجزای بدن حیوان پرنده همان	تداوم سنت ترکیب بندی مسالمتی / تغییر در شکل اجزای ترکیب بندی			حیوانات اساطیری، تغییر در سنت تصویری ترسیم بال ها، تاکید بر شکل شاه بال و تنگی آن / تغییر سنت تصویری و افزایش طراوت اجزای خطی			پارچه فرش قمر، مکتوبه از روی	
تلاش برای تنقیح فرم پرنده و کادرها / طراحی حلقه سینه	تداوم سنت ترکیب بندی مسالمتی / تلاش برای تطبیق شکل ها و کادر از طرف تغییر شکل بخشی از شکل م			تغییر در سنت تصویری پرنده گان / تغییر در طراحی شکل بالها / تغییر در ترسیم اجزای پرنده برای تطبیق با قالب تصویر / شکل حلقه سان روی سینه			پارچه فرش قمر، مکتوبه از روی / ۳۴ هجری قمری	

۱۳۰۰

میراثان آل بویه ۲۰-۱۱۰۰-۵۲۰ هجری قمری

تطبیق هندسه خرم و هندسه کادر زمینه/	توجه به ویژگی واقعی پرنده در ترمیم / پویایی در ترکیب اجزا	تصویر پرنده از روی رو/ ترکیب بندی مرکزی
تداوم تالیف شکل و قالب، انطباق ساختار هندسی اجزا برای انطباق شکل و قالب / فعل و انتقال میان ظاهر پرنده و قالب پایه / تفسیر شکل کادر پایه / توجه به فضای منفی	ترکیب بندی نوین مطالبین موج با حاشیه خط	ترکیب بندی نوین با تقارن مرکزی / استفاده از ترکیب بندی زاویه دار / بهره برداری از ویژگی پرنده برای ایجاد ترکیب بندی منفی / توجه به فضای
		
		
پیشرفت در طراحی اجزای پرنده / انطباق شکل ها با ترکیب بندی / تغییر طراحی / تغییر شکل / تغییر م و اجزای م و طراحی بر مبنای ساختار هندسی / شکل حلقه سان روی سینه	ترسیم پرنده در حالت واقعی / ترسیم از نمای روبرو / تأکید بر پویایی شکل پرنده	ترسیم پرنده از نمای روبرو / مطالعه سنت تصویری به جا مانده از دوران هخامنشی با اتکا به لوح تخت جمشید
		
		
ری بخشی از یک پارچه ابریشم لباس / مکتوبه در ری	پارچه ابریشم دورو، دوران آل بویه / محل بافت تزی	پارچه دورو از جنس ابریشم دوران آل بویه، کادر دارای شعر خط و کوفی با مضمون مرگ
		

پس‌زمینه	توضیحات	سازماندهی	نقشه‌ها	توضیحات	ساختار نقش	نقشه‌ها	توضیحات	پارچه	نوع
مضمون جدید، توجه به جزئیات نقوش	ترکیب بندی ریتیک			سنت جدید تصور پرنده ا تغییر	سنت جدید تصور پرنده ا تغییر		سنت جدید تصور پرنده ا تغییر	سنت جدید تصور پرنده ا تغییر	سنت جدید تصور پرنده ا تغییر
مضمون جدید، توجه به جزئیات نقوش	ترکیب بندی ریتیک			سنت جدید تصور پرنده ا تغییر	سنت جدید تصور پرنده ا تغییر		سنت جدید تصور پرنده ا تغییر	سنت جدید تصور پرنده ا تغییر	سنت جدید تصور پرنده ا تغییر
مضمون جدید، توجه به جزئیات نقوش	ترکیب بندی ریتیک			سنت جدید تصور پرنده ا تغییر	سنت جدید تصور پرنده ا تغییر		سنت جدید تصور پرنده ا تغییر	سنت جدید تصور پرنده ا تغییر	سنت جدید تصور پرنده ا تغییر
مضمون جدید، توجه به جزئیات نقوش	ترکیب بندی ریتیک			سنت جدید تصور پرنده ا تغییر	سنت جدید تصور پرنده ا تغییر		سنت جدید تصور پرنده ا تغییر	سنت جدید تصور پرنده ا تغییر	سنت جدید تصور پرنده ا تغییر

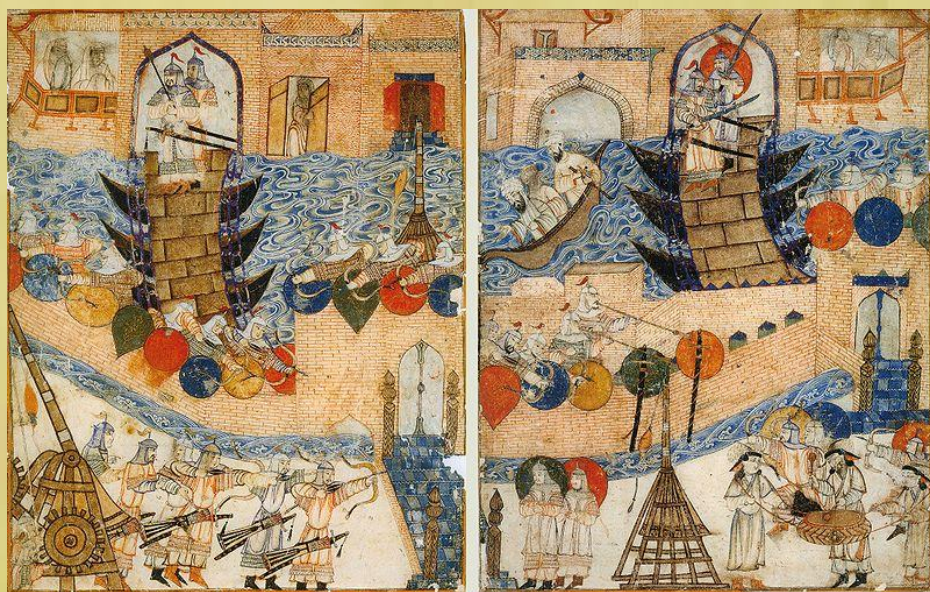
حکومت ایلخانی در ایران:

در روزی نهایت سعود آنرا بر افراشت و مجلس را با انواع تجملات مآراستند و **ملوک و طوائف** از آسبندیده داشته مبارکی و طالع سعید بر تخت بنیاد
و مندا نامگذاری نشت و خراتین و خمرادگان و امرا که حاضر بودند و تمامت ارکان دولت و اعیان حضرت و ملوک و رجایام اطراف را جمع گشته نایب
رعولین بنیدید رسایند و انترت



ایلخانان یا ایلخانیان نام سلسله‌ای مغول است که از سال ۶۵۴ تا ۷۵۰ ه. ق. معادل ۱۲۵۶ تا ۱۳۳۵ میلادی در ایران حکومت می‌کردند و فرزندان چنگیز خان مغول بودند. لشکریان چنگیز خان نخستین بار در سال ۶۱۸ ه. ق. معادل ۱۲۲۱ میلادی به خراسان حمله نمودند. چنگیز خان در سال ۱۲۲۵ میلادی به مغولستان بازگشت آنجا در گذشت. سال ۱۲۵۱ م. منگو یا منگل، خان بزرگ یا قآن، بر آن شد با اعزام برادرانش هولاکو و قوییلای (کوبلاخان) به ترتیب به ایران و چین پیروزی‌های مغولان تحکیم و تکمیل کند. هولاکو با فتح ایران سلسله ایلخانیان ایران و قوییلای با فتح چین سلسله یوان چین را بنیان نهادند. ایلخانان یعنی خانان محلی و غرض از این عنوان آن بوده‌است که سمت اطاعت ایلخانان را نسبت به قآنان می‌رسانند و این احترام همه وقت از طرف ایلخانان ایران رعایت می‌شده‌است. فتح ایران به دست هلاکو خان پیامدهای مهمی چون پایان

کار اسماعیلیان و انقراض خلافت عباسیان در پی داشت. ایلخانان در ابتدا دین بودایی داشتند اما به تدریج به اسلام گرویدند. ایلخانان مسلمان خود را سلطان نامیده و نام‌های اسلامی برگزیدند.



دفینه گذاری در ایلخانیان:



طریقه اول دفینه گذاری: دفینه های مربوط به دوره ایلخانی، در کنار دره ماچشمه آبی خواهد بود و دقیقا جایی که آب دره سرزیر میشود چند دخت کنسال (عمدا چنار) وجود خواهد داشت، روبروی چشمه دب ورودی غار خواهد بود که دب آن را با سنگین مسدود کرده اند و دفینه داخل غار است.

طریقه دوم: اغلب مکانهایی که از زمانهای قدیم توسط کیانیان و پادشاهان قدیم ایران حکومت می کردند توسط چکنیز مغول خراب شده بود. اغلب دفینه هایی که مربوط به دوره کیانیان بود در قلعه ها و تپه ها دفن شده بود.

طریقه سوم: قبرستانهای قدیمی طرف مشرق قبرستان، ۳ قبرپاه قبله روی تپه ایجاد می کردند و دفینه در قبرستانی

بوده و یک خمره سکه چکنیز خان بود.

نکته مهم: از آنجایی که آیا این قبر دارای سنگ قبر بوده اند یا دارای شکل خاصی بوده اند اطلاعات خاصی در دسترس ما نیست، ولی از آنجا که معلوم است این قبرها اغلب روی تپه های باستانی ایجاد می شود و ما می دانیم که در زمانهای قدیم اغلب قبرستانها در سراشیبی تپه ها دفن می کردند و این ۳ قبر به احتمال قوی دارای چینش خاصی بوده اند که قبر میانی یا وسطی دارای علامت اضافی یا ویژگی برجسته بوده که دینچه را داخل آن قرار می دادند.

طریقه چهارم: در بعضی قبرهای وارونه و دقیقاً یک راه مخفی ورودی از قبر وسط تعبیه می کردند که به اتانی که خمره دوره هلاکو خان مغول دفن شده بود رسیده می شد.

طریقه ۵: در وسط غارهایی که چاه کز کرده شده است روی چاه یک زرع خاک می ریختند و دینچه در تپه چاه می بود که این دینچه ها اکثر ابر بوط به دوره ایلمانیان و تیموریان و یا حمله اعراب به ایران بودند.

نکته مهم: دقت کنید این نوع قبر وارونه اغلب در کنار چشمه ها و یک تنگ درخت کهنسال خواهد بود که فاصله قبر با درخت به اعدادی چون ۳-۵-۷ و اغلب مضرب از اعداد فرد است.

طریقه ۶: اغلب بالای چشمه ها در پشته ها سنگ مربع سفید که با خط کوفی نوشته می شد یا از سمت قبله زیر او ۲ زرع کاویده شود تا به خمره دوره چکنیزی رسیده شود.

نکته: این سنگ مربعی شکل می تواند به شکل سنگ صندوق بوده یا سنگ قبرهای اوایل دوره اسلام باشد زیرا

در اوایل اسلام سنگ های مرسوم به شکل سنگهای مرتفع و بلند مربعی یا مستطیلی شکل می بود. این احتمال هم می تواند باشد که این سنگ مربع به دوره قبل از سلجوقی و یا حتی قبل از ایلخانی برمی گردد.



طریقه ۷: در

ایلخانی ترسیم

نقش های اژدها،

برک موپچک

و طرح های

اسلمی، در معابد مرسوم بوده است که نمونه آن در تصویر بالا را کاملاً مشاهده می کنید.

حکومت تیموریان در ایران :

تیموریان یا گورکانیان ایران (۷۷۱ - ۹۱۱

هـ ق / ۱۳۷۰ - ۱۵۰۶ م) دودمانی ترک تبار

بودند. بنیان گذار این دودمان امیر تیمور

گورکانی بود که آسیای میانه می زیست

سمرقند پایتختش بود. تیمور کشوری

گسترده و دولتی سترگ ایجاد کرد و

سرزمین فرارود (ماوراءالنهر) را به اهمیتی

رساند که تا آن زمان هیچگاه بدان پایه

نرسیده بود.



تیمور لنگ

او مرزهای خود را نخست در سرتاسر آسیای میانه و آنگاه سراسر خراسان و آنگاه به

همه بخش های ایران و عثمانی و بخش هایی از هندوستان گسترش داد. از آنجایی

که فتوحات تیمور بیشتر جنبه یورش و هجوم داشت تا تسخیر واقعی، اغلب این

مناطق باز به زودی از تصرف تیموریان خارج شد. با این حال ماوراءالنهر مدتی مرکز

دولتی شد که بیشتر ایران و افغانستان را افزون بر ماوراءالنهر دربر می گرفت. هنگامی

که کشورهای گسترده تیموری تجزیه شد، دوره هرج و مرج پیش آمد. به محض

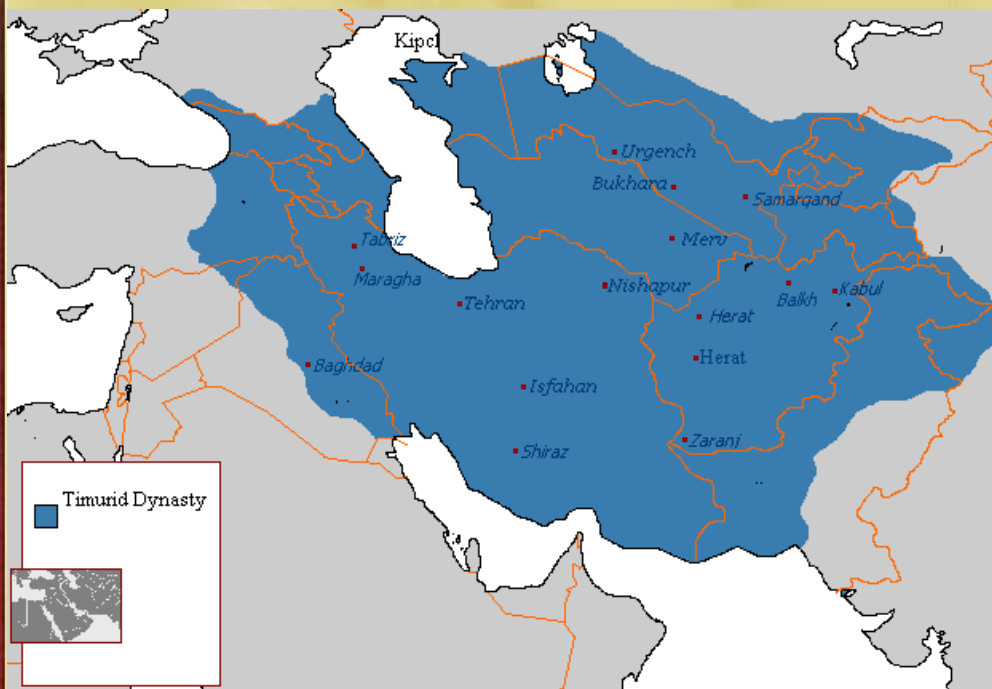
اینکه تیمور مرد، ترکان عثمانی و آل جلایر و ترکمانان درصدد تصرف کشورهای

از دست رفته خود برآمدند. به گفته ابن عربشاه تاریخ‌نگار آن زمان، تیمور در زمان جنگ زخم برداشت و لنگ شد. بنابر روایات دیگر وی در سال ۷۶۴ ه. ق (۷۴۱ ه. ش) بنا به استمداد امیر سیستان به کمک او شتافت و در جنگ با مخالفانش زخمی شد، ولی پایش بعد از بهبود زخم هم همیشه می‌لنگید باین همه، فرزندان تیمور موفق شدند که شمال ایران را کم و بیش به مدت یک سده برای خود نگاه دارند. هر چند آنان بیشتر با یکدیگر در کشمکش بودند. سرانجام شاهرخ موفق شد که مناقشات اقوام خود را تا حدی رفع و قدرت و اعتبار کشور را نگهداری کند. ولی پس از مرگ او تصرفاتش به قسمت‌های کوچک‌تر مجزا شد و به همین سبب صفویان و امرای شیانی آنها را به متصرفات خود پیوست کردند. با این حال خاندان تیموری از میان نرفت و نوادگان تیمور پس از چندی پستر فرمانروایی خود را به هندوستان بردند و امپراتوری بزرگ

گورکانیان هند را بنیاد گذاردند.



کتاب نفیس گنج نامہ



دیفینه گذاری در دوره تیموریان:



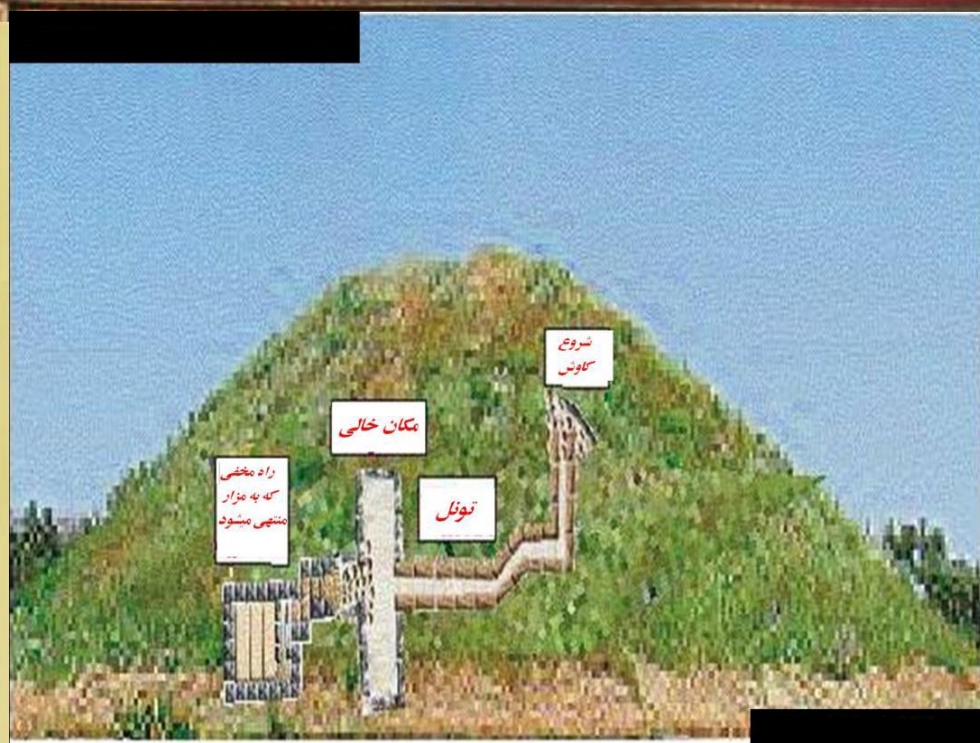
شیوه و طریق اول: در دوره تیموریان اغلب در کوه های معروف تپه های ریخته شده دستی می ساختند و دقیقاً

مرکز تپه چاهی درست می کردند و در تپه چاه به اتاق یا سفیدخانه ای که بعد از حدود ۵۰ ارش بدست می آمد دیفینه

می گذاشتند.

نکته مهم: دقت شود در این نوع دیفینه ها طلسم و تله نیز بکار می بردند، مبحث تله ها که باید به کمک اساتید اهل فن

خنثی و مبحث طلسم هم با اغلب با دعای ده قاف شگفته می شود. نمونه در تصویر پایین آورده شده است.



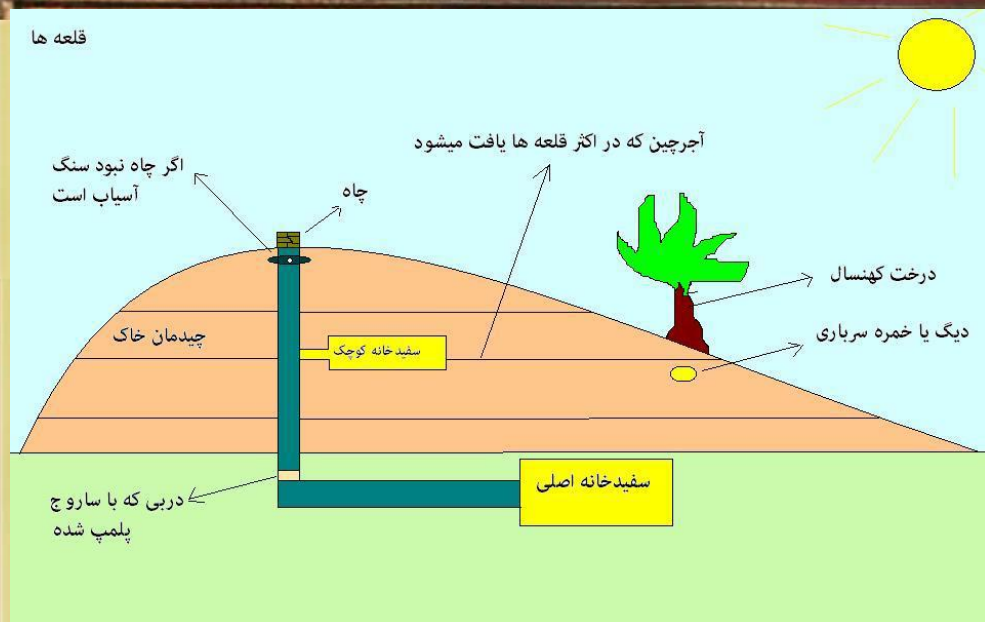
شیوه دوم: دفینه‌های تیموری اغلب در مکانهایی که به اسم **قلعه تیمور** معروف و مشهور است به روال و طریق

قبلی که ذکر می‌شد دفینه‌گذاری می‌کردند یعنی یک چاه در قلعه می‌کنند و دقیقاً در ته چاه و زیر چاه یک سفیدخانه یا

یک اتاقک تعبیه می‌کردند و اغلب عمق کار نیز همان ۵ ارش می‌بود.

طریقه ۳: در وسط غارهایی که چاه‌گذاری شده است روی چاه یک زرع خاک می‌ریختند و دفینه در ته چاه

می‌بود که این دفینه‌ها اکثر امربوط به دوره ایلخانیان و تیموریان و یا حمله اعراب به ایران بودند.



نکته مهم: دقت شود دفینه موجود در قلعه ها با دفینه موجود در چاه ها متفاوت تر بوده و از لحاظ کمیت و کیفیت دفینه

موجود در قلعه بیشتر بود و اغلب زرب و جواهرات بوده و طلسم نیز می بستند.

نوع دفینه گذاری ۴: اغلب دفینه های دوره تیموری درون قبرهایی که تعدادشان بصورت فرد و عمدتاً بصورت ۵

تایی بودند دفینه گذاری می کردند و قبری که طرف قبله بود را اولویت قرار داشت. این نوع قبرها اکثر با گچ و

سنگ درست می شدند و دفینه اغلب یک دیک یا یک خمره بود.

طریقه ۵: اغلب دفینه ها در کنار نهاریار و دخانه دفن می شدند بصورت که **دو درخت قدیمی به ویژه توت** راد نظر

می گرفتند و قسمت شرقی درخت ۲ خمره دفن می کردند که مربوط به دوره تیموریان بود.



طریقه ۶: اغلب در زمانهای قدیم در روستاها صدف می گذاشتند دو صدف را در نظری گرفتند یکی طرف مغرب و

دیگری طرف مشرق و دغینه را زیر صدف بلند دفن می کردند. عمق دغینه اغلب ۵ ارش بود و شامل خمره بود.

شوه ۷: نشانه شانه و تسبیح این نشانه در کورستان های قدیمی روی سنگ مربعی شکل که رنگ سنگ هم سیاه

مستایل به سرخ می باشد دیده می شود، دغینه داخل قبر بوده و یک

خم بندی می باشد.



شوه ۸: دغینه های مربوط به دوره تیموری و سلجوقی در کنار دره ها

چشمه آبی خواهد بود و دقیقا جایی که آب دره سرزیر میشود درخت کهنسال (عمد تاخار) وجود خواهد داشت. روبروی چشمه درب ورودی غار خواهد بود که درب آن را با سنگین مسدود کرده اند و دغینه داخل غار است.

شيوه ۹: اغلب در شاه چشمه با فاصله ۵ قدم از چشمه سنگی ۳ گوشه وجود داشته و قبرهایی پهلوئی هم سفیدکاری بوده دغینه داخل قبرها بوده و خمره سکه تیمور شاه است. وقت کاویدن ده قاف و قل اوحی خوانده شود.

توجه: البته ممکن است اغلب این قبرها در واقع سفیدخا باشند و این مورد اغلب در نقاط شمالی و مناطق مرطوب کشور ایران عزیز بویژه در مناطق گلستان، کرگان و... دیده شده است.

شيوه ۱۰: اغلب مکانهایی که سرگردنه تخت دارند دورش سنگ چین بوده وسط تخت مکان دفن سکه تیموری بوده و دعاهای شیوه ۷ باید قرائت شوند.

نکته: ممتور از تخت می تواند جای تخت

نشین پادشاهی باشد که زمانی در آن مکان
قلعه ای ساخته شده بودیامی تولد به مکانی
مسطح صاف سنگ چین شده احتمال زیاد
سنگ فرس کرده اند اشاره داشته باشد.



آیین تدفین و ساختار قبر های تیموری:

همانطور که می دانید بعد از اسلام شیوه خاصی برای تدفین مردگان وجود نداشته و اغلب به یک شیوه مرسوم مردگان را دفن می کردند ولی نوع سنگ قبر و نوع آیات و نگاره گری هایی که روی سنگ قبرها و نوع اشکالی که روی آن ترسیم می شد در اغلب دوره ها با هم متفاوت بوده و وجود دارد بعضی اشکالی بصورت منطقه ای بوده و تقریباً بصورت ناشناخته بوده است.

در اینجا قصد داریم که انواع و اشکال سنگ قبرهای دوره تیموریان برای آشنایی هر چه بیشتر شما عزیزان به صحنه تصویر بکشیم ، هر چند که بعضی آثار با گذشت زمان از بین رفته ولی آثار باقی مانده نیز جزو خزینه ها است که مشاهده خواهید کرد.



سنگ قبرهای شاهزادگان تیموری

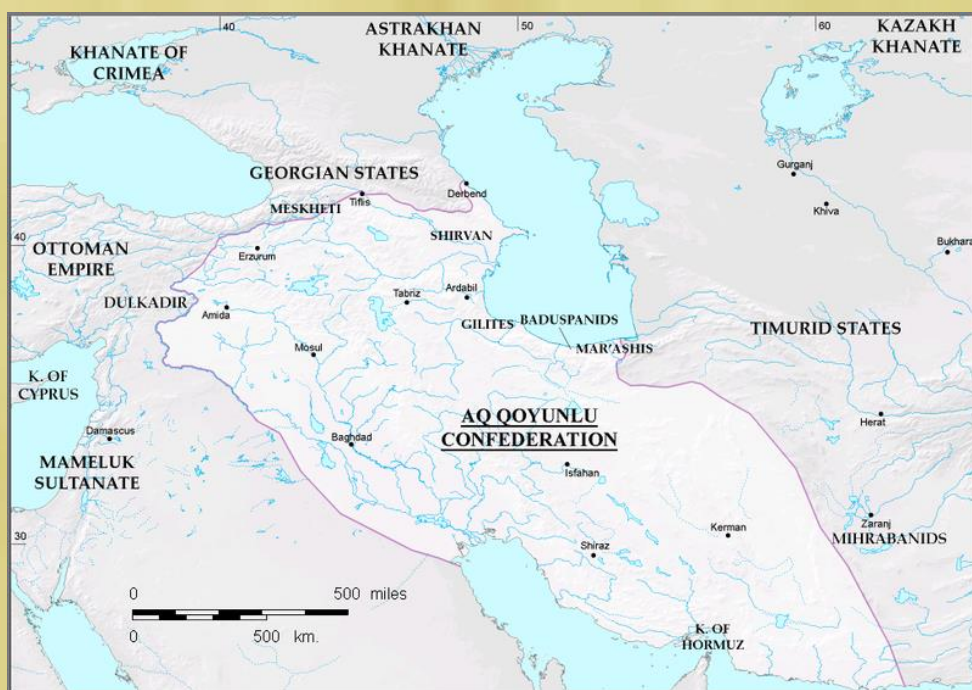


روی این برآمدگی شش سنگ قبر صندوقی شکل از سنگ مرمر سیاه دیده می شود
که آرامگاه شاهزادگان تیموری است.



حکومت آق قویون و قراقویون لوها در ایران:

آق قویونلو سلسله‌ای از ترکمن‌های سنی بود که بر قسمت‌هایی از قفقاز، شرق ترکیه و شمال ایران از ۱۳۷۸ تا ۱۵۰۸ میلادی فرمان می‌راند. معنی لغوی آق قویونلو صاحبان گوسفندان سفید می‌باشد. آق قویونلو تیره‌ای از ایل بایندر بوده باشد. بایندر در فهرست اصلی قبایل بیست و چهارگانه اوغوزها مندرج در تاریخ رشیدالدین آورده شده است. حال آنکه در کتاب ده ده قورقود نام یکی از حکام اوغوز است [طهرانی، مورخ مشهور این سلسله، در کتاب دیار بگریه شجره‌نامه طور علی بیگ را با ۵۱ نسل به اوغوزخان شخصیت افسانه‌ای ایل اوغوز می‌رساند که البته چندان قابل اعتماد نیست. به هر حال نام ایل بایندر در سده چهاردهم میلادی آسیای صغیر سرزبانها افتاده است. این فرضیه وجود دارد که بایندریها در فتح آسیای صغیر به دست سلجوقیان شرکت داشته‌اند. ایل بایندر پس از سقوط آق قویونلوها در طرابلس، حلب و نیز در جنوب سیواس اسکان گزیدند



شیوه دفينه گذاري در دوره اق قویون و قره قویون لوها :

اما قوچهای سنگی
نمادی برای برکت
بوده اند و به قولی
درون آنها جواهرات
بسیار پر بها جاسازی
میشده و در سر هر



کوی و برزن قرار داشتند ولی مردم به تبع اعتقاداتی که داشتند: فکر میکردند کسانی قادر به استفاده از آن هستند که کلید اینها را داشته باشند
نا گفته نماند که در روی سینه اینها جایی برای داخل کردن کلید بوده ولی کلید آنها نزد اولیاء الله بوده و بس و کسی غیر از آنها و یا کسی بدون اجازه آنها اقدام به گشودن و یا انهدام آنها می کرد دچار نوعی بیماری اعلاج می شد و در عرض چند روز میمرد و آبرویش می رفت لذا مردم به فکر شکار آن هم نبودند حتی حمایت هم میکردند تا کسی به آنها تعدی نکند و اگر هم کسی ادعا میکرد که اذن امعصوم دارد مطمئنا دچار گرفتاریهایی میشد که رسوا می شد و جان خود را میباخت.

قوچ نماد قدرت و باروری شمرده می شد که این امر در داستان ها و فولکلور اقوام ترک زبان به وضوح مشهود است به عنوان مثال؛ قوچاق نبی، قوش کور اوغلو یا قوچ ایگید و احتمالا قرار دادن تندیس آن روی مزاری، نشان از قدرت بازو و پهلوان بودن شخص صاحب گور می توانست باشد

سلسله صفوی در ایران:



صفویان دودمانی ایرانی و شیعه بودند که در سال‌های ۸۸۰ تا ۱۱۰۱ هجری خورشیدی (برابر ۱۱۳۵-۹۰۷ قمری و ۱۷۲۲-۱۵۰۱ میلادی) بر ایران فرمانروایی کردند. بنیانگذار دودمان پادشاهی صفوی، شاه اسماعیل یکم است که در سال ۸۸۰ خورشیدی در تبریز تاجگذاری کرد و آخرین پادشاه صفوی، شاه سلطان حسین است که در سال ۱۱۰۱ خورشیدی از افغان‌ها شکست خورد و سلسله صفویان برافتاد.

دوره صفویه از مهم‌ترین دوران تاریخی ایران به شمار می‌آید، چرا که با گذشت ۹۰۰ سال پس از نابودی شاهنشاهی ساسانیان؛ یک فرمانروایی پادشاهی متمرکز ایرانی توانست بر سراسر ایران آن روزگار فرمانروایی نماید. بعد از اسلام، چندین پادشاهی مانند صفاریان، سامانیان، آل بویه و سربداران روی کار آمدند، هیچ کدام نتوانستند تمام ایران را زیر پوشش خود قرار دهند و میان مردم ایران یکپارچگی پدید آورند. این دوره یکی از سه مرحله دوران طلایی اسلام و دوره اوج تمدن اسلامی است. صفویان، آیین شیعه را دین رسمی ایران قرار دادند و آن را به عنوان عامل همبستگی ملی ایرانیان برگزیدند. شیوه فرمانروایی صفوی تمرکزگرا و ن مطلقه (در دست شاه)

بود. پس از ساختن پادشاهی صفویه، ایران اهمیتی بیشتر پیدا کرده و ثبات و یکپارچگی برخوردار گردیده و در زمینه جهانی نام آور شد. در این دوره روابط ایران و کشورهای اروپایی به دلیل دشمنی امپراتوری عثمانی با صفویان و نیز جریان‌های بازرگانی، (به ویژه داد و ستد ابریشم از ایران) گسترش فراوانی یافت. در دوره صفوی (به ویژه نیمه نخست آن)، جنگ‌های بسیاری میان ایران با امپراتوری عثمانی در غرب و با ازبکها در شرق کشور رخ داد که علت این جنگ‌ها جریان‌های زمینی و دینی بود. ایران در دوره صفوی در زمینه مسائل نظامی، فقه شیعه، و هنر (معماری، خوشنویسی، نقاشی) پیشرفت شایانی نمود. از سرداران جنگی نامدار این دوره می‌توان قرچقایخان، اللهوردی خان، و امامقلی خان را نام برد که هر سه از سرداران شاه عباس یکم بودند.



از فقیهان و دانشمندان نامی در این دوره میرداماد، فیض کاشانی، شیخ بهایی، ملاصدرا، و علامه مجلسی نام‌ور هستند. هنرمندان نامدار این دوره نیز عباسی، علیرضا عباسی،

میرعماد، و آقامیرک هستند. از شاعران بزرگ و نامدار این دوره می توان به وحشی بافقی، صائب تبریزی، محتشم کاشانی و میر رضی آرتیمانی اشاره کرد صفویان همواره بزرگترین سد در برابر ترکان عثمانی بودند و اندیشه بازپس گیری مرزهای هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان را داشتند. صفویان در جنگ های خود با عثمانی ها همواره با نام ایران می جنگیدند. ترکان عثمانی تا پیش از بیرون رانده شدنشان به دست شاه عباس بزرگ، آذربایجان و قفقاز را به اشغال در آورده و از مردمان این سامان کشتار فراوانی کردند. صفویان فرهنگ، هنر، موسیقی، معماری ایرانی و ادبیات پارسی را گسترش می دادند و سرانجام شاه عباس پایتخت خود به اصفهان جابجا کرد.





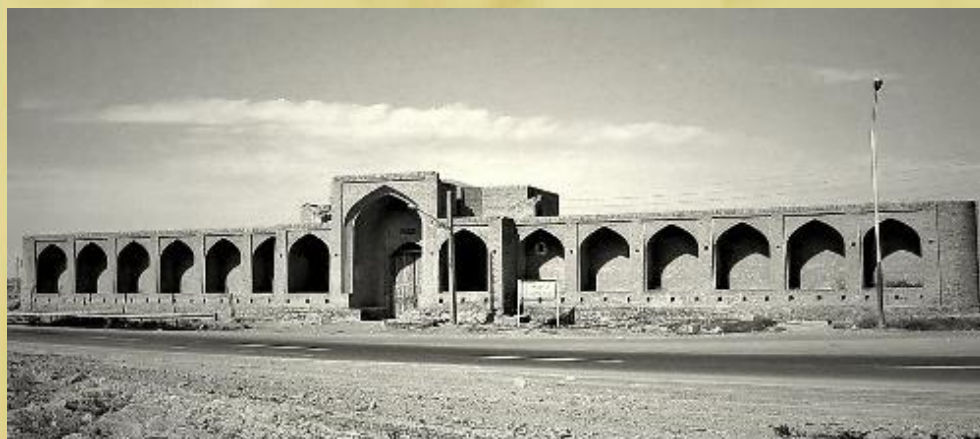
شیوه دفینه گذاری در دوره صفوی:

شیوه اول: اغلب خزان‌های دوره صفوی که به به خزان شاه عباس معروف و مشهور هستند در زمانهای قدیم زیر

اما مزاده مدفون می‌شدند. دقیقاً در زیر اما مزاده زیر زمینی تعبیه می‌کردند که به خزان متصل می‌شد

شیوه دوم: اغلب در اطراف بقعه ها و کناره راه قدیمی (کاروانسراها و مالروها) به فاصله ۱۵۰ قدمی یک صفا ای

درست می‌کردند و دفینه که شامل خمره بود در زیر صفا دفن می‌شد. عمق کار اغلب ۳ ارش بود.



طریقه سوم: اغلب دفینه‌های صفوی در کنار درختان مشهور که همان درخت چنار بوده و دقیقاً کنار دو چنار نزدیک

هم ۱۸ قدم فاصله داده و مکانی که وقتی آب باران می‌بارد آنجا جمع می‌شود و علف در آن قسمت نمی‌روید سبز

نمی‌شود و دقیقاً گودالی تعبیه می‌کردند که دفینه آنجا پنهان می‌کردند.



کلمه: دقت داشته باشید مورد ذکر شده در نسخه بالا به ورودی مکان می تواند اشاره داشته باشد، زیرا اولاد جانی علف

سبز نمی شود یا نمی روید علت می تواند به گاز طلا یا به وجود یک مدفون یا یک ورودی اشاره داشته باشد پس مورد

ممی بود و در صورت داشتن ورودی توسط مکانی مخفی به اتاقی رهنمون خواهید شد.

طریقه چهارم: در زمانهای قدیم در ورودی شهر که دروازه بود تپه ای ریخته می ساختند دغینه دقیقاً در وسط تپه دفن کرده

و اغلب عمق کار ۴ زرع بوده و شامل خمره و سکه بود.



طریقه ۵: دکنار امامزاده ها اغلب در سمت مشرق روبرو قبله درختی را که بنام درخت دخیل است نظری گرفتند

و دینه را در زیر آن پنهان می کردند بعد از ۴۰ سال لایه ای را با آجر پوشانده و زیر آجر نیز خمره را قرار می دادند.





نکته مهم: منظور از دخیل بستن یا درخت دخیل درختی است که مردم برای برآورده شدن حوائج و برطرف

شدن مشکلاتشان پارچه ای سبزرنگ را دور شاخه های آن درخت می بستند و معتقد بودند که حاجت رومی شوند.

طریقه ۶: در دوره شاه سلطان حسین که آخرین پادشاه صفوی بوده است بدین روال مرسوم بوده است که

قلعه ای که بالای تل بوده و دقیقاً میان قلعه سنگی بود که دینه زیر سنگ قرار می دادند اغلب دینه جزو جواهرات

و سنگهای قیمتی و کرانهها و زیورآلات بود.

طریقه ۷: درون چشمه های مشهور را در نظرمی گرفتند و اغلب در چشمه های زرخانی این مشاهده می شود و دینه

شامل سکه اشرفی بوده و اغلب ۳ ارس عمق داشت.



طریقه ۸: اغلب چاهی راد نظر گرفته که نزدیکی آن چشمه آب بوده و سرچشمه یک سنگ سفید را که روی او

نشانه و نقشی بود در نظرمی گرفتند، دفینه زیر سنگ بوده و شامل یک خمره اشرفی بود.

شوده ۹: نشانه (مار) بالا سر و خانه در روی سنگ سفید رنگ بصورت حکاکی یا برجسته دیده می شود، ۳ زرع زیر

سنگ بجاوید به زانغ سنگی یا صخره ای می رسید، دفینه شامل ۲ خم اشرفی است.



شویه ۱۰: علامت (جام) در اطراف حوالی اما فراده میان دره سنگی رویت می شود، اگر دوزخ زیر سنگ

کاویده شود به دفینه آن که شامل یک دیک اشرفی است می رسد.

شویه ۱۱: نشانه (شتر) در قبرستان قدیمی وجود دارد، در مشرق قبرستان سنگ شتر وجود خواهد داشت از آن دو

زرع به سمت قبله فاصله گرفته و آنجا را بکاوید، دفینه شامل ۳ خمره سکه اشرفی است.





شبهه ۱۲: نشانه شترمر بو ط به دوره صفویه بوده و مکان "شترمر" مشهور می باشد، دفينه داخل کوهان شتر بوده و دفينه

شامل ديك سكه دوره صفوی بوده است.





شيوه ۱۳: نشانه هاون مربوط به دوره صفويه بوده و در منطقه دختران دیده می شود، زیر پای سنگ باید ۳ زرع کاویده

شود به خم شاه اسماعیل صفوی می رسد.

شيوه ۱۴: نقش طاووس همراه باد خت زندگی جایگاه مهمی دارد، هنر ایران به خود اختصاص داده است. این

نقش اغلب با معنا هم مذهبی همراه می باشد و در دوره اسلامی فقط مخصوص دوره صفويه در آثار هنری دیده می شود

شيوه ۱۵: از آثار و نشانه خورشید در زمان شاه عباسی هم استفاده میشد بر روی پل ها که معنی جداگانه ای دارد و یا

دفینه ای که برای خرج پل بود پشت خورشید و یا بر روی آن قرار میگرفت.



شبهه ۱۶: نشانه مربوط به دوره صفویه بوده و در اطراف درخت قدیمی که عمدتاً چنار است روی سنگ سفید رنگ دیده می شود، چند قدم بطرف قبله رفته و برابر سنگ را بجاوید، دوفینه انجا بوده و شامل خمره اشرفی می باشد.



طریقه ۱۷: نشانه تفنگ یا تپانچه یکی از علامتهای دوره صفویان بوده و دوفینه ۴ ارش زیر سنگ می باشد.





طریقه ۱۸: اغلب که برج قدیمی بوده وقت کنید بعضی به تپه خاکی تبدیل شده است. برج دو عدد قبر دارد. از

طرف قبله قبر آخری که سمت قبله است سنگ بزرگی است که داخل قبر خم اشرفی خواهد بود.

شبهه ۱۹: اکثر اذیند یا خرج تعمیر پل ماد قسمت پایه پل مانگمداری می شد. در بعضی از پل مایی که اطراف

رودخانه های چشمه های آب وجود داشت؛ بالای پل در قسمت شمال ۳ قبر وارونه نیز وجود داشت. خرج در قبر

وسطی پنهان شده است و یک خم دوره اسلامی لاله اله الله... صفویه می باشد.





شبهه ۲۰: علامت قیچی در اغلب قبرستان های قدیمی

دیده می شود و روی سنگ قبرها حکاکی می شود، قبرداران

به این خواهد بود. البته این نشانه روی سنگ قبرهای دوره صفویه نیز دیده شده و کار ممتونی را نشان می داده است.

شبهه ۲۱: اکثر کاروانسراها در دوره صفوی رونق یافتند و مکان استراحت مسافری که قصد عزیمت یا مسافرت

به شهری را داشتند بدین قصد ساخته می شدند. برای آنها چندين خرج در نظر گرفته می شد که یکی از آنها در اطراف

کاروانسراها چشمه آبی بود که از بالای پامین می ریخت و همان مکان دارای دفینه نسبتاً سنگینی اغلب به تعداد ۷

خمره بود.

طریقه ۲۲: در سمت امامزاده ها، مخصوص در سمت شمال آن کوهی وجود داشت و در آن کوه درخت قدیمی

سرود نظری گرفته مقابل درخت در قله کوه ۳ قبر وجود داشت که دفینه داخل قبر میانی بوده و یک

خمره سکه شاه عباسی بود.

شویه ۲۳: در اغلب دره ها غاریابی وجود داشت جلوی غار تخت و قبر بود، دینه را که شامل یک خمره سکه شاه

اسماعیل صفوی بود زیر جسد در قبر پنهان می کردند.

شویه ۲۴: در مکانهایی با اسم گردنه شرکه در مناطقی مشهور است، شتری وجود خواهد داشت و دینه دقیقا داخل

کوهان شرکه زارده شده و شامل دیک سکه می باشد.

شویه ۲۵: در دوره شیخ بهایی از قچی به عنوان آثار دینه و سیر راه به کار رفت قچی اگر روی سنگی جاری شده

باشد و آن سنگ سیر راه مال رو باشد نشان از سیر راه است که نوک قچی سیر دست را نشان میدهد ولی اگر

روی سنگی بزرگ در وسط جنخل باشد قسمتی که دست قچی در روی آن بر جسته سازی شده زیرش سنگ قیمتی

یا الماس جاسازی شده البته در دوره صفوی و قاجاری در روی سنگ قبر خیاط ها هم از نگاره قچی به عنوان نماد

شغل فرد فوت شده استفاده می کردند.



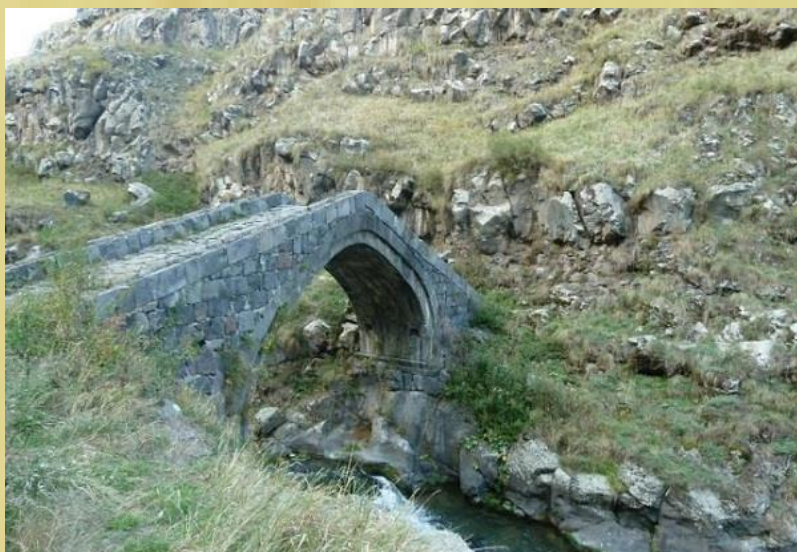
شبهه ۲۶: نشانه الاغ یکی از آثارهای مهم دولتی آن زمان بوده و حتی در کاروانها هم از آن استفاده می شده اگر این آثار به صورت تندیس باشد مرتبط با دین می دولتی است که به محل سفیدخانه اشاره میکند معمولاً پشت آن مهر و زیری خورده ولی اگر الاغ جاری باشد مربوط به بار کاروان است و محل قرارگیری بار کاروانی دولتی متفاوت است. باری که مختص به کاروان است در اطراف خود الاغ جاسازی شده و معمولاً وقتی کاروانها برای استراحت توقف میکنند، بار الاغ که در خورجین قرار داشت را در قسمت پهلوی الاغ میکشاند پس باید در کنار سنگ جاری شده دنبال برآمدگی یا فرورفتگی و یا حتی سنگی متفاوت باشیم دین در آنجاست و مترابار هم کم است و از ۳ متر تجاوز نمیکند.



شبهه ۲۷: کتیبه ها اغلب حکومتی بوده اند و دستور حاکمان یا والیان آن زمان بوده و در عصر جدید شاهان قاجار و صفوی هر جای صاف و صیقلی که پیدا میکردند اقدام به نوشته دعا و شعر میکردند. در کل باید عرض کنیم کتیبه های

طویل نادبار نیستند و جزء آثار تاریخی محبوب می شوند.

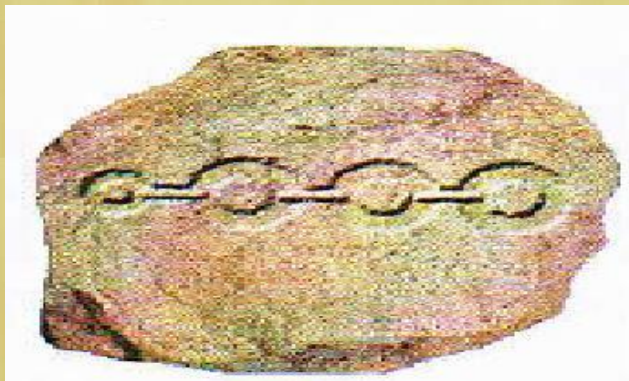
شبه ۲۸: اکثر ادفینه یا خرج تعمیر پل ماد قسمت پاییل هاگهداری می شه. در بعضی از پل های که اطراف رودخانه هایا چشمه های آب وجود داشت؛ بالای پل در قسمت شمال ۳ قبر وارونه نیز وجود داشت، خرج در قبر وسطی پنهان شده است و یک خم دوره اسلامی لاله اله الله... می باشد.



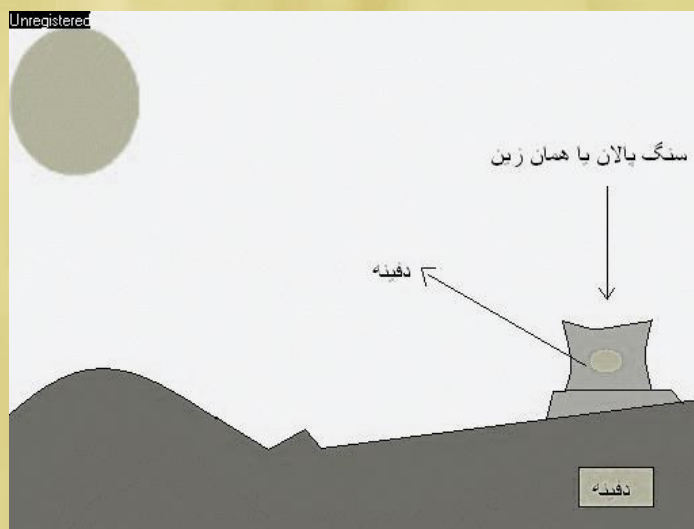
نکته مهم: بعضی از پل ها دارای بار می باشد طوری که حاکمان در مقداری سکه در زیر یکی از پایه های پل قرار می دادند تا اگر پل تخریب شد با استفاده از همان سکه پل را بازسازی کنند. جایی که مال در آن جا قرار دارد بسیار مستحکم است و کاری بسیار سخت است.

شبه ۲۹: نشانه حلقه در میان راه مارو و کاروانسراهی قدیمی نیز دیده می شود، زیر سنگ را اگر ۲ زرع بکاوید

به دفینه آن می رسید.



شيوه ۳۰: نشانه سنگ زين در مسير کار و سراهای قديمی دیده می شود، دفينه زیر سنگ بوده و دفينه زيادی دارد.



شيوه ۳۱: نشانه ۳ و ۳۰ نشانه در سراه آبادی ها و مکان کار و سراهای دیده می شود بصورت ۳ سنگ متصل بهم بوده و دفينه زیر سنگ می باشد.

شبهه ۳۲: نشانه جام در راه کاروانسراها و مالروهای اصلی قدیمی دیده می شود. طرف مشرق سنگ را بجاوید



شامل خمره سکه دفینه می باشد.

شبهه ۳۳: تاریخ ستاره داوودی به دوره اسلامی که از آن برای دکوراسیون استفاده می کردند می رسد روی

عمارت های اسلامی بویره قلعه جندی راس سردر سینا فرمانده میت المقدس صلاح الدین در راه خود راه نظامی خود به سینا تاریخ ۱۱۸۳ تا ۱۱۸۷ م تاسیس کرد و این ستاره اسلامی را بر مدخل ورودی قلعه قرار داد.



الگوی محاسبه: زای الراهیه مقیاسی بود که توسط عرب ها و هندی ها نیز استفاده می شده است در زمان صفویان

توسط افراد غیر مسلمانان نیز استفاده می شد و مقدار آن ۵۰-۹۲ سانتی متر است.

آیین تدفین در دوره صفوی :



در این مجال قصد داریم مدفن و مقبره شاه عباس صفوی را مورد تحقیق سنگ قبرها افراد عادی که در زمان صفویه دفن می شدند را مورد جستجو قرار دهیم. کاشان، اردبیل و قم سه شهری هستند که همواره از آنها به عنوان محل احتمالی دفن شاه عباس نام برده می شود. اردبیل به دلیل وجود آرامگاه شیخ صفی از نیای سلسله صفویه، گزینه ای جدی برای محل دفن او به نظر می آید، اما مدارک و شواهدی در این باره موجود نیست.

کاشان و قم نیز دو شهری است که بر سر راه اصفهان و مازندران قرار داشته اند احتمال دفن شاه در این دو شهر بسیار زیاد بوده و از این دو هم، احتمال دفن شاه عباس در کاشان بیشتر است.

پس از وفات شاه در مازندران، اسکندر بیگ منشی مخصوص شاه عباس در کتاب "تاریخ عالم آرای صفوی" این چنین می نگارد: چون به دارالمؤمنین کاشان رسیدند، خلاق آن دیار با دیده های گریان و دل های نالان و کسوت سیاه و حال تباه به استقبال شتافته، چون به نعش رسیدند سینه ها چاک کرده به ناله و افغان درآمده خاک بر سر

افشاندن آغاز نهادند.



در شهر کاشان امامزاده‌ای دفن است که صفویان اعتقاد داشتند نسبشان به امامزاده حبیب بن موسی (ع) می‌رسیده است. این امامزاده از معتبرترین و قدیمی‌ترین اماکن زیارتی می‌باشد که به ویژه در زمان شاه عباس اول مورد توجه کامل او بوده است. چون همانطور که اشاره شد دودمان صفویه را از اولاد این امامزاده می‌دانسته‌اند. اسکندر بیک در ادامه می‌نویسد: الحاصل آن جنازه را در پشت مشهد بیرون کاشان که مدفن امامزاده عالی‌قدریست به امامزاده حبیب بن موسی (ع) به امانت گذاشتند که انشاء... به یکی از اماکن مشرفه و آستان‌های متبرکه نقل شود. حافظان خوش‌الحان تعیین فرمودند که روز و شب تا بام شمعدانی‌ها افرخته دارند و جهت اطعام حفاظ و خدمه مزار کثیرالانتشار و فقرا و مساکین اقسام حلاوه و اطعمه‌الوان و مایحتاج. در این زمان جسد شاه عباس در کاشان مجاورت آرامگاه امامزاده حبیب بن موسی (ع) در سردابه‌ای قرار داده می‌شود تا جانشین وی برای محل دفن او تصمیم بگیرد و به وصایای شاه عباس رسیدگی کند. روایت شده است شاه عباس وصیت کرده بود که او را در امامزاده حبیب بن موسی (ع) دفن کنند.

اسکندر بیک منشی در این باب در کتاب "ذیل عالم آرای عباسی" باز گو می‌کند: ... چون به کاشان رسیدند نعش ... را در آستانه فیض‌الانوار امامزاده حبیب بن موسی (ع) گذاشته، سه روز به لوازم تعزیه و سوگواری پرداخته، بعد از اطعام فقرا و تعیین خدمه

حفاظ و غیرها کوچ کردند.

پس از آنکه شاه صفی وصیت جد خود را تأیید کرد، اجازه داد وی همان سردابه‌ای که قرار داشت، در یکی از سه قبری که در کف دخمه کنده شده بوده خاک سپرده شود. از طرفی نیز به دلیل وصیت شاه متوفی بنا بر اینکه قبرش گمنام بماند، از این جهت اسباب و وسایل تجلیل و احترام و تشریفاتی هم که برای درگذشت او فراهم شده بود برچیده شد و حتی سنگ بزرگ و گرانبهایی از دورترین نقطه کشور برای مزار شاه آورد بودند را بدون نوشتن هیچگونه نام و نشانی بر روی آن، بر روی قبر قرار دادند.



از طرفی برای ظاهرسازی و امتناع مردم که یکباره متوقف کردن کلیه مراسم‌های تجلیل و احترام به مقبره شاه برای آنها قابل تحمل نبود، به گفته گوینده تاریخ منظوم صفویه چنین وانمود شد که به امر شاه صفی، شبانه دور از دیدگان مردم نعش شاه عباس به یکی از اماکن مشرفه فرستاده شده‌است.

آندره گذار مدیر کل پیشین اداره باستان‌شناسی و موزه ایران باستان در نتیجه بررسی‌ها تحقیقاتش از منابع ایرانی و خارجی در این باره در صفحه ۳۱۵ جزوه دوم از جلد دوم نشریه فرانسه (آثار ایران) می‌نویسد: قبر شاه‌عباس اول مهمترین فرمانروای دودمان صفوی در جوار این امامزاده می‌باشد. شاه‌عباس که خود را از اولاد و اخلاف حبیب‌بن موسی می‌دانسته وصیت کرده بود او را در کنار مزار جدش دفن کنند. یک گزارشگر در سال ۱۳۴۶ مقبره را اینگونه وصف می‌کند: سنگ بزرگ و سیاهی بر حاشیه آن آیه الکرسی منقوش است مزار شاه‌عباس را پوشانده است. طبق روایات، در طرف دیگر این سنگ تصویری از شاه‌عباس با شرح زندگانی و تاریخ در گذشت او منقوش بوده که هنگام حمله افغان‌ها از بین رفته است. بعدها دوباره نقش شاه‌عباس را با وسایل مختلف روی آن سنگ تراشیده‌اند که آثار آن هنوز روی سنگ پیداست. در زیر سنگ قبر سردابه‌ای وجود دارد که مدفن اصلی جنازه در آنجاست و طبق روایتی یک کلاه خود چوبی که علامت آزاد و آمرزش بود در اثر بی‌توجهی از بین رفته است. تا چند سال پیش حتی خود اهالی کاشان نیز وجود مقبره شاه‌عباس در شهر خود بی‌اطلاع بودند ولی اخیراً شهرداری کاشان در شناساندن این مقبره کوشیده است. سنگ مزار شاه از جنس سماق سیاه رنگ گرانبهایی است که به گفته کارشناسان این سنگ از نزدیک‌ترین معدن در سرزمین قفقاز آورده شده است.

آخرین نوشته‌ای که از اسکندر بیگ در رابطه با مدفن شاه‌عباس منتشر شده است، مجال هیچگونه شک و تردید را در این موضوع باقی نمی‌گذارد. او در نخستین سال سلطنت شاه‌صفی هنگام مسافرت او به کاشان در کتاب "ذیل عالم آرای عباسی" این چنین بیان می‌کند: به تاریخ روز سه‌شنبه ۲۳ محرم الحرام از دارالسلطنه اصفهان بیرون آمدند و از راه تاج‌آباد و نظنز روانه شدند چون به دارالمؤمنین کاشان رسیدند ... به زیارت مدفن شریف حضرت گیتی جنت آشیان مشرف گشته، جهت ترویج روح آن حضرت بختامات کلام حضرت ملک‌علام و اطعام فقرا و مساکین و خیرات و

تصدقات اقدام فرمودند و از تربیت مقدس روح مطهرش استمداد همت فرموده لوی جهان گشا به حصول مقصد افروختند.

بنابر تحقیقاتی که توسط محققان انجام گرفته است می توان گفت به جز قبری که در امامزاده حبیب بن موسی (ع) قرار گرفته است هیچ قبر دیگری را تاریخ نگاران منسوب به شاه عباس یاد نکرده اند و در هیچ کتاب مأخذ معتبری مشاهده نشده است که تاریخ یا چگونگی انتقال جسد او را از کاشان به جایی دیگر نگاشته باشد. در هر کجا هم که چنین عنوانی به میان آمده است، نه تنها بدون ذکر مأخذ و سند بوده بلکه با شک و تردید آن را بیان نموده اند. از جمله این شایعات تذکره آتشکده آذر کتاب دانشمندان آذربایجان است که به شکل مبهمی می نویسد: شاه عباس در مازندران وفات کرد و در نجف اشرف مدفون است.

در صورتی که هیچگونه اثری از قبر شاه عباس در نجف اشرف وجود نداشته و ندارد. در حالی که شاه صفی در سال سوم سلطنتش (سال ۱۰۴۱) به نجف سفر کرده است. در شرح این مسافرت اسکندریک منشی در کتاب "ذیل عالم آرای عباسی" نوشته، نام و نشانی از مدفن شاه عباس در میان نیست در حالی که هنگام مسافرت او به کاشان به زیارت مدفن جد خود رفته و مراسم احترام را به جا آورده بوده است.

از این اسناد سند معتبر و بیان رسای اسکندر بیک چنین می توان برداشت کرد که پس از ۹ ماه از درگذشت شاه عباس و به خاک سپردن او، اکنون دیگر موضوعات امانت گذاشتن و یا انتقال جنازه شاه مطرح نیست و به کلی منتفی گشته بلکه آرامگاه وی را هم در کاشان به عنوان "زیارتگاه مدفن شریف حضرت گیتی ستان ... " و همچنین "تربیت مقدس" یاد می کند و بدیهی است که این عناوین و عبارات صریح جز مزار و مدفن دائمی اموات اطلاق نمی شود.

در اولین دهه قرن سیزدهم هجری شمسی، وزارت فرهنگ جمع آوری آثار تاریخی ایران، در امامزاده حبیب بن موسی (ع) محراب کاشی مینایی لوح کاشی برجسته روی

قبر که از کارهای علی بن محمد بن ابی طاهر بوده است، برداشته که اکنون در موزه ایران باستان جاخوش کرده است. کاشی های برجسته مینایی و نوشته دار دو طرف قبر هنوز هم پابرجا هستند و این اثر یگانه و منحصر به فرد نیز بازمانده ای از آثار خاندان ابی طاهر است.

در همان ایام، سردابه زیر قبر شاه عباس گشوده شد و در کف سردابه در محوطه ای وسیع که با آجر ساخته شده بود است، آثار سه قبر دیده می شود و روی قبر میانی که همان قبر شاه عباس است با ۷۳ کاشی لعابدار قدیمی پوشانده شده است که آنها را از آنجا کنده و بیرون آوردند. در ضمن در این دخمه اشیای کم بها و ناچیزی از قبیل کلاه خود و اسلحه هم پراکنده بوده، به طوری که از آثار و علایم می توان برداشت کرد اشیای دیگری هم در این مکان بوده است که مورد غارت و دستبرد قرار گرفته است.





البته روی سنگ قبرهای دوره صفوی اغلب قیچی و نگاره های دیگر یافت می شد.



دفینه و خزانه هایی که موقع حمله اعراب به ایران دفن گردیده است:



الگوی اول: غارهایی که چشمه آب از آنجا خارج می شود، شمار فتن جلوتر به داخل غار، غار رفته رفته وسیع تر و

کثاتر می شود که اتاق وجود خواهد داشت، در اتاق عتبی حوضی ساخته شده است، دفینه داخل حوض است و

این دفینه با عمق دوره ای که اعراب به ایران حمله کرده اند می باشد.

الگوی دوم: غارهایی که در زمان اشکانیان و ساسانیان و حمله اعراب به ایران وجود دارد، اغلب در چنین حالتی

دب ورودی غار رو به مغرب بوده و کنار غار نشانه شغال و فیل گذاشته می شود (بصورت حکاکی یا برجسته)، دب

غار را با تخته سنگی پلپ کرده اند و دفینه زیادی داخل غار است.

الگوی سوم: در اغلب قلعه های ساسانی، در زمانی که اعراب به ایران حمله کرده اند، اغلب دفينه ها و طلاها را در

زیر حوض قلعه پنهان میکردند، عمق کاوش اغلب کمتر از یک زرع بوده و بویچ و سنگین بر خواهید خورد.

الگوی ۴: در وسط غارهایی که چاه کز کرده شده است روی چاه یک زرع خاک می ریختند و دفينه در ته چاه

می بود که این دفينه ها اکثر امربوط به دوره ایلخانیان و تیموریان و یا حمله اعراب به ایران بودند.

الگوی ۵: اغلب دفينه ها یا بهتر است بگوییم خزانه ها که در حمله اعراب به ایران دفن شدند در دوره سلجوقی در زمان

طغرل شاه در مکانهای مخصوصی پنهان گردیدند. یکی از این شیوه ها بدین قرار است. بالای بعضی مکانهای غاری

تعییه می کردند و اغلب درخت جنگلی بزرگ دم و رودی غار می گذاشتند تا استار شود و زرع عقب غار پد

می خورد و دفينه داخل غار کز کرده می شد و وسط غار نیز چاهی می ساختند و روی چاه را یک زرع خاک می ریختند

و ته چاه نیز یک اتاقکی مخفی دست کرده و در نهایت ورودی غار را با سنگهای بزرگ سنگین می کردند.

الگوی ۶: اگر دهنه غار تنگ و به همین صورت که در بالا اشاره کردیم بود، با این تفاوت که غار بعد از چند متر

مثل یک اتاقک تمام شد، شما باید به سقف و دیواره روبرو و کناری به دقت نگاه بیاورید تا علائمی همچون نعل اسب یا ماه و ستاره و حتی عقرب و جوجان ببینید که تازه این اول کار است و دغینه آن بسیار سخت بدست می آید و متعلق به دوران اسلامی است که شک نکنید که حداقل ۲۰۰۰ سکه آنهم در سه خمره دارای سرباری می باشد و سرباری آن در نزدیکی یک سنگی که در انطرف دره (حدود ۱۸۰ تا ۲۰۰ متر فاصله دارد) قرار دارد. آن سنگ معمولاً به اندازه یک پراید است که انکار روی صندوق عقب ایستاده و به دانه خار نگاه می کند. در ضمن قبری تنگی در آن محل نیز وجود دارد که معمولاً فردی بلند مرتبه می باشد ولی در داخل قبر چیزی نیست.

الگوی ۷: سری دیگر به صورت چاهی در غار خرمی گردند و از کف چاه تونل می زدند به یک سمت دیگر و با

گذشتن یک تله فیزیکی آن را پنهان می کردند. توجه داشته باشید که هر کجا که در مسیر راه و حفاری به تونل خصوصاً

دست ساز بر خوردید، ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ پاید انتظار تله را هم داشته باشید (خصوصاً دغینه های دوره اسلامی و کهنه های متعلق

به دزدان و راهزنان، که نوع و تعداد دومی به مراتب سخت تر و بیشتر می باشد)

الگوی ۸: حوالی کوه های معروف که با اسامی مقدس نامگذاری شده اند، طرف قبله را نگاه کنید غاری پلپ

وجود دارد که درب ورودش را با سنگ کار کرده اند و وسط این غار ۳ قبر وجود دارد، دغینه اصلی داخل قبر میانه

این تدفین و قبور در دوره اسلامی :

یک مورد اساسی که بسیاری از محققین در مورد قبور از آن غافل هستند این است که قبل از اسلام که قبله بیت المقدس بوده قبرها را برخلاف جهت قبله رو به قبله فعلی خاک می شدند چون قبله فعلی بعد از اسلام مشخص شد و قبلا کسی به این موضوع اشراف نداشته و پس نتیجه اینکه ممکن است قبور بعد از اسلام قبور مسلمانها اشتباه گرفته شوند.



حتما شما نیز شاهد سنگ قبرهای قدیمی موجود در قبرستان ها بوده اید که برخی از آنها به چند صد سال پیش باز میگردد و شاید توجه شما نیز به نقوش حکاکی شده آنها از جمله مهر و تسییح و شانه جلب شده باشد و از خود سوال کرده باشید معنای این نقوش چیست؟!

در قدیم حکاکی نقش مهر و تسییح نشان دهنده آیین و مذهب شخص متوفی بوده و روی سنگ قبور افرادی که به زیارت مکه معظمه و یا عتبات عالیات نائل شده بودند

بیشتر مشاهده می شود.

اما نقش شانه نشانه جنسیت متوفی بوده است. بدین ترتیب که اگر شانه منقوش دو طرفه

باشد، متوفی زن است و اگر شانه یک طرفه باشد، متوفی مرد است.

از دیگر ویژگی های این سنگ قبرها میتوان به ذکر نام خداوند در بالای سنگ و بیان

تاریخ فوت به صورت قمری اشاره کرد.

نمونه ای از سنگ قبرهای منقش به تسبیح و مهر:



نمونه ای از سنگ قبرهای منقش به شانه:





قبر ارامنه و مسیحیان دارای علامت صلیب میباشد و با این نماد شناخته میشوند



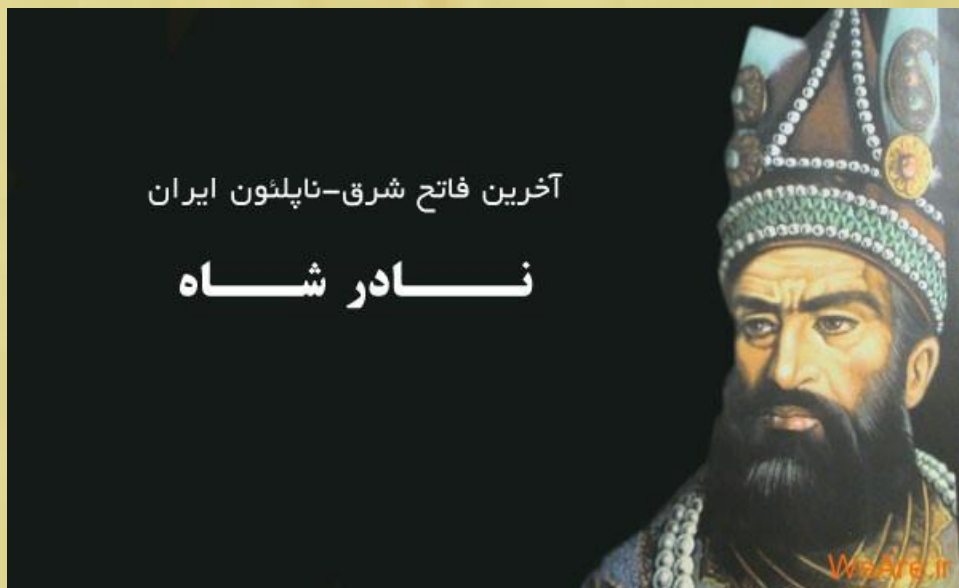
بر سر سنگ قبور یهودیها هم بیشتر از علامت بعلاوه یا گلهای چهار پر و مثلث استفاده می شده است.

برخی نقوش بر روی سنگها از شغل طرف حکایت داره مثلا قیچی یا مثلا شمشیر که نشان فردی جنگجوست و

برخی از قبور هم هستند که اموالی که درونشون هستن رو روی سنگ قبر حکاکی میکردند مثلا قبر جنگجویی که حکاکی شمشیر و تیر و نیزه و کلاه خود و ... روی سنگش حک شده که اینها نشان از والا مقام بودن فرد هم داره .



حکومت افشاریان در ایران:



آخرین فاتح شرق-ناپلئون ایران

نادر شاه

افشاریان، نام دودمانی ایرانی (۱۱۶۳-۱۱۴۸ قمری و ۱۷۹۶-۱۷۳۶ میلادی) و اعضای یک سلسله گرد تبار بودند که بر ایران فرمانروایی کردند. بنیادگذار این دودمان نادرشاه افشار بود.

نادرشاه از ایل افشار است، دسته‌ای از گردهای کورمانج که در اوایل دوره صفوی برای حفاظت از مرزهای ایران در برابر هجوم ازبک‌ها و ترکمن‌ها از غرب ایران و اطراف دریاچه ارومیه (در شمال غرب ایران و شرق ترکیه کنونی)، خراسان کوچانده شدند.

نادرشاه افشار در سال ۱۰۶۶ خورشیدی در ایل افشار در درگز در شمال خراسان دنیا آمد. این ایل به دو شعبه بزرگ تقسیم می‌شد: یکی قاسملو و دیگری ارخلو؛ نادر شاه افشار از شعبه اخیر بود. طایفه ارخلو را شاه اسماعیل از آذربایجان به خراسان کوچاند و در شمال آن سرزمین، در نواحی ابیورد و دره گز و باخرز تا حدود مرو مسکن داد؛ تا در برابر ازبکان و ترکمانان مهاجم سدی باشند. تعداد بسیاری از این ایلها در زمان شاه عباس اول در ایل شاهسون ادغام گشتند



BOWEN - A COMPLETE SYSTEM OF GEOGRAPHY - 1747

825888

 Edition of Maps
 Library of Congress

دیفینه گذاری در دوره افشاریه :

دوره افشاریان نادر شاه بزرگ "نابون بزرگ" در ایران بهمان فرمانروایی محمد شاه کورکانی در هند سلطنت میکرد.

شیوه اول: در مکانهایی به اسم چال سنگ سنگهای بسیاری دور هم جمع می کردند و زیر آن یک سردابی مخفی تعبیه می کردند داخل سرداب دیفینه های بسیار سنگین شامل جواهرات و سکه های قیمتی بود و دفن می کردند

شیوه دوم: عمودا پله ورودی حمام که جنش از ساروج است یاد حوض وسط حمام قرار دارد. بار آن سکه بود

این سکه با جهت بازسازی حمام توسط حاکمان قرار داده شده است

حکومت قاجاریه در ایران :

قاجار (قجر)، قاجاریه یا قاجاریان نام دودمانی است که از حدود سال ۱۱۷۴ تا ۱۳۰۴ بر ایران فرمان راندند. بنیانگذار این سلسله آقامحمدخان است که رسماً در سال ۱۱۷۴ در تهران تاجگذاری کرد آخرین پادشاه قاجار احمدشاه است که در سال ۱۳۰۴ بر کنار شد و رضاشاه پهلوی جای او را گرفت. به علت مشکلات روی داده در دوران افشاریه و زندیه سرزمین ایران دارای ناامنی‌های

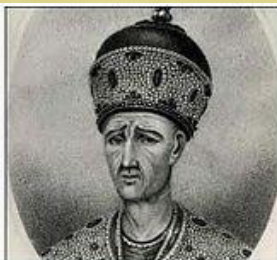


داخلی (مانند ناامنی‌های جاده‌ای) بود و ارتباط با خارج از کشور از جنوب و شمال ایران کاهش یافته بود. زمانی که دولت قاجاریه به وجود آمد ایران از نظر اقتصادی و سیاسی در وضعیت بدی به سر می‌برد و اولین انسجام ایران به شکل امروزی مدیون آقا محمدخان قاجار است هر چند که در زمان پادشاهان بعدی قاجاریه بخش‌هایی از ایران جدا شدند ولی خاک اصلی به صورت یک دولت متحد از زمان آقا محمدخان قاجار به بعد شکل گرفت

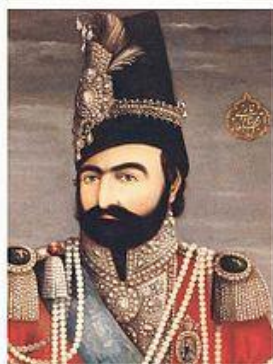
خاندان قاجار از خاندان‌های بزرگ ایران است. اعضای این خاندان از نوادگان پسری شاهزادگان قاجار هستند. پس از اجباری شدن نام خانوادگی و شناسنامه دوره رضا شاه، هر کدام از شاخه‌های این خانواده نامی انتخاب کردند که اغلب برگرفته از نام یا لقب شاهزاده‌ای بود که نسب خود را به او می‌رساندند. اکنون بسیاری از نوادگان

قاجار در ایران، جمهوری آذربایجان، اروپا و آمریکا زندگی می کنند.

آقامحمد خان قاجار (۱۱۷۵-۱۱۹۰)
موسس سلسله قاجاریه



فتحعلی شاه (۱۲۱۳-۱۱۷۵)



محمد شاه (۱۲۳۶-۱۲۱۳)



ناصرالدین شاه (۱۲۷۵-۱۲۲۶)



مظفرالدین شاه (۱۲۸۵-۱۲۷۵)



احمد شاه (۱۳۰۶-۱۲۸۷)
آخرین شاه قاجار



محمدعلی شاه (۱۳۱۷-۱۲۸۵)



دفینه گذاری در دوره قاجاریه :



متأسفانه بعد از دور صفویه اغلب نسخه های دفینه و کتب توسط افرادی یادستگاری شده یا مجدداً بازنویسی دچار تحریف بسیار واهی شدند که متأسفانه با بعد از دوره صفویه افرادی همچون میرداماد بکبیر بعضی درویش و... که برای خود دکان و بازار گنج و عتیقه راه انداخته بودند شروع به جعل و تحریف و نوشتن نسخه های جعلی کردند که نمی شود با آنها اعتماد و اطمینان کرد و نسخه های درویشی و جعلی فوق العاده زیاد شد و روانه بازار شدند.

بعد از دوران قاجار که دوران پهلوی به سرکردگی رضاشاه پهلوی شروع می کرد و دیگر هیچ آثار دفینه و تاریخی که از روی سند با توانیم رمزگشایی کنیم و بخوانیم وجود دارد و اولین بانک ملی نیز در زمان پهلوی تاسیس گردید.

مادر این قسمت شروع به علامت و سبک های هنری که در دوره قاجاریه رونق یافت توضیح و شرح خواهیم داد.

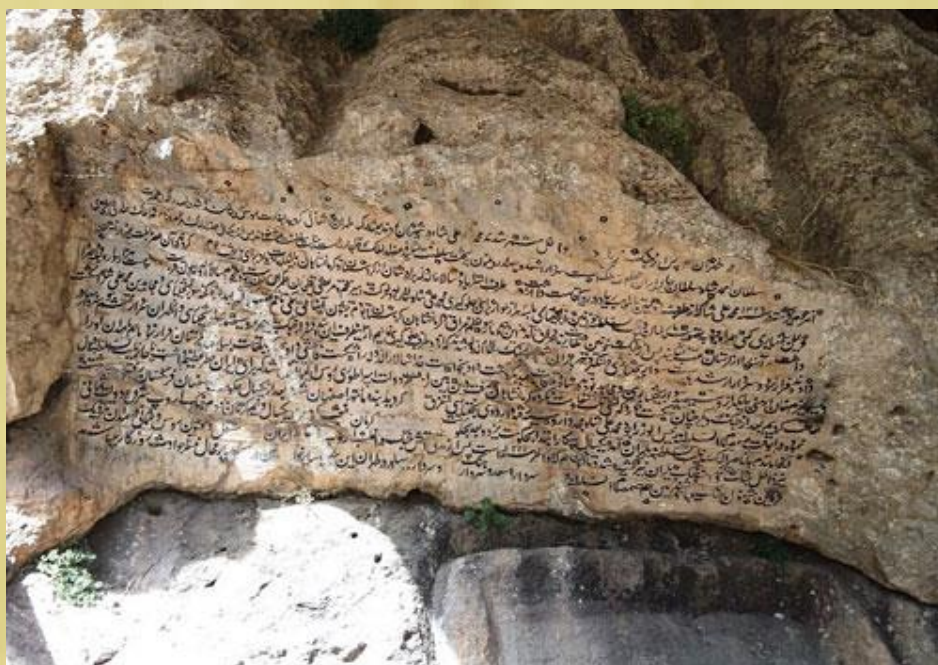
نشانه اول: سنگ قیچی، در دوره صفوی و قاجاری در روی سنگ قبر خراط ها هم از نگاره قیچی به عنوان نماد

شغل فرد فوت شده استفاده می کردند.

نشانه دوم: کتیبه ها اغلب حکومتی بوده اند و دستور حاکمان یا والیان آن زمان بوده در عصر جدید هم شاهان قاجار

و صفوی هر جای صاف و صیقلی که پیدا میکردند اقدام به نوشته دعا و شعر میکردند. در باید عرض کنیم کتیبه های

طویل نماد بار نیفتند و جزء آثار تاریخی محسوب می شوند.



نشانه سوم: فانوس، این نماد به زمان اسلامی بر میگردد که در زمان قاجار از آن به عنوان روشنی استفاده میکردند

این نماد زلفه و آتاکک اشاره دارد.



جایی که این آثار وجود دارد باید در نزدیکی آن صخره یا شیب تپه باشد که درب اتاق در شیب یا درون صخره پلپ شده است دلفینه مربوط به این دوره اکثر اسکله های می است که ارزش خاصی ندارد.



نشانه کشکول:



این نشانه روی تپه نام معروف دیده می شود، دفينه زیر سنگ بوده و عمق بار ۱۷ ارش بوده و دفينه شامل یک دیک زراست.

علامت کتاب:



این علامت، در آخرده بالای چشمه در طرف غروب آفتاب سنگ سیاه رنگ دیده می شود، ۱۵۰. ازرع عمق دفينه بوده و یک کوزه زرا امانت وزیر انجاست.



دقیقه مخفی شده در امامزاده ها :

مطلبی که در این قسمت ذکر می گردد جهت اطلاعات بیشتر مخاطبین و محققین بوده و ما شمار از هرگونه حفاری و کندوکاو در محیط اطراف و خود امامزاده ها و اماکنی که ثبت ملی گردیده اند و مکان های مقدس به شدت نهی می کنیم عواقب هرگونه استغاده سوء از این مطالب عمده خود شخص خاطی می باشد مایچگونه مسیولیتی بر مطالب نداریم امامزاده هبار موجود در آنجا زیاد بوده و معمولاً در چند قسمت آن جاسازی می شود: ۱- قسمت سقف ۲- در دیواره داخلی که اگر کمی دقت کنید کمی بصورت برجسته است پشت آن یک آجر ۳- در کف که بصورت تورفتگی کوچکی است ۴- زیر کفش کن که در تمامی امامزاده های کمی بوده و متر ۸۰ سانتی متر دقت یافته می شود. ۵- روبروی امامزاده بصورت تل که در بعضی امامزاده های یافت می شود.





تل خاکی



شمع چراغ (شمع سوزها):



در بعضی از زیارتگاه ها گذشته سنگی بوده که روی آن چراغ یا شمع روشن می کردند که در اصطلاح به آن چراغ سو می گفتند. زیر آن سنگی که چراغ روشن می کردند بار وجود داشت و عمق آن کمتر از دوارش می باشد. بار آن سکه بوده و بیشتر از یک خمره است.





شمع سوزها مکان مقدسی در دوره اسلامی بود. بعد از ورود اسلام به ایران جنگهای داخلی سر گرفت و مناطقی
 هنوز اسلام را نپذیرفته بودند و همین مسئله باعث جنگ بین مسلمانان و افراد بومی شده بود به مرور زمان باید رفتن
 اسلام محل دفن سرداران اسلام که اکثر از اقوام پیامبر بودند به امامزاده شمع سوز تبدیل شد و مردم برای نذر
 نیاز به این مکانها میرفتند و بر سر مزارشان شمع روشن میکردند و مقادیری که نذر داشتند در آن قسمت مدفون
 میکردند و بر روی شمع سوزها خیل میبستند و وقتی از نذر خود جواب میکردند اموال و سکههای بیشتری در آنجا
 مدفون میکردند. معمولاً محل دفن این نذورات یک و نیم قدم از شمع سوز به سمت قبله بود و دینیه راد متر اثر

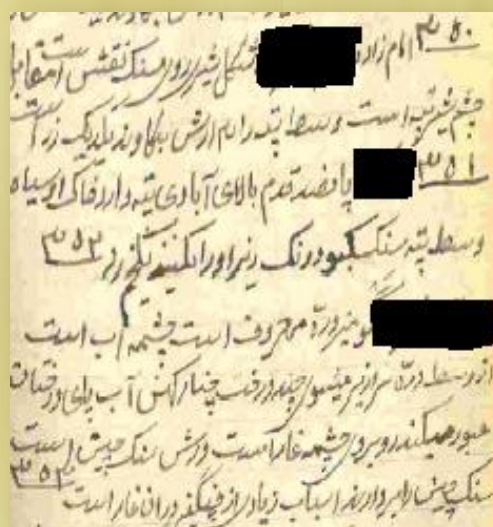
۲ متری قرار می دادند

سنگ آهنگری:

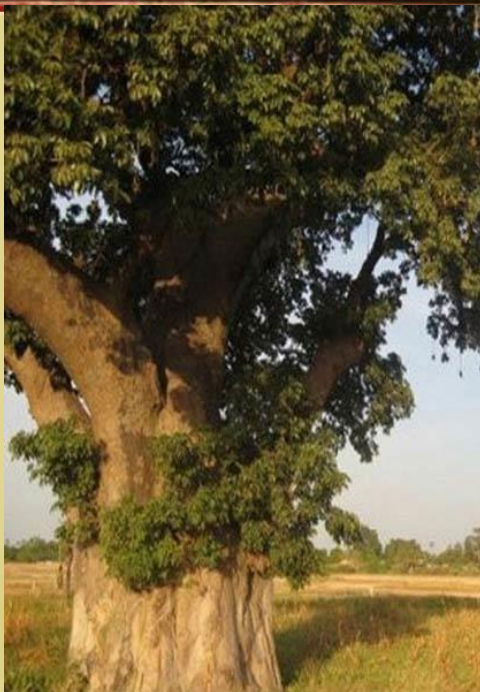


این سنگ شیه سنگ سندان آهنگری می باشد قدیم روی این سنگ ابزار آلات جنگلی، نعل و... ساخته می شد. از این نادر دوره های قبل از اسلام جهت مدفون کردن دغینه به ندرت استفاده می شود ولی پس از آغاز ورود اسلام به ایران این نادر رایج پیدا کرد و در خیلی از شهرهای ایران می توان این آثار را مشاهده کرد. البته همیشه به خاطر داشته باشید که از سنگ تراشه هایی که برای علامت دغینه بکار می روند باید سنگی باشند بر احمی قابل عمل و تکان دادن نباشند. فرض اگر از شاد سندان سنگ سندان خواست به این فکر نباشید که باید دقیقاً اندازه ی

آهنی که در آهنگری ها است باشد بلکه این سنگ در ابعاد بزرگ ساخته میشد. حالامی پردازیم به طریقه مدفون سازی
دینه در این نادره. دینه می موجود در این نادره از اسلام معمولاً است که یا به صورت قراچه های کوچک یا
خمره های کوچک و تعدادشان از دو تا تجاوز نمی کند و سکه های درون آن متعلق به دوره اسلامی (محمد رسوله) و
چند عدد هم سکه مدالیون (امام علی) است طریقه مدفون کردن این دینه به این صورت بود که چاله ای
حدود الی ۱.۵ متر خف می کرد و سکه ها در آن قسمت می گذاشتند و روی آن را با ساروج خیلی ابتدایی به
ارتفاع نیم متر پرمی کرد و روی ساروج را هم با خاک همان منطقه پرمی کرد و در آخر سنگ را روی آن قرار
می دادند. پس متوجه شدید که دینه موجود زیر این سنگ در ارتفاع خیلی کم قرار می گیرد



درخت شمع سوز:



درختانی معروف بانام شمع سوز و یا سواشن قدمت این نوع دغینه ها که در کنار شمع سوزها دفن میشوند به ۸۰۰ الی ۱۰۰۰م
 یسد این نوع دغینه ها اکثرابه صورت نذرا از طرف اشخاص بزرگ و یا جمعی از مردم انجام میشد که در کنار قبر
 شخص که سید و یا بزرگ آن زمان بود دفن میشد معمولاً این نذری ده من سکه بود که معادل ۳۰ کیلوگرم میشود این
 دغینه اهدایی معمولاً با فاصله از درخت و یا حتی زیر درخت دفن میشد فاصله ای که مورد محاسبه قرار میگرفت یک
 کام و نیم به سمت قبله البته یا قبله قدیم که میت المقدس بود و یا قبله امروزی که مکه بود دفن میشد و متر از این دغینه
 در ۳۰ سانتی تا ۸۰ سانتی قرار میگرفت. مشخصات وجود دغینه در شمع سوزها سنگ سیاه در روی درخت و یا قبر میباشد
 و اولین لایه زمین خاکستر و یا خاک نرم میباشد.

دفینه های درختان , امامزاده ها و ... (دوره اسلامی):

همه درختان کهنسال دفینه ندارند , باید به نسبت محیط اطراف بررسی کنید. درختانی که بسیار تنومند و عمر طولانی دارند و نیز به عنوان اماکن مذهبی یاد می شوند که اغلب پارچه های نذر و نیاز به آن آویزان است. کاویدن زیر درخت مشکل است , چون ریشه هایی که سالها در زمین هستند شاید به قطر یک متر هم رسیده اند. هیچ وقت برای درآوردن دفینه درخت را خشک یا قطع نکنید. باید توجه داشته باشید که نوع درخت بسیار پراهمیت است بنده تعدادی از این نوع درختان را نام برده ام:

نام درخت	حدود عمر درخت
سرو	500
گز	6000
داغداغن	5000
آزاد	2000
نارون	500
سنجد	700
چنار	700

درختهایی با عمر طولانی اکثرا نشانه بار است و بار هر کدام از آنها با دیگری متفاوت است به فرض اموالی که در نزدیکی بوته گز یافت میشود اموالی که کنار سرو یافت میشود همیشه متفاوت بوده است.

از دیرباز در میان مردم ایران این احساس یعنی (تقدس درخت و آب) وجود داشته است. درخت همواره نماد رشد و زندگی بوده است. درخت نشانه جنگل بوده و مورد احترام قرار می گرفت. در اعتقادات سومریان درخت زندگی سمبل نوسازی جهان و درخت خرما نزد بابلی ها و فنیقی ها و درخت مو نزد آشوریان درخت زندگی

محسوب می شده و درخت سرو نیزد ایرانیان باستان درخت زندگی بوده است ، این درخت همیشه سبز و جوان پابرجا بوده که خود نمادی است از زندگی و بقای حیات.



انواع درختان مقدس:

درختان مقدس را می توان به دو صورت تقسیم بندی کرد. دسته اول شامل درختان قدمگاه، زیارتگاه، تاوی، شفابخش و بیشه های مقدس مانند بیشه مقدس «دوازده امام» در منطقه گهواره شهرستان دالاهو می شود و دسته دوم درختان مقدس را به سه قسم دارمزار، دارمدار و پیردار تقسیم می کند که دارمزار شامل درختان در کنار امام زاده ها و اماکن مقدس می شود که بیشتر این درختان از نوع چنار، سرو، راغداغان و بلوط درختان دارمدار نیز درختانی هستند که برخی عوام به قرائنی برای آنها معجزه کرامت



قائل بوده و بر آنها دخیل می‌بندند که این نوع درختان تنوع زیادی داشته شامل انواعی

از درختان توت، زیتون، زالزالک، آزار انار، سیب، ارس، بنه، شمشاد و ... می‌شود.

اما درختان پیردار الزاما جنبه تقدس نداشته و به دلیل دیرسالی، کهنسالی احترام قرار

می‌گیرند که سروهای کهنسال ایلام جزو آن دسته هستند.

بوت کزک که در حدودش هزار سال عمر میکند دخت بوت کزکی از درختان معروفی است که در اکثر مکانهای که قرار

بود دینه در آن جا منحنی بشه از این دخت برای علامت گذاری استفاده می‌شود. و معمولا هر کجا که این دخت

رامی کاشتنده ۱۵ قدم از خود دخت به سمت طلوع خورشید قدم می‌زنند و دینه را در آنجا دفون می‌کنند و در اکثر

مکانهای که توانسته اند دینه می‌آن را بدست بیاورد در مترات تقریبی ۵ الی ۷ متر بوده است.



درخت داغداغان که در حال حاضر چهار هزار و پانصد ساله آن هست همانطور که تو عکس مشاهده میکنید قسمت

جلوی درخت رو به طلوع خورشید تل کوچکی وجود دارد که دغینه در زیر تل وجود دارد البته متر این نوع تل ها

مقاوت است و همیشه متر اشد دقیق و یا تقریبی برای آن معلوم کرد همه چیز به نوع آثار بستگی دارد



درخت آزاد که دو هزار سال عمر میکند در جنگلهای شمالی ایران به وفور یافت می شود در جنگلهای شمالی ایران

به وفور یافت می شود. این درخت بیشتر در زمان اسلامی مورد کاربرد قرار گرفت و معمولاً در کنار شمع سوزناو



قبرستان های اسلامی فراوان است اگر دکنار شمع سوز قرار داشته باشد شما بید یک قدمونیم از شمع سوز به سمت
 قبله قدم بردارید و متر از دینچه در این مورد معمولاً از ۵.۲ بیشتر تجاوز نمیکنه ولی اگر در قبرستان مشاهده کردید
 معمولاً به صورت سه تایی یافت می شود که هر ۳ تا دور یک تل خاکی متوسط را احاطه کرده اند و متر از کار در این
 نوع تل غالباًست و در حدود ۸ الی ۱۰ متر از وسط تل به پایین می شود.



درخت چنار که حدود هفتصد سال عمر میکند و پس از آن هر سال یک بار خودکشی میکند و خود را میوزند تا از بین برود که این خودسوزی هم چندین سال طول میکشد مانند درخت چنار اما مزاده صالح حدود ۹۰۰ سال قدمت دارد.



درخت نارون حدود پانصد سال عمر می کند معمولاً برای علامت گذاری دفينه های کوچک و شخصی از این

درخت به عنوان نماد استفاده می شود ۱ متر جلوی درخت به سمت قبلاییت المقدس ولی خیلی کم از این

درخت به عنوان نادبکار میرفت و درخت سجد هم همینطور می باشد.

سرودوشانه (پنکالی):



مهمترین خصوصیت درخت سرودوشانه بودن آن است. درخت سروی که حداقل سه نفر بادست به دست دادن بتوانند آن را در اغوش بگیرند به طور متوسط ۲۰۰-۲۵۰ ساله خواهد بود. در اثنای قبل و بعد از جنگ



آزادی این درخت به عنوان نقطه ثابت در نظر می شده است. اگر شکل یک درخت سرو زیر قسمت دوراهی درخت بدنبال کافی بگردید که سالها پیش ایجاد شده است. شکاف مورد نظر امروزه باید در حد و اندازه های یک بشقاب باشد. اگر از پشت علامت چشم و دقیقاً از نقطه زیر دوراهی به طرف مقابل نگاه کنید، معمولاً در فاصله ۷ یا ۷۰ قدمی دنبال یک امارت بگردید.

زیر دوراهی درخت به معنی حرف (V) می باشد حرف V در الفبای عربی معادل عدد ۷ می باشد. در این شرایط یکی از دو نقطه به عنوان محل دفینه مشخص می شود. با استفاده از دستگاه های پیشرفته این منطقه را جستجو و محل کنج را مشخص کنید. درخت سرو که در حال حاضر چهار هزار ساله آن وجود دارد و معمولاً کنار این درخت چشمه ای وجود دارد که دفینه در زیر یک قسمت از چشمه به صورت مهر و موم پنهان است



درخت گلآبی وحشی، درخت عرعرا، درخت بلوط و درخت کاج:

اینها از نوع درختان با عمر طولانی هستند که معمولاً در اراضی و مناطق باز و بطور نادر در حیات خانه های روستایی وجود

دارند. از آنجا که درخت گلآبی وحشی و درخت عرعرا بصورت وحشی در بیشه زارهای رونند، احتمال دارد که

کنجینه های راهزنان و نیز پول شروتمندان روستایی در زیر چنین درخت هایی پنهان شده باشد. تا زمانی که خلافت

ثابت نشده باشد، اگر دو عدد درخت وجود داشته باشد بین آنها و در صورتی که سه درخت بوده باشد، در زیر درخت



بزرگ و یاد دخت و چک می باشد اگر در نزدیکی دخت ها رودخانه وجود داشته باشد، بین نزدیک ترین دخت و رودخانه، اگر جهت جاری شدن آب منطبق نباشد، فاصله بین چشمه و دخت با قدم اندازه گیری شده، سپس در سمت مقابل به همان اندازه پیش بروید طوری که چشمه در وسط این فاصله قرار بگیرد. نقطه ای را که بدین گونه بدست آید را بررسی کنید. در مواردی که دخت دو تایی باشند، در قسمت جلوی اعتبار نقطه سوم را اندازه گیری کرده و برای پیدا کردن محل گنجینه سه ضلعی دست شود. دخت اصلی و مادر این دو دخت بعضا ساخورده، سوزنده یا بریده شده باشد. دختی را که از جوانه آن می تواند روئیده باشد، بررسی کنید.

اگر در دخت بلوط تنها باشد یا بار موجود زیر آن است یا سه قدم به سمت غروب آفتاب رفته و آن مکان را بجاوید.

زیر امام زاده
 یک کیمه که در آن کبود سبزه راه سر از در در آن کیمه است
 طلسم مار دارد
 کوه در رو بکوه زیر او را هم از آن کیمه و نه یک کیمه زرا
 میان
 بالا تیره کوه در دارد و وسط کوه در آن کیمه است که کبود
 نزدیک هم کوه پیدا شده و زیر آن یک خمز است

تصویر درخت کلابی وحشی:



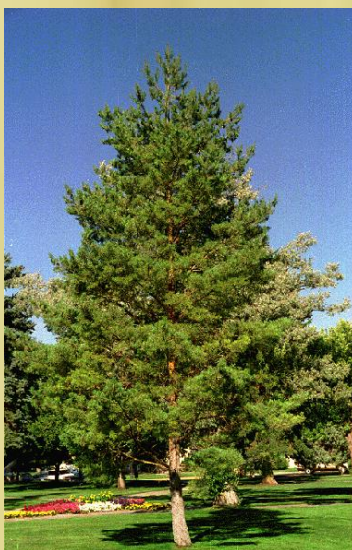
تصویر درخت عرب:



تصویر درخت بلوط:



تصویر درخت کاج:



درخت توت:

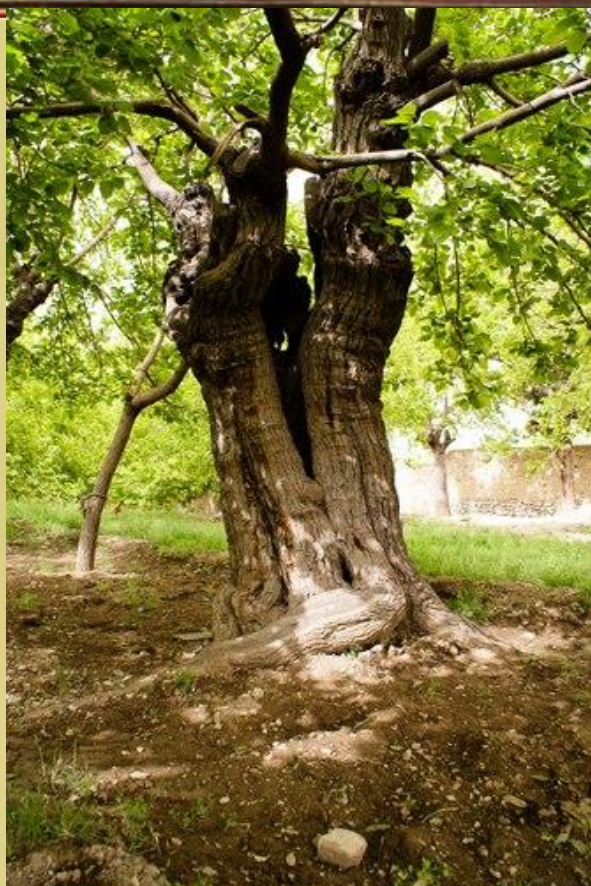
معمولاً در میان خانه‌ها یافت می‌شود. بین درخت توت و نقاط مهم موجود در خانه ارتباط مستقیم وجود دارد. برای

مثال فرد مخفی‌کننده گنج همیشه می‌تواند گنج دفن شده را تحت نظر داشته باشد. برای همی امر پنجره محل اقامت و یا

خواب وی مشخص می‌شود. جایی که پایین تر از درخت بهترین جا برای دفن و مواظبت از امانتی می‌باشد.

این نقطه معمولاً شروع از در و به سمت در ورودی خانه معمولاً ۳/۱ یا ۷/۱ قدم می‌باشد.

امام زاده معروف است را سنگ شبیه کوزه که افکار است
 زیر سنگ وسط را ۳ زرع بکنند یک دیگر زد است
 امام زاده [redacted] در روی امام
 زاده هیچ قدم نماند سنگ افکاره سفید رنگ
 گودی دارد زیر آن سنگ را یک زرع بکنند یک کوزه
 زرد است در هفت تنان امام زاده بکنند
 بکنند دور سنگ نشانه کنند اندر او را
 بکنند یک کوزه زرد است



درخت موزی:

این درخت یکی از درختانی است که خیلی در دفن اموال از آن استفاده میشده و دفينه های نفیسی در نزدیکی و زیر خود درخت دفن میشد. مخصوصاً برای سفیدخانه ها از این درخت به عنوان علامت گذاری و گاهی اوقات هم برای قبرهای های مهم و خمره ها که در زیر خود درخت دفن میشد در مواقعی که نشان قبر است در کنار خود درخت



یا ۱۰ متر اون طرف تر نادر سنگ کاسه گذاشته می‌شد. که در جلوی درخت به سمت طلوع خورشید ۷ الی ۸ متر

جلوتر قبره صورتی که قابل تشخیص نباشه گذاشته می‌شد



درخت کردو:

معمولاً درخت کردو، درخت باغ ها و محل های نزدیک مناطق مسکونی است. جهت و فاصله نقطه ای که با توجه



نقطه درخت معین شده، قابل تشخیص نیست. لکن با توجه حروف ابجد که در فرسنگ ایرانی غصری غیر قابل
اجتناب به شماری آمد، عدد ۳ بدست می آید (ج = ۳) آنچه مشخص خواهد شد، قرار گرفتن دیننده در ۳ قدمی درخت

بوده، لام است اطراف آن به وقت مورد بررسی قرار گیرد (درخت درخت سایه داری است و لامنت در

زیر سایه حفاظت می شود)



درخت سرو نیز در ایران به ندرت دیده می شود. این سبیل نیز معنای همی مانند شفقت و مهربانی، رسد کردن،

بزرگ شدن و به تندی قد کشیدن یا مفهوم بلند قد نیز می تواند باشد. درخت سرو هم در اسلام و هم در مسیحیت بر

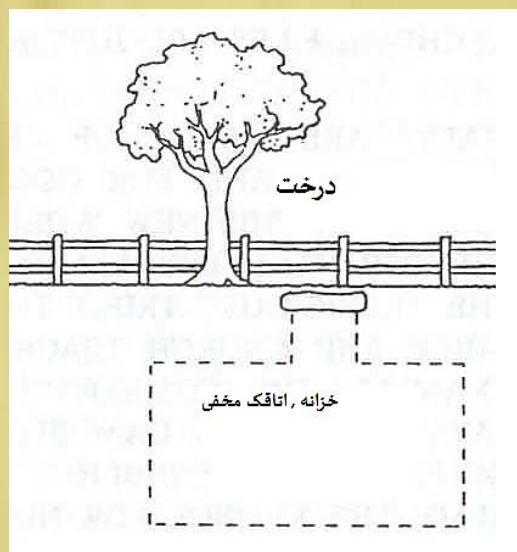
روی سنگ قبر به عنوان نام درک یا فانی بودن استفاده می شود. همچنین در اسلام وحدانیت خداوند را نادیده می کند.

شیوه اول: وجود **درخت توت کهنسال** در اطراف چشمه های آب دیده می شود، میان چشمه و درخت را معلوم

کنید و باین آن را بکاوید یک خمره سکه دوره اسلامی است.

شیوه دوم: **درخت انار** در کنار چشمه مانده می شود، ۵ گام سمت مغرب بروید و ۳ زرع آن نقطه را بکاوید،

آجری در حین حفاری پیدا شود زیر آن یک کوزه سکه است.



شیوه ۳: در منطقه ای که درخت توت کهنسال وجود دارد، سرگردن یک سنگ مربعی است زیر بار وجود دارد.

شیوه ۴: **درخت چنار کهنسال**، مقابل دو شاخه آن را بررسی کنید قبر و روزنه ای وجود دارد، در آن قبر بار وجود

خواهد داشت.



شيوه ۵: در اغلب مناطقی که **درخت کردوی** کهنه وجود دارد، پشت رودخانه سمت شمال ۲ قبر می وجود دارد و

سمت مشرق دو درخت چنار قدیم وجود دارد، پایین ۲ درخت بار وجود داشته و یک خم سکه است.

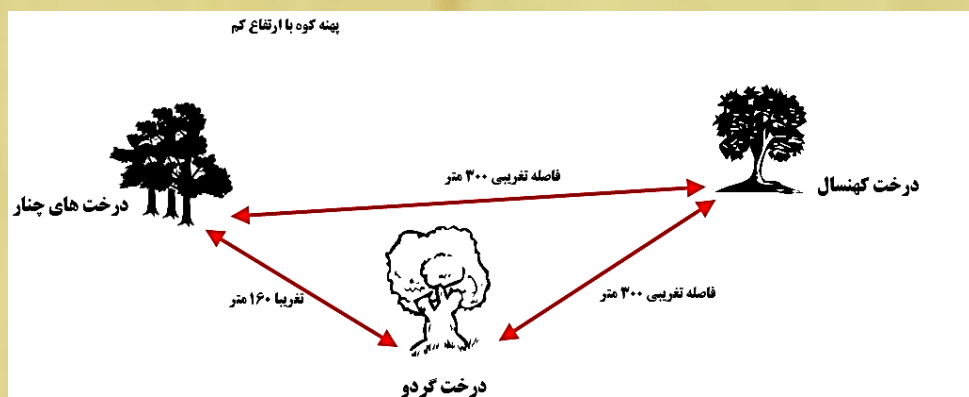
شيوه ۶: در اغلب مناطقی که با اسم "**پیر**" مشهور است درختان زیارتی داشته و یک **درخت چنار بزرگ قدیمی**

وجود دارد؛ وسط دو شاخه درخت راد نظر گرفته و به اندازه مسافت یک تیر انداز راد نظر بگیرید و سنگ خواهید

رسید که روی هم افتاده اند، زیر سنگ راد و زرع بکاوید بار وجود دارد.

شيوه ۷: درخت داغداغان جلوی امازاده با اغلب دیده می شود، پای درخت سنگی است که نشانه دارد زیر

سنگ خمره سکه بوده و عمق کاوش ۲ زرع است.



شيوه ۸: درخت چنار در نزدیکی اماکن مقدس و امازاده دیده می شود، پای درخت سمت طلوع بار دارد.

شيوه ۹: درخت سرود اماکن مقدس دیده می شود و طرف قبله زیر درخت یک خم بار دارد.

شيوه ۱۰: در اطراف درخت های قدیمی سنگ مربعی و جاری شده می باشد، زیر سنگ را ۳ ایش بکاوید

شيوه ۱۱: چنانچه دو درخت قدیمی کنار هم بوده باشد و در راستای شرق به غرب و یا شمال شرقی به جنوب غرب

باشد بسیار مهم بوده و شامی بایست به کنار درختی که به سمت مغرب یا قبله می باشد رفته و پشت به آن به سمت

درخت روبرویی گام بزرگ بردارید و جلوی دست چپ خود را به اندازه ۷ سانت و حداکثر ۱۵ متر حفاری

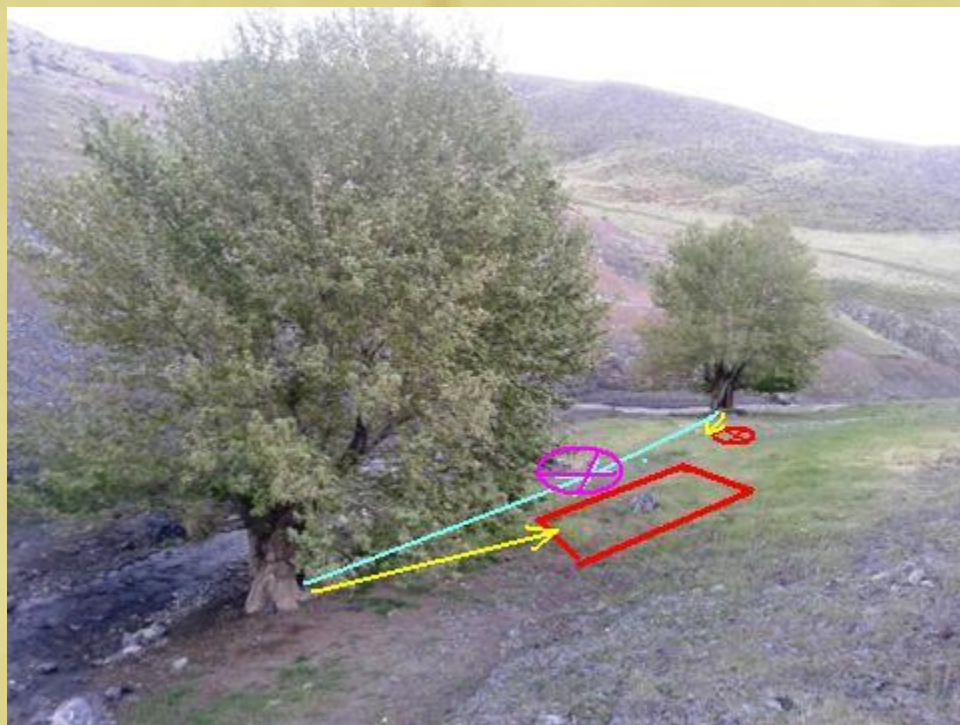
نماید که اگر دست نخورده باشد یک دفينه اسلامی شامل یک دیک، سه طلا و یک کوزه کوچک با ۱۳۵ اسکه
در زیر یک خشت در آنجا خواهید یافت که بعنوان سربار محبوب می شود.



البته اگر یکی از درختان ۷ کز با ششم فاصله داشته باشد یک قبر مهم نیز در زیر آن می باشد و گرنه در آنجا دو محل دیگر
باید بررسی شود. یکی در ست وسط حد فاصل دو درخت و نیز ۷ قدم از هر درخت به سمت قبله یا به سمت مشد

امام رضا (ع) و بهترین است ۶۰ سانت به سمت بالای سرو یا پامین پایه اندازه ۶۰ سانت به سمت پامین

حفاری گردد.



در صورت وجود چنین قبری در آنجا، شما باید یک صندوقچه حاوی کتاب و یک خنجر مرصع به همراه یک کوزه سکه

کوچک طلا بسازید.

شبهه ۱۲: اغلب در روبروی امامزاده ۵۰ قدمی آن سنگ سفید رنگ که کودی دارد یک دفینه که شامل

خنجره سکه بود دفن می کردند.

شيوه ۱۳: در اغلب دفينه های اسلامی **روبروی زیارتگاه** چشمه و روبروی چشمه ته دستی می ریتختند و بالای ته ۴

سنگ بکاری گذاشتند و دفينه را در زیر آن پنهان می کردند.

شيوه ۱۴: در اغلب ته های که بصورت دستی کار شده اند در آشنای حفاری سنگهایی ممکن است به **خط کوفی** ظاهر

شود که باید عرض کنیم یک نشانه بسیار مهم بوده و دفينه در زیر آن سنگ خواهد بود.

شيوه ۱۵: در روبروی امامزاده ۷ قدم فاصله داده به سنگ کبود رنگی که **شکل شمشیر** روی آن دارد خواهید رسید

دفينه زیر سنگ بوده و یک زرع عمق بار بوده و یک دیک است.

شيوه ۱۶: اغلب در نسخه های محراب و آستانه بعضی مساجد قدیمی نیز ذکر می شود. بنده و همکارانم **شماره از تخریب و**

حفاری در چنین اماکنی به شدت نمی کنیم زیرا اولاً بعضی جزو آثار باستانی و آثار ثبت شده ملی بوده و در ثانی

بازی با عقاید و اعتقادات مردم عزیزمان است.

شيوه ۱۷: در اغلب امامزاده اطراف آن **درخت چخاری** در نظرمی گرفتند و به فاصله ۱۹ زرع چشمه ای وجود

داشت. بار در اطراف درخت بود.

شيوه ۱۸: در بالای بعضی اما مزاده ماده ای وجود داشت که در آن ده تعدادی زانه پلمپ می کردند که روی یکدیگر

بوده و در این حالت دغینه در زانه طرف مغرب بوده و دقیقاً وسط زانه بود.

شيوه ۱۹: میان تک درخت چنار بزرگ قدیمی بید نشانه روبروی او باشد اغلب بصورت علائم حیوانی مثل

شیر شتر و... بوده و دغینه زیر نشانه دوم می باشد.

شيوه ۲۰: اغلب سایه درختان حائز اهمیت بود و در درختان کهنسال بویره درخت چنار رویت شده است

عمدتاً ۱۹ روز از عید گذشته وسط ظهر سایه چنار هر کجا که بیفتد همان مکان دغینه خواهد بود.

شيوه ۲۱: درخت داغداغان اغلب در جلوی اما مزاده ها کاشته می شود، پای درخت سنگی خواهد بود که این

علامت ۱۱۴۸ را خواهد داشت دغینه زیر سنگ می باشد.

طریقه ۲۲: اغلب در روبروی چشمه های معروف ۳ سنگی رانی گذاشته سنگ وسطی مثل سنگ صندوق بوده

اغلب نوشته خواهد داشت دغینه داخل سنگ بوده و عمدتاً چند دانه جواهرات و همراه لوحی بود.

شيوه ۲۳: در کنار بقعه یا اما مزاده ها ۳ تپه وجود داشت که ۴ درخت نارون بوده و روی هر تپه یک قبر می باشد و

دیفنه داخل قبر با بوده و خمره سکه است.

شویه ۲۴: در نزدیکی امامزاده ها سنگهایی بصورت **مصل** به هم بوده و دیفنه زیر سنگها بود.

شویه ۲۵: در امامزاده ها **درخت آزاد بزرگی** بود که رو بروی درب مشرق ۳ ارش از درخت دور تر باید فاصله

گرفته و ۲ زرع قدیم بجاوید.

شویه ۲۶: اغلب در **چشمه قفل** بالای چشمه ها سنگی به شکل صندوق بود که نشانه سینی و فنجان بصورت کنده کاری

شده بود و دیفنه که شامل جواهرات است داخل سنگ قرار داشت.

شویه ۲۷: در مناطقی که **درخت سلب** وجود دارد سمت قبله درخت ۳ قدم فاصله داده پایه زمین بنزند

صدای آناکک خواهد آمد و دیفنه در آنجا است.

طریق ۲۸: در مقابل **درخت لیس (دخیل)** ۳ قبر وجود دارد قبر وسطی را بجاوید به هدف می رسید.

شویه ۲۹: در **تک درخت آزاد همیشه** سمت قبله از اهمیت ویژه ای برخوردار است و دیفنه نقطه می تواند باشد.

شویه ۳۰: در درخت قدیمی که در کنار امامزاده های یافت می شود همیشه ۲۰ قدم فاصله داشته و اهمیت دارد و یک

سنگ مربع روی زمین خواهد بود که زیر سنگ است.

شیهه ۳۱: در **درخت چنار** که اغلب قدیمی بوده سمت مغرب از اہمیت بیشتری برخوردار است.

شیهه ۳۲: در بعضی امام زاده ہا بہ فاصلہ ۱۸ از رمی آن درخت قدیمی وجود خواهد داشت در این حالت ۳ زرع

طرف مشرق سنگ را ۲ زرع کاویدہ شود بہ دینہ خواہید رسید.

شیهه ۳۳: اغلب رودخانہ ہایی کہ بہ اسم **سفید مشور** مستند ہند ۵ قدم از چشمہ گذشتہ سمت قبلہ ۳ سنگ بالای یکدیگر

وجود خواهد داشت و دینہ زیر سنگ بودہ و خمرہ سکہ است.

شیهه ۳۴: صد قدمی امامزادہ ہا سمت مشرق را در اولویت داشتہ باشید اغلب سنگ نشانہ ہا در این فاصلہ قرار

خواہ داشت و **سنگ خوک** ہم می تواند باشد کہ ۳ سنگ تشکیل یک نشانہ را می دہد و یکی طرف مغرب بودہ

۳ قدم از سر سنگ فاصلہ گرفتہ بہ کودال و مکان تہ نشین می رسید دینہ آنجا است.

شیهه ۳۵: اغلب سر چشمہ ہا سنگی بودہ بہ فاصلہ ۵ قدم بہ سمت مغرب کہ مردم با آن چاقو تیز کردہ اند و آزار

سنگ چنق می گویند دینہ زیر سنگ می باشد.

شیره ۳۶: دو درخت مازو (درخت بلوط مخصوص جنگل های قفقاز و خزر) در اطراف اما مزاده میافت می شود.

پهلوی ۲ درخت سمت مشرق را ۴ ارش بگوید به نمره سکه می رسد.



شیره ۳۷: در اطراف بقعه های اما مزاده ها اغلب تعداد ۴ درخت شمشاد وجود خواهد داشت، وسط ۴ درخت

یک دغینه خواهد داشت.





شيوه ۳۸: در چشمه های مشورپشت چشمه **درخت توت قدیمی** در نظری گرفتند و پهلوی درخت سنگ یاه

بوده زیر سنگ یک اتاق مخفی تعبیه می کردند و دینه آن هم نیمه سنگین بود.

شيوه ۳۹: **تک درخت قدیمی** اغلب در کنار چشمه های قدیمی یافت می شود، در این حالت باید سمت مغرب

درخت را ۳۱۳ درش بجاوید. دینه آن شامل یک خمره سکه اسلامی است.

شيوه ۴۰: **تک درخت مازو** در دینه های اسلامی نیز از اولویت برخوردار است. سمت قبله درخت را دو

قدم فاصله داده و ۱۲۳ درش بجاوید.

شيوه ۴۱: اطراف امازاده ها فاصله ۷۰ کز طرف مشرق تپه کوچک ریخته شده است، تخته سنگ سیاه رنگی
باشان روی قبر بوده عمق دینه ۳ ارش بوده و یک خمره سکه است.

شيوه ۴۲: **درخت چنار بزرگ و کوچک** دکنار هم جزو نشانه ها است، از درخت بزرگ رو به قبله ۳ زرع فاصله
گرفته و همان نقطه را بکاوید. دینه شامل خمره سکه است.

طریقه ۴۳: **درخت افرا** نیز جزو درختانی است که دینه اسلامی دارد، زرد درخت یک خمره سکه است.



درخت و قبر



علامت درآمده در داخل قبر بدین شکل اگر در روی سینه علامتی باشد به این شکل به این صورت کتبه باید جنازه را برداشت و به زیر آن نفوذ کرد و احتمال ورودی یا جنس مژدگانی که زیر همان سینه قبر باشد که علامت وجود جنس در اطراف همین قبر سنگ کاسه است که داخل آن یک علامت مهم می باشد، سنگ یا قبر می رسم که ورودی اتاق یا تونل است و از آنجا وارد محل دفینه می شویم.



جای زانو



جای دو زانو باید رو به قبله و با خاک ۲۵ سانتی متر فاصله داشته باشد و برای پیدا کردن دغینه زانوها را در جای زانو گذاشته و سجده می کنیم هر کجا پیشانی به زمین برخورد کرد دغینه آنجاست و یک خمره بزرگ است.

نشانه اسب و سگ در قبرستان دیده می شود، سنگ شکل اسب و سگ دارد زیر هر یک رانج ارش بکافند

سکه محمدشاه تیموری یا کورکانی است

نشانه شمیرد بالای سینه کشی کوه دیده می شود، در ۵ قدم بالای آن سنگ سرخ مدوری وجود خواهد داشت، زیر

بهان سنگ سرخ اگر کاویده شود دغینه یک خم سکه محمودشاه وجود خواهد داشت.

دفینه های مربوط به وزیران (وزیری):



این نوع دفینه نام مربوط به وزرای مختلف در زمانهای مختلف اسلامی می باشد که در اینجا از آوردن اسم وزیر شرمند
بود فقط به نوع دفینه گذاری خواهیم پرداخت.

شیوه اول: بعضی مکانها در بعضی کوه ها که تخت است بعنوان آستانه مطرح می شود اغلب در ۴ طرف آن دفینه

کوچک می گذاشتند و دفینه اصلی یا همان وزیری سمت قبله بود.



شيوه دوم: اغلب در سردروازه قلعه هاست مشرق دوسنگ می گذاشتند به رنگ ابلق که روبرو قبله بود و یک سنگ سرخ رنگ که روبرو دره قرار می گرفت و روی آن سنگ نشانه می گذاشتند و نشانه آن ۳ الف می باشد. دفينه زیر سنگ بوده و یک خمره یا یک دیگ سکه بود. عمق کاوش اغلب ۴ متر بود.

شيوه ۳: در اغلب پل های مشهور چشمه وجود داشت، از راه شاهی (مال رو) سمت قبله روبروی چشمه سنگی سرخ و سفید بجاری گذاشتند و همان نشانه ۳ الف را روی آن بصورت حکاکی حک می کردند و دفينه را زیر سنگ پنهان می کردند.

شيوه ۴: اغلب در قلعه های کبری از دب اصلی قلعه که دروازه نیز بود ۲ سنگ در نظری گرفتند بالای قلعه که روبرو دب قلعه است روی سنگ نشانه و علامت قوه جوش بصورت کنده کاری می ساختند و دفينه را زیر آن قرار می دادند.

شيوه ۵: در نزدیک رودخانه های قدیمی تک درخت چنار را بعنوان شاخص در نظری گرفتند، سمت مشرق درخت را به فاصله ۳ کام فاصله داده و یک سنگ که شکل خرگوش بود می ساختند و در آن نقطه قرار می دادند.

دیفنه زیر همان سنگ بوده و یک خمره سکه است.

شبهه ۶: نشانه نعل، اغلب در سرچشمه بارویت می شود و اگر یک زرع زیر سنگ کاویده شود به دیفنه نشان

که یک کوزه سکه بوده و امانت وزیر می باشد می رسد.

شبهه ۷: اغلب دیفنه شترسنگ زیر آن بوده و یاده قدم طرف قبله را فاصله کذفته و ۳ ارش آنجا را بجاوید یک

دیک امانت وزیر است یا پهلوی شتر را روبرو قبله ۳ ارش بجاوند دیفنه خوبی دارد.

شبهه ۸: نشانه ۴ الف و ۳ میم، این نشانه روی سنگ سیاه سر راه آبادی با و مالروهای قدیمی دیده می شود، اگر

هفت ارش زیر سنگ کاویده شود به دیفنه آن که امانت وزیر است خواهید رسید.

روایت گنج اسلامی و قبل اسلام:

از عجایب اسکندریه، مناره‌های دیگر است که پامین این مناره، سنگی است مربع، تراشیده شده. در بالای این مناره،

مناره دیگر، مشمن گذاشته اند و در بالای این مناره مشمن، مناره مدوری گذاشته اند. طول مناره اول، نود ذراع

است و طول مناره مشمن نیز، نود ذراع است. و در بالای مناره، آینه ای است و مومکلان در آن بالانشته اند

و به آن آینه نگاه میکنند. خاصیت آن آینه، آن است که اگر لشکری از ولایت روم در کشتیا نشسته به طرف

اسکندریه آیند، موکلان در آینه آن کشتیها را دیده، اهل اسکندریه را خبردار میمانند تا مستعد جنگ و قتال گردانند این آینه تا زمان خلافت ولید بن عبدالملک بن مروان باقی بود و پادشاه روم، حمله نموده، آن آینه با آن منار خراب نمود. تفصیل حمله آن است که شخصی از بزرگان روم را به سرحد اسلام فرستاد و آن شخص به اسلام چنان نمود که من از ملک روم گریختام. اهل اسلام او را پیش ولید بردند و دست ولید مسلمان شد.

بعضی از دفاین پادشاه روم را که در زمین شام بود بیرون آورده به ولید داد و به این جهت در پیش ولید مقرب و معتمد گردید. پس از مدتی به ولید معروض داشت که چون اسکندر بر ملوک مصر و شام مستولی شد و خزاین شادابه دست او رسید او را در زمین اسکندریه در میان سردابها مدفون ساخت و در بالای آن سردابها، مناری را که آینه در بالای او نصب نموده، ساخته است.

ولید به طمع مال، حکم به تخریب مناره و آینه نمود. شخص رومی چون آینه را خراب و مناره را نصف مهندم نمود، در شبی از شهابها، سوار کشتی که آماده ساخته بود، شده فرار به ولایت روم نمود. و این مناره در زمان، قلعه ای است عالی مشرف به دریا، میانه این مناره تا دریا یک میدان اسب راه است. و در این مناره و حصن، پله ای وسیع

هست که سوار بانیزه تواند بالارفت. در بعضی از جاها این پلهارا مستقیماً به یک پارچه سنگ کرده اند و به پهلوهای سنگی که در مناره است جاداده و استوار نموده اند. از آنجا، باز به طبقه دیگر بالا میروند. در وسط این مناره، قبه ای لطیف ساخته شده برای دیدن همان و مستحفظ.

روایت شده، چون عبدالعزیز بن مروان حاکم ولایت مصر شد، مشایخ آن ولایت را جمع نموده گفت: میخواهیم که اسکندریه را چنانکه سابق بوده آباد نمایم؛ شابه قوت و مردمان به من اعانت نماید و من به دادن مال شما اعانت مینمایم. پس، مردمان مصر از او، مهلت طلبیده به قبرستان قدیمی رفتند و کله آدمی بیرون آورده، بالای عراده گذاشته، پیش عبدالعزیز آوردند و دزدانی از دزدانهای آن کله را کشیدند. با وجود آنکه پوسیده و خراب شده بود، ده رطل - که دو من و نیم تریز تخمیناً باشد - سنگینی آن دزدان بود. پس، مردم مصر به عبدالعزیز حاکم خود گفتند که اگر چنین اشخاص قوی جثه ای پیدا شوند، شهر اسکندریه را به حالت و عمارت قدیم توان ساخت.

گنج فارس:

در جان یاد آن گذشت. اصطخری میافزاید خالص آن را - مومیا را - به شیراز ببرد و آن جایگاه را بشویند و با آن آب شسته شده خمیر سازد و با خمیر باقیمانده در آن، چیزی سازد و بعنوان اینکه مومیا است، بیرون ببرد. پس آن خمیری که در دست مردم میبینی از این است و خالص آن، جز در کنجینه های پادشاهان، یافت نشود

گنج رومیان:

چون دین اسلام قوت گرفت و مسلمانان در محاربه مظفر شدند و شهری گرفت لشکر اسلام هرزخمی که میزنند کارگر می آید و بیج زخم تیغ و تیر و تبر بر ایشان اثر نمی کند، رعبی و ترسی هرچه تمام تر بر اهل روم افتاد و هرچه از زرو سیم بود، جمله را دینیه ساختند و کجنامه با نوشتند و به قطنیه رفتند که شهری بغایت بزرگ است و نعمت فراوان دارد و از ملک عرب دورتر، در ساحل دریا و آن کجنامه باراد صندوقی محفوظ و جمع کرد و غالب خداوندان اموال و دفاین غایب و متفرق شدند یا بمر دنیا وقف دیر قطنیه کردند و این زمان هر که یک سال خدمت آن دیر کند، بعد از یک سال، اجرت او آن باشد که در صندوق بکشایند و کجنامه بیرون آورند و بینند که خداست و

در کجاست، به آن کس دهند و این معنی شرفی دارد.

در روم مومیائی بشری که آدمی مرده را در گور به میان عمل نهاده اند، بسیار میابند و در شهرها و ولایتهای مصر از قبور

قدما همچون فراوان باشد و این زمان بعضی اسلامیان در مصر و بغداد هستند که وصیت میکنند که ماراد میان عمل

دفن کنید تا مومیائی شویم تا راحت مردان باشد که رنجورند از آن بهتر است که در خاک پوشیده و کنیده شویم و

کرم در تن ما نقد و پوسیم.

گنج شاه نعمت الله:

سنگی دیگر است در میان دره، در کنار راهی که به گردنه شهر ساند موسوم به توی و سرکان می رود. آن سنگ را

ترشیده اند و عمقی در آن سنگ قرار داده اند و در آن عمق، چند سطر خط به حروف مقطعه نوشته شده و حریمیک از

آن حروف به صورت پیکان است و بسیار قدیمی است و حال در روی زمین در میچک از طوایف مختلف،

خطی به این اسلوب نمیشد و در ابیه قدیم نیز میچکس بدین سان خط سراغ نمیدهد مگر در کرمان در بالای سنگی که در

شاه نعمه الله گذاشته شده. و در این عصر، این سنگ بهمان موسوم «گنج نامه» مقبره است.

گنج قوم عاد و حضرت سلیمان:

در زمین عاد دو قصر باقی است. و چنان گویند که چون معاویه، عبدالرحمن بن حکم را بروایت یمن والی ساخت،

خبر آن دو قصر را به او گفتند و چنان مذکور ساختند که گویا کنجی در میان قصر پنهان است. عبدالرحمن را دیک

طمع به جوش آمده، با صد سوار، عازم تماشای آن دو قصر شد. چون، نزدیک دیار رسید، زمینی شورخزار و آثار چاه

عارات قدیمه بسیار و قصری متین از سنگ دید که دکنار دیار ساختند و در سنگی از آن قصر، ایاتی چند به عربی

مکتوب شده بود.

ز قصر اول تماشای قصر ثانی رفته او بین آنها چهار فرسخ مسافت بود. در حوالی آن قصر نیز آثار آبادی دید و

آب دریا قری از آن قصر را گرفته بود. در سنگی از آن قصر، ایات مکتوب بود.

گفته اند که عبدالرحمن بن حکم پس از تماشای قصر، به جایی که خزینه و کنج نشان میدادند رفته، خواص برای بیرون

آوردن خزینه به دیار ساخت و کوزه های مسی که دهن او را با مس گرفته بودند، بیرون آورد. سنگی مانند که در میان

آن کوزه، مال است.

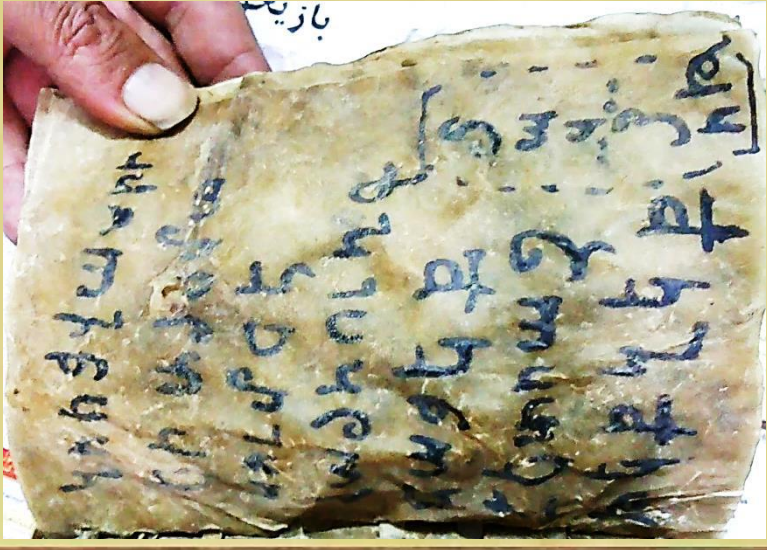
کوزه‌های بسیار به این طریق از دیاسیرون آوردند. سرکبی از کوزه‌ها را باز نمودند. جنی از میان آن کوزه‌های سیرون آمد و گفت: ای پسر آدم، تا کی ما را حبس مینایی؟! راوی نقل کند که ما را تعجب از این حال پیدا آمد. نگاهم لافظ نمودیم که سیاهی عظیمی از جزیره که قریب به ساحل بود، پیدا شد و خود را به آب دریا زدند. و همه بر ما غلبه کردند و منظر شدیم تا حقیقت معلوم شود. نگاه دیدیم که میمون بسیاری، از میان دیاسیرون آمدند و یک میمون بسیار بزرگی که در گردش لوحی از آه‌ن بود، پیش آمده، لوح را به دودست خود گرفته، به ما نمود. و آن میمونها فرغ و جزع بسیار کردند. چون به لوح نگاه نمودیم، دیدیم که به خط سریانی نوشته‌اند به این مضمون که: این نوشته‌ای است از سلیمان بن داود - علیه السلام - برد میمونهایی که در این جزیره ساکنند و امان داده‌ام من این میمونها را از هراس و جنی، و حکم نموده‌ام که مستحفظ شیاطینی باشند که در کوزه‌ها ای مسینه محبوبس نموده‌ام و به دریا انداخته‌ام و هر که اذیت کند این میمونها را من از او، بری میباشم.

راوی گوید که عبدالرحمن خواست که این لوح را از آن میمون گرفته، برای معاویه به شام فرستد. چون میمونها این معنی را یافتند، به کردما، در آمده صداهای هولناک نمودند. بر عبدالرحمن و یاران، ترس غالب شده، لوح را رد نمودند و میمونها به جزیره خود رفتند و عبدالرحمن معاودت نمود.

ذکر جایی که دفينه باشد و علایم مربوطه (از نسخه خطی لندن):

پادشاه نازشاید بجای آورد ندی و برخی ازان درین مختصر گویم در ذکر جای
 که **دفينه** باشد زمینی که در و کجی مایدفينه باشد آنگاه برف پیا پید و بگذارد و چون
 زمینی فوای مایند و اندران زمین سرعے رسته بود بد آنکه آنگاه دفينه است و چون
 شش گنجه پیند یا شش خاوه جان بدان که که از آبدانی دور باشد بدانند که آنگاه
 دفينه است و چون زمین سوزده ناک مایند و دران بقدریک پوست کا و خاک خوش آیند
 بدانند که آنگاه دفينه است و چون انبوی کرپان پیند بی آنکه حروری باشد
 بدانند که آنگاه دفينه است و چون تیز و یاد دران چچایک فرو آیند و نشانی
 کند البته دفينه باشد و چون از جلاش نهایی درختی یکی بلند شد و بجای تو خود
 بدانند که در آنگاه دفينه است و سرکه زر را بی آنکه در ظرف مسین کند یا خمره یاد آنگاه
 همچنان در زمین پنهان کند چون بعد از سالی بر سر آن رود زر را پیدار کند که بر آید
 بزرده باشد بلکه بر زمین فرو رفته باشد از بهر آنکه زر که است سرور و تر میرود
 کتاب رسد و اندر قوت زر حکایت بسیار است و اسد اعلم **حکایت** آورده اند
 که روزی بجای پسر شاه انوشیروان عادل را بی تراشید گفت ای خدا ایگان عالم
 دختر خود را بزنسے بمن ده تا من دل ترا از حقیر فارغ کردم و انم نوشیروان با تو گفت
 که این مردک دیوانه شده است لیکن از تم هیچ جواب نداد جام موی برداشت و رفت
 پادشاه بوزهر را بخواند و این حال را با وی بگفت بوزهر بمس جو نمود تا جام را
 آورد و نزد دراهمان موضع گفت موی پسر مرا بردار چون موی سر بوزهر را جو است
 بردارد گفت خدا یکا ترا بکوی تا دختر خود را بمن دهد بوزهر از تم گفت چنین کنم
 بوزهر پادشاه را گفت که نوبت دیگر در محل دیگر پسر خود را بده که موی بردارد
 چنان کردند جام مسیح بگفت بس بوزهر جو نمود تا آن موضع که جام مای بران داشت
 بگنند چندان مال و گنج یافتند که نهایت آنرا بخر خدا ی از وصل کسی نداشت و از وی

و اثروری بر آن کج که از اسنند اسلاز کوند و آزادوسه بود و دو
 جمل عظیم بوزرجه بر فرمود که آن اثرور اشته آن کج را مقرف شدند و
 بوزرجه با نوشه وان گفت که ای خداوند این وصف را جام می گفت کن
 کج زمیگفت و صورت آن کج و آن اثرور و جام است و اسد است



المرکبات دس نیے عجایب الصور المنقوشة المنقورة و صفت و

ہر ایک دراصل صورتیں بسیار کردہ انداز بہر مواعظاً تا از ان صورت کہ نہر جنانکہ شمار
صورت بشید ز کرد از سنگ کسریے آن بدید بکرت سبب کہ تہ را رسید بکرت
این صورت ہر آہن میدہ کہ تو آب تو بسیار آید جنانکہ من و محسن حرکات
شوید تا بہ انکہ صورت ساختن و است و لیکن در لسانا اثر کند اسپندہ را از شد
کہ از سطح اسیس را بہ چند میان ایشان مسافتی بود و در ہر نمود تا صورت ویرانگاشند
در صورت اول نگاہ کہ عویسے از وی بدید پیغام و نشاند و در اکہ این پیغام جا رہ
باز او جواب و نشاند کہ عویسے من از پیغام است کہ چنان تر خط است تر از نظر
آب آئینہ اند در میان صد بلا و آخر ہم مرگ و فحاش ہونود تا صورت اسپندہ
کشید نہ در چشم او حولی و دید پیغام و نشاند کہ چرا چشم خود را جا رہ و بخی تا حول برود
جواب داد کہ حول من از بسیاری نظر کردنت در کتابا و خواندن تو عطا اگر فرما سیے
دست از انجا ہر ارم جواب و نشاند کہ دانی با حول بہ از نیکی با جہالت و گویند
کہ ملک عجم مصوری و در اجری را بنوشتا و بجاز و ہونود تا صورت پنسر را اصلی اید علیہ و آہ
بکنند و جری بر بندند و در آہنہ و ہند و چون باز کردید نہ ملک عجم را جری گفت کہ جہنم
زدی گفت سچ نیافتم مصور صورت سپہر را صہ ہونود ملک عجم صورت ویرا بر باشنہ
و در آن تامل میکرد و جری گفت ای ملک کار خشد بالا کہ گفت سچ نیافتی این رنگا
میکوی گفت اینجا کہ صورت او را بر بالین نہادی کار او بالاکیم و در جان بود کہ او گفت
و نہر صورت البانیا رصلا تہ علیہم شئی گفت کہ

بابکر
مار با جمع کثیر
ملک روم فرستاد برسولی چون ماہ در قردی رسیدیم پختہ بختیم ملک کس فرستادہ
مار بعقر برد و ما با اسپننا کہ بعد از دو ماہ مارا اجازت دخول دادند و در حایسے
با ما گفت کہ آن بر کلمہ بود کہ شاکت مید گفتیم اسد اگر گفت این کلمہ جفا مید کند گفتیم شایسے

آرزو کار است گفت هر جا که شما این کلمه را بگویید دستف خانها شکافته شود و گفتیم
 چگونه گفت آرزو که شما این کلمه بگفتید سقف ایوان من شکافته شد گفتیم در وقت
 باشکافه اما خانه دشمنان را بشکافد رسید که رسول شما احمد است گفتیم بی
 صدوقی هر آنچه دوران درجه بسیار در یک کبکشت دو بار چهره چری بنویسد بر آن صورت
 پرسید که این صورت کیت گفتیم صورت آدم صفتی علیه السلام و بعد از آن از سر در پیک
 صورت یکی از بسیار اسپرنی آورد و تا چهره چری بنویسد بر آن صورت حضرت سمنه ماضی علیه
 السلام و آرد پس ما چون صورت آن حضرت را بدیدیم کتیر گفتیم و گفتیم که این صورت پیغمبر است
 که این صورت تبار ادا نیال پیغمبر علیه السلام بگذاشته و حق ایمان بر آن درده ام و لیکن از آن تبار
 و ما را احترام قام باز کرد ایند بامکه و تنظیمه مید انیت و برگرد آن حصا حصین و در آنجا صورت
 کرده اند یکی دو انگشت بر کوشش خود نموده و آن بلال است که آذان میکوید و صورت حضرت
 پیغمبر ماضی علیه السلام و آرد پس ما که ایند که هر که از این صورت عضوی جدا شود و در عالم عالم تبار
 کرده و اگر عضوی دیگر جدا شود جهان عالم فنا شود و در سر آن صورت دیگر کرده اند
 سوره و در دست و بر آردی زده و بادی در او کتیر گویند که آن صورت علی بن ابی طالب است



و اهل تطنین آن خانه را نگاه و از دنیا حلقی بر آن نرسد و سالم بن عبد الله که بدین
 نامی انجام رسید آهنگی بر آن صورت زد و از دنیا تائب و خانه برگزید و دست
 هزار آردی مرده از زیر کل سپردن آوردند و پس آن خانه را حایلی کرده اند و بنام
 که کس بر آن نرسد و اهل تطنین گویند که عالم معمور در کف حایت است که اگر
 بگذریم که صورت را بشکند عالم حجاب کرد و او اندام البواب و پنجم المای
فصل نهم صورت النزهه و ما فضلی دیگر مایه کنیم در صورتهای خوبه که در طایفه کاروان
 تا بدانی که پروردگار کند کارها الهام کرده که چنین حسین کند و تو از آن قدرت خلق
 نه از قدرت مخلوق بنا کند کجاست نه از تم پنی بلکه از کاتب دانی و العلم عند الله
فصل دهم که در صورتها کرده اند و بعضی را پرستینند و سبب آن بود که جوانی است
 علیه السلام با سنان رفت و میراث کردی بود از آنده و خزان دی تمثالی پخت
 بر صورت او پس پیغمبر از او پرسید و بر پیش نهاد و هر روز ویرا سجده کردی جوان دنیا
 رحلت کرد که آن دی بر آن سنت رفتند و بر آن قرار گرفته کارهای عظیم در جهان
 از چهره عظیم پیدا شود **حکایت** گویند که بر دژ کارس و نارسیدم دی باید دستوری
 خواست که پانصد من عود دارم و میخواهم که در کعبه سوزانم هر دن خوشدل شده
 بروی شناخت امام محمد بن ادریس العشاء حاضر بود گفت لا کراهه گفت هر گز
 اسبالم با صد من عود سوزد سال دیگر چهار صد من و سال دیگر سیصد من تا یک
 روز کار بر آید در آن گویند که آتش خانه بود و چون آتشید را این سخن توب آمده آن سخن
 را گرفت و تقصیر احوال دی کرد و جوی بود آتش پرست ویرا ملک کردند و الله اعلم بالصواب
صورت دهم در صورتی که در آن استاده و دست بر دهنده
 چون قط شود که در آن انجام دهند و آب طلبند آن صورت دست از دهن بردارد
 آبی عظیم خیزد از دهن وی و صحرا پر از آب کرد و در کس که بشقاعت آمده و دست از دهن

برداشتند ملک را بوی دمنده پس از وی یوزند وی تا نقطه دیگر آمد تا که اجابت یافتند

صوت بنید در سندان صورتی
کرده اند و دست در هوا کرده اند
و این وی آب بخواه می آید یک
تیر پرتابی بالای آید و بعد از آن بر آن
بست میریزد و در عرض جیب میشوید
رصاص اهل آن شهر دیدار او را خسته
دارند و آن صورت است صوت



اندیشه در کعبه المهدی که دید بانه پس چون
دیدم پسین رسم کوی نناده بر یک قدم
استاده و دست ببرد داشته در بر میا
دو چشم وی نوشته اند که ازین پیشتر هر که
راه نیست و آن صورت است صوت

صورت بنید در سندان خانه است پس بکن
از آن صورتی کرده اند که یک دست بر روی
خود نهاده و دست دیگر در هوا داشته
هر که خواهد که روی او را پسندد چه
در آن دست او که در هواست بنده
تا او دست از روی پیش او تو بردار و در دگر
پری نشسته آن دگر را بردارد صورت



صورت پر جانی است کفایت پرورند
 کمر با دو نه ماه دیگر تا یک باشد و
 در آنجا ضعیف ساخته اند برستان رسته
 دو براد و بستان بزرگ بود چهار را آنجا
 بر نه تا دست برستان او نمند قطره شیر از
 بستان او بگلد و چون چهار آنرا بخورد خوش
 یا بد و چاری از وی زایل گردد و اگر شیر بگلد آن چار میرد پس چار ها چای و صیت کند از صیت

صورت او سید از دم صورت دختر پشتم
 که می شوی که بد اشک خود را باستین پاک
 میکند و خسان را استخوان میکند و گویند که فلان دختر
 صیت زده است بر دم مکر او را در خوش کنی
 زین باوی سکوید بسیاری و سودی میزند او
 پروان می آید و میگوید که با او کهن سودی ندارد و صیت

صورت بگنشا که گمانش مان صورتی که در سبک
 بر سر چشمه که آب از زمین صورت ای در کلاه
 آن صورت را سید از ند آب باز ایستند و چون
 صورت را راست بگردد از ند آب روانه
 کرد و در سر کلاه که آن صورت سینه دختران
 بگردن آن را راست کند و آب عظیم از زیر
 آن پروان اندر روانه شود صورت است



صورت مهر در سامان مهر علی ساخته اند و بر
 آن صورت زنی نشسته و با کشت اشارت
 بر راه میکند اگر مرغی بر سر وی بشنود پریای
 وی بسوزد و بریزد بر آفت مردم که از آنجا گذرند
 از آن بردارند این میل را با بارفت بر سر نقاط
 نصب کردند که آتش بجای آید و در مرغان پیوندد



در مند و ستان شهرت که از آن
 کلبه خوانند در آنجا عیودیت بر زبان صورت
 بطی ساخته اند با لباک شده و گردن از
 کرده هرگاه که در ماه محرم شود چسب است
 در زیر آن عیود آن بطی هم آب آن چسب را با
 خورده و در سر خود و صورت در آن سوراخ

ریزد و سال دیگر از آن شود و هر کجا که این **صورت** باشد باری که هیت در آن که صورت
 آب کفایت بود صورت اینست **پن** که سفید است از سنگ مرکا که کمی نشسته شود و با

رود و درین برهمن آن کو سفید نند و درین کو سفید
 آب روان شود تا او سیراب شود صورت اینست



صورت **بمندهستان** گویت بران صورت دو شیر کرده اند از دهن مرد آب روان شده و در شهر در اجنات از آن آب سرد و آبادان باشد تا حضرت افغان و دهن یک شیر را بشکشد آب وی باز ایستاد و دهن و پیر از روز که دهن آب نداد و آن شهر و بران بماند و آن صورت اینست



صورت **قرون** بقرون خانه کرده اند پس کین و نخه از فزوه در آن صورت چینیان چینیان کرده اند از جلد چهار صورت نگاشته دست در دست یکدیگر نماد و یکدیگر سخن میگویند نامعلوم و ایشان جانمند و گویانند و پس علت از آنند این صورت

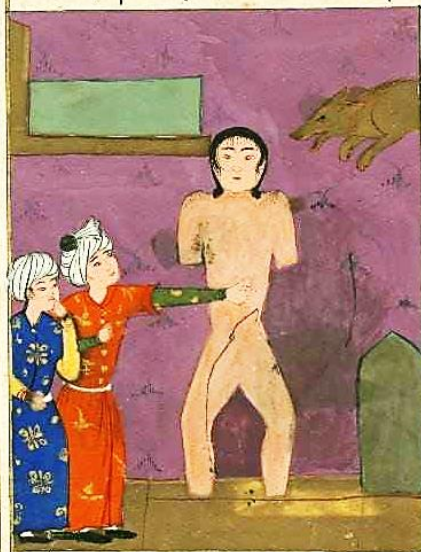


این معنی در کتبه آمد از صورت و فایده این است که بدانی که حضرت حج چنانه و تقالی آدی را آفریده که بجایست چنین صورتها و اند کردن و اگر این جلد را راست نقل کرده اند از صغیر آوند کار بود و اگر درون گفتند ما را بر این برهان بنویسند آنچه گفتند نقل کرده ایم و الهی شکره علی را وی لا یعلم الغیب الا الله

فضل سے ذکر البصیر و عجیب الامور ازین یاد کنیم بقول ابن سیرین
 در آفاق تا دوران اندیش کند و بدانند که عاقبت ایشان بود و چنانکه گویند
 الام اللحد والترس از یحیی بن یسار بر سیدند که بهترین موعظان است که ام است گفت
 این لطیف الطفا الی مقبر الاموات گفت بهترین موعظان است که در کورمانگرند
 و ما اول کوری که یاد کنیم اینست که مذکور شد در قدح حضرت آدم ^{علیه السلام} که حضرت آدم صغیر
 در ولایت سرانند بیست و پنج در بر و بی در بر و در یابین وی در خستیدگی که چای و را
 و در دو ماهیان که دوی طواف میکند چهل ارش است و آن بی که در شکی است که در
 نرسد که در جای بلند و منبسط است و اگر حیوانی در کوروی لغت در حال پشیم شود
 و بقعر دریا فرود و حضرت آدم علیه السلام روی بشرت کرده است و پستی بر زمین
 و دستی در زیر ناف و این نژاد است بدان میکنند که زبان و نسن خود را نگویند
 و در جزیره است که حضرت آدم علیه السلام روزی نشسته بود و از نوزندان وی طفل
 پای بر پهلوی آدم نهاد و چون زردبان برآمد یکی گفت یا آدم این طفل با من
 میکند و تو نگاه میکنی گفت من چه می یارم گفت که من از یک حرکت که کردم ملک بهشت
 در سر آن کردم می پرستم که اگر بخنی بگویم و بال من شود و بدانند در ایامی سرانند
 است بسیار و بر سر قبر حضرت آدم در خست بزرگ بار او عاقبت را نماند و از
 برکت مانده باران صد متر قطر و زلال چکله بر سه کور او متواتر پس بر کور او
 نماند رفیق و آن تاب حج میکرد و در مصنفان اهل سرانند از آن تاب سحر نماند و کرد
 بر کور وی صد و نماند و اند و حطر نماند و اند و مصنفان نشسته از مسلمانان و کافر
 و جود و نصاری و هند و کرد آن بگرد زرد که سر نماند که گردان کرده بر نماند شود
 و در صومعه نشیند و لذت دنیا بر وی حرام کرده تا عمیر و این کور برب در بیست
 ارشمان که در قاف و از پان طلاست و از پان عالم و اند نماند علم

در صفت حضرت داود علیه السلام که حضرت داود علیه السلام به بیت المقدس است نزدیک
 که حضرت ابراهیم علیه السلام و از صغیر و داود علیه السلام بوی مشک می آید و سبب
 آن بود که داود علیه السلام ملکی داشت عظیم چون عسری یا هر چه رسد ملک الموت آمد
 بصورت مردی و بازن داود شسته سخن میگفت مادر سلیمان علیه السلام گفت شوهر
 من بخیر است دور شو تا که داود در رسید ملک الموت بگوشه تخت وی رفت و مردم
 گفت اینجا هر کار در اری ملک الموت گفت که ترا بد آمد که بازن تو سخن کردم گفت
 گفت بر اورت را نیز سخت آمد که تو زن اورا بچو هستی و من ملک الموت و داود گفت استغفا
 کردم و کنم از کتبی که بدر مرگ از آن طاعت نام ملک جان دی برداشت اورا در کور
 نهد و ند اهل ملک زاری کردند و سلیمان علیه السلام که کز از فرمود که با لهارش دهند
 تا آفتاب را باز درازند و مشک افشانند در آن محراب را از مشک شد و هنوز از آن محراب
 بوی مشک می آید و بعد از آن حضرت ابراهیم علیه السلام اما که حضرت ابراهیم علیه السلام
 به بیت المقدس است وقت فوت ملک الموت پیش وی آمد بصورت مردی خیف ابراهیم
 و بر اطمینان داشت وی طعام میخورد و بخت از زمان وی بخت از سپری و پستی ابراهیم
 علیه السلام گفت عمر تو چند است گفت عمر تو چند است گفت فلان و ده سال عمری زیاد
 از عمر ابراهیم بود علیه السلام ابراهیم گفت ای جان من بستان ملک الموت را بفرست تا جان
 مرا بردارد تا بنحسین برنگردم که خاز و ذلیل شوم آن پر گفت انا ملک الموت ابراهیم
 گفت صدقت که من از خدای تعالی خواسته بودم که مرا از نکانی دهد گفت ترا فرستادم
 تا ملک الموت را بدی از من درخواست کنی پس جان وی بستند و هو القادر علی شئ
 حق حضرت موسی علیه السلام اما که موسی علیه السلام را پس بنید اند که در جاست بوس مرگ حضرت
 کاره نبودی که موسی حضرت حق سبحانه و تعالی فرمود که یا موسی من حکم کرده ام که بر خلق
 بمیرند اگر خواهی مرا از پال مردم اما فرست بوس ملک الموت آمد و گفت جان من

از کجا بستانی گفت از دهن گفت تو ریت از جهت آن خوانده ام گفت از کوشش گفت
کلام حق تعالی بیرون شده ام گفت شراب خوردن گفت نه گفت بوی دهن ترا بشنوم
گفت شاید ملک الموت دهن بر دهن حضرت موسی نماند جان وی بر کشید حضرت
موسی را صد و شصت سال عمر بود و الله اعلم **ذکر مرقد پوهان** در سنه ۶۰۰ یونان مخزن است
بر بزرگ و شخصی جانیه بر سپر پوشیده کس نداند که آن کیت خیزند از پال است که در آن مخزن
نخفته است مردم آن ولایت بزیرت روزند بعضی گویند که سپهری بوده که با دیو جنگ کرده
و هلاک شده و الله اعلم **مخزن عظیم** در بلاد هند کوزیت عظیم در آن مردی خندانکس بر پاستان
و هر دو دست وی ازین افتاده بر تن سوی بسیار است دست بر شکم وی زین
بانگ طبل کند و دو سپر بر روی یک قبضه شمشیر در پهلوی و نموده در کسکه از دور قصد
و آرد و غنیمت آنده آورده و کس علت آنرا نداند چرا آنرا نیک کار عالم و نیکس نداند که



آن کیت **مخزن عظیم** ملک مشرق
در مملکت خود کوری دید بر این
خفته بود که در دزدان او را بر
دو شتر نمانده بگنجینه دست
فلیقه نامه نوشت و دستاورد
ای کا زبر تیس از فزایی که بچین
ادی خلق کند و باز هلاک کند
مخزن در حدود بر بزاز است
و در آن شخصی خوابده مانند
در شیخه و هر دست اماند استونی
دست بر سر خود نموده سر کتبی
دین خاندان دست او زین کرد و در هر جا که با سپه اشو به نیک

آن کو راجا بر بند و با از آنجا بر طرف شود و پنجکس میزند آنکه آن کیت مشیر شد اعداد
 کوری میزند در حضورت و خانه از سنگ تراشیده در آنجا دو سر بر زمین بر بی شمشیر
 عادی خسته و بر سر او بوی عظیم بنماید و بر آن نوشته **مشیر** است اینها المنور و با لیم المنور
 انان شد او بن عاصی صاحب القهر المشیر **مشیر** و آن آورده اند که چون نوشیر و آن کافان
 مامون خلیفه بگذشت نشست همیشه علامت را حاضر کردی و قضایا دست کعبه سیه عالم را ازین
 پرسیدی و انبای گفت که نوشیر و آن عادل ایوانی ساخته است بدین کس از
 ویران خواند کردن وی آنجا آمد تا به چندی که چهرنی شگفتی است دیدم وی پری را پسید
 این بویان را که پخته گفت نوشیر و آن دهن کو رو بر او نام که در کبات و بر ابر
 بود و شود و بگو سیه بر شد درازی وی رخ در سنگ و در آنجا غاری و در آن غار سر بر زمین
 نهاد و در بر سر آن سر بر نوشیر و آن عادل را خوابانید و تا بی ممکن بجا بر سر وی نهاد
 و اندام و پیرامشک و غیره بویهای خوشش اندود تا تا ه نشود و چون مامون و بر اید
 کبریت موی تا گوش و پیرا سفید دید و عصاب زین بر پیشانی او بسته و در نوشته که دنیا کس
 خاند



و کشته می دید بر آن نوشته که انگار که همه کیتی تراشید چون گاه زلف آمد ترا به سود که بر پیشانی شود

/ ن -

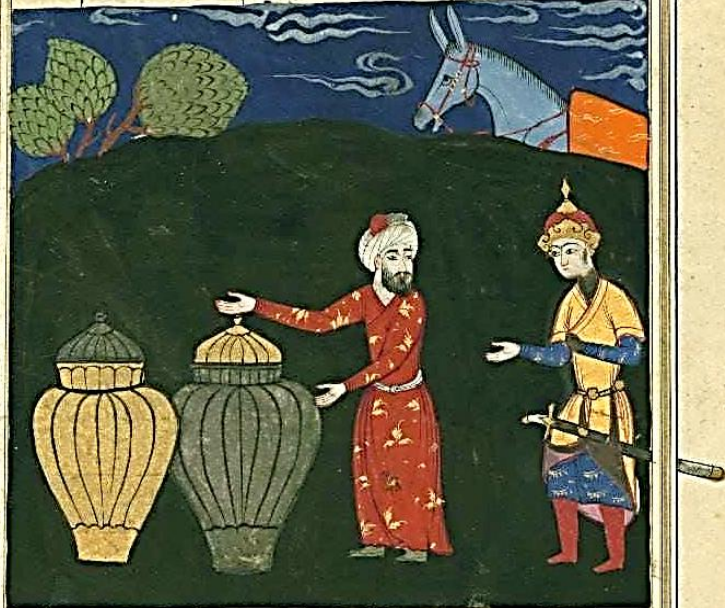
و بر امیری پس از وفات من ملکی آید ماضی ماوی باشد که درین مذهب چنانی کند
 مامون سرون آمده تخلص کرد و خادمی انگشتری بر گرفته بود و از وی بستد
 بران نوشته بود هر که امالی نه کارانی نه سرگرا زن نه کد خدا میسه نه سرگرا
 فرزند نه شادمانی نه سرگرا این سرپه نه هیچ نمند و امد اعلم و العلم عندا
 در ذکر کجنا و یاقین **بر آنکه کجنتی عالم کجین و راسلم شد بکلمه آنکه جام کجی**
 منای بدست او افتاد و سبب آن بود که تخلصی در صحرا بم تدرست در آمد از دریا
 محیط جانوی سرون آمد بصورت کا و بجای سیاه و لعلی در دهن داشت از دهن
 سرون نمانده در روشنی آن چرا میگرد و آن تخلص گفت که من علاجی پارم که این
 لعل ازین جانور بستم نبت دیگر باره کل هم رسانیده در عقب سنگی پنهان شد
 چون آن جانور از دریا سپردن بقاعده خود لعل را بر زمین نهاد و بجای استخوانی تخلص



از عقب سنگ سرون آمده آن کل را بر بالای آن لعل نهادت عالم تارک شد آن جانور

با اضطراب تمام در آب رفت آن شخص آن لعل را برداشته پیش کشید و او در چون در آن
 هفت تسلیم عالم را در آن دید و ملوک و بارگاه ایشان بالسر بادمازا
 و مردم کجا میسر شد و از کجا می آمدند و فریاد و گنجینا در کجا است و در شرف و زور
 یکسان بود و چون مطلع شد بر اسباب ملوک و مقاصد و طرق ایشان نگاه
 بر جا فریاد بود برداشت تا فر این عالم او را همه حاصل شد بعضی گویند که
 این جام از آسمان آمد بعضی گویند که کبیر و سکیانست بعضی گویند که گنجینه
 است و از اسباب فرعون است گنجینه و از اسباب را در آب هلاک کرد کسی
 نداند که گنجینه و کجا مرد فنا گنجینه و کجا کرد است بدست اسکندر افتاد **حکایت**
 مرد در ویستی بدیوان اسکندر آمد و سر روز خفاه دینار مسدود گفت بدست
 مرا حایت کنید مدتی بر آمد و در ویشین مرد اسکندر و بر اطلب کرد گنجه مرد بخانه
 وی در آمد است گفت این مرد از دنیا چه داشت گنجه لانی گفت چه میگردد
 گفتند مرد روز بدین الخ سوار شدی و بجزارتی و باز آمدی اسکندر آن فر
 را بستد و بران بر پشت و عنان او را را کرد تا بر رفت مقدر سه فرسنگ
 راه از آمدانی دور افتاد تا بسای کوهی رسید و جای شکفت دید در آنجا
 باستان نگاه کرد سنگی دید بران صورت مردی کرده و جوی و در تار دست
 مانند لای و در دست دیگر زنگی اسکندر گفت که لام قلب مال است
 و زنگ قلب کنز است ایچای را بگفت بد چون بکنند دری سید است لوی
 بدید آمد و فانتای بر زرد و جوهر در آنجا خانه دید قتل عظیمی بر آنجا زود
 گفت گنج عظیم در آنجا است بفرمود تا قتل از آن در برداشتنند
 خانه دید خانه و خاک در آن خسته اسکندر در آن خانه
 سیکر دید و همه بار امید و وزیر عاقل کامل سمرا اول بود

بسیکند بر کنار طاق لظنه کرده کجاست دید بر طاق نمانده و سیل زمره دور
 از بر داشت وزیر گفت ای ملک یک سیل این در چشم من کن که اگر آتشی رسد
 بمن رسد اسکندر گفت من این کج را بتو دادم این نمحله مرا تمام است



بس پیکر سیلی از آن سپهر در چشم کشید در چشم وی نوری بیدید آمد که سر کجی
 که در عالم بود بیدید و هر را جسی که در کفر من زردسیم باوی رفتی و
 عالم را گرفت و از قیاف تا قاف بگردید حکایت گویند مردی وزنی در پیش تو
 و خانه داشتند نام آن خانه زمین در خواب دید که کجی نماید بدشت اعتقاد
 کرد تا چند بار در خواب دید آنچه بدشت آمد در میان شهر سرگردان میگردد
 تا مردی باوی گفت که از کجای گفت از روی گفت کجی کار آمد و گفت بچوب
 دیدم که در دشت کجی پاتم این مرد خنذید و گفت جنین سالت که من بچوب

و دیده ام که در ری خانه است نام آن زمین دور آن گنجی هست خواب را است بسیار نمیکند
 منبر و م توبه و وسیله آن در ویش چون این را شنید باز کرد دید و خانه خود را
 کافیه باونی یافت از سی من زر از آن خروج کرده تو انگر شد **گنج دیگر**
 که میند مهران بنوی از بهر مکی که نوی سفت از زرد بهلی سیم از و بگرفت چون
 که تو م را پیش آورد و ندر دانه شد پس بجای رسیده با سنا و دسر چاک نزد
 بر و و بسوزانی در شد آن سوران خ را کاشید گنجی نماند شد و ماری بران
 خسته آن مار را کشته و ده خم زر از آنجا بر و آن آورد و نماند آن گنج که تو م نزد
 بطلمی ساختم و همیشه رزمی ز کند و که تو م همیشه در سوران ما بجهت این حکایت
 را برای آن گفتم که **سبب اسباب** هر کس را بسبب گنجی باشد **گنج نماند آورد**
 اما گنج نماند آورد را کسری داشت و در آن عهد که خسرو پروز ملک روم رسیده
 ملک روم گنج را در کشتیها مفاده خواست که بگریز و بقدرت پروردگار با نجا
 شد و آن کشتیها را بجانب ملک پسر داور دوان نصیب او شد و این را گنج نماند
 آورد نام کردند **حکایت** بگذرد و داور از کوهیت و در آنجا چشمه است سال
 یکدینار سپانند آنجا بر یک روی دنیا یک صورت و بر روی دیگر دانه صورت
 و پوست ماری بسبب است که مکی بود او را داور دانه سپرد بود چون وقت
 رحلت رسید هر را بخواند و گفت هر که در دیش کرد در مایک حقه است در آن
 ماری آن حقه را با و بدید تا تو انگر شود آن حقه بطنی سپرد مکی از سپرد آن
 را اعیان پس امیر آن حقه را از دستد چون سر حقه را بگشود ماری سر و آن آمد
 سورانی رفت وی آن سوران را بگنجد گنجی نیست او آمد که خدا دادند و پس
 چون ز دنیا رحلت کرد آن در سال دنیا ری از آن مال آورد و در آن چشمه نماند
 تو گویند که سه هزار سال بماند و پس آنکه که این را از کی سپردن می آید و بچا می رود

و این از غایب است **حکایت** در عهد افراسیاب در ولایت چین گویند
 در آن کوه دو میل مسی یافته بر گرد آن حطی نوشته که من مادتی می بودم
 که این ستونها ساختم سیصد سال عمر من بود بسیار کججا بسج کرده ام در زیر
 این دو میل و مرا از آن سج نفسی و بهره بنود ندانم که بعد از من که افتد
 ای عزیز گنجشاد میباش که یابد اینست افراسیاب فرمود تا آن میلهای بنگارند
 بار صد میل از اینجا بر گرفت همه دیارها که صورت تجسد بر آن بود هر دیناری
 ده من زر سنج و امد اعلم این گفت را که گفتیم از احوال کججا تا مدانی که عاقبت چه بود
 و بغیر از پروردگار دل در خیزد که بنده ای که همه فامنت بغیر از ذات پاک و بی

الذکر السبعین شرف الاله و عب قطره

تو که بتای و از وقت لیلای که انجند و الادم فجد و الاله ابلیس
 ملاکه را فرمودیم که آدم را سجده کن سجده کردند گران شد نه مکر ابلیس که
 سجده نکرد و ملعون شد آدم این شرف بس که ملاکه را سجده او فرمودند
تو که بتای و لغت که بتای آدم **نفس** باقی آدم را جز یک دم بقامت است
 رعقل و تمیز و بسج چاره سازها **حکایت** آورده اند که در است ای مخلوق
 بشری مخلوق شده بود مرا غارت اوید که هر طرف طران مسکنند وی دهند
 رسد که شاز که می رسد کفش که از زنی آدم گفت او تنها چگونه رسد
 کشید که در این روز و در این کفش و بکش و بجز در شیر بخت خوده نیست
 که او می روز رسد روزی اسپ را دید که میدید گفت این کمر آه دست
 که بسیار جا بک است از او پرسید که تو آدمی گفت ای شیر اوقی مرا بگیر و بکام
 می رسد که در زمین درشت من بند و رسد و اند جدانکه خواهد و چون سرو کجا
 شوم هر گشته که گشت مرا بخاز پس روزی کاوی را دید گفت تو آدمی گفت

کتاب نفیس گنج نامہ

